

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: جُنگ (ریاض سگل)

مؤلف متن: کاتب واهب نسخه حج شیخ محمود تولائی معروف به حلبی   محشی:

شارح: مترجم:

تاریخ تحریر: سده ۱۴ ق   نوع خط: نستعلیق تحریری   تعداد سطر: مختلف

جزء کتب: علوم غریبه   زبان: فارسی   عدد اوراق: ۷۸

طول: ۱۶٫۵   عرض: ۱۰٫۵   شماره عمومی: ۲۴۳۵۷

وقفی / خریداری   تاریخ   وقف / خریداری

ملاحظات: کمیته در ۶ ورق در تعلیمه ؟ در علوم غریبه ؟ ابدانه

۱۴٫۵ × ۶٫۸

۲۰ س

الحمد لله	رب العالمین	الرحمن الرحیم	مالک یوم
الدین ایاک	نعبد	وایاک	نستعین
اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت
علیهم غیر	المغضوب	علیهم	ولا الضالین

در [illegible] ایمن بیع حمد را بدین روش
که در مربع کوچک [illegible] نویسد یعنی از رب العالمین
ابتدا کند و به انعمت ختم کند و بر طفل آویزند
آبله بیرون نکند ان شاء الله
معدودی [illegible]

٨	١	١٢	١١
١٠	١٥	٤	٥
٣	٦	٩	١٦
	١٤	٧	٢

١٣

تخم جاروب سیاه دانه خاک قبرستان کهنه موی گربه
از هر یک قدری گرفته [illegible] محفوظ کند و هفت [illegible] سه شنبه
سورهٔ مبارکه اذا زلزلت [illegible] بخواند و بروی بدمد
به نیت [illegible] ۵ دا و ۱۱ هر که خواهد از دار [illegible]
و [illegible] ۵ دا و [illegible] فوق [illegible]
[illegible] محرم الحرام سنه ۱۳۴۵

احقر

آیه نور قوله تعالی تتقلب فیه القلوب والابصار لحروف مقطعه در ظرف چینی نوشته
پس شروع کند بقرائت آیه [illegible] هر یک مرتبه قرائت یکحرف را خط بزند
چون تمام شد ظرف را با آب پاکیزه شسته ببرد لب آب جاری نصف
آب را بنام مطلوب در جوی بریزد و نصف دیگر را بنام [illegible]
به نیت اینکه [illegible] کنند [illegible]

۲۵ محرم ۱۳۲۹

صورت کف نوار دراردمی

شیخ حسن اعمی ۲۰ اپول	عموی مرشد نفر سی وسه پول	آخوند ملا عبد الخلف ۲ نفر بیست و هشت پول	حاجی مقیم ۳ نفر سی و سه	سید ... شش نفر ... اعت
شیخ محمد حسن ... سی ... پول	الستار سلملی چهار نفر ال... هشت پول	شیخ صادق ... نه نفر ...	شیخ صادق ... بیست ...	
ملا احمد علی ... دوازده پول				

فائده ... [illegible]

ولرفع الارياح

للحفظ من الآفات يكتب على ورق

يا هو يا من هو يا من ليس هو الا هو يا حي يا قيوم يا حي لا يموت يا حي لا اله الا انت يا حي محيي الموتى يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد واجعل لحامل كتابي هذا من كل هم وغم والم وخوف ومرض فرجاً ومخرجاً يا كريم يا قريب يا مجيب

رقعة الجيب بسمله تحصنت بمدينة سورها لا اله الا الله وسقفها محمد رسول الله وبابها علي ولي الله وحيطانها لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ستر العرش مسبول علينا وعين الله ناظرة الينا بحول الله لا يُقدَرُ علينا والله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ الله لنا عُدّة في كل شدة حسبنا الله وحده اليس الله بكافٍ عبده فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بجهة عدم احساس خستگی راه و حرکت برقبه القدمین ارم یا بنویسد لشکر فرعون در عین رود نیل غرق شد ایضاً همین عبارت را بگوش عقرب زده بگویند خوب میشود ایضاً بجهة عدم احساس خستگی آیه شریفه ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتى بل لله الامر جميعاً افلم ييأس الذين آمنوا ان لو يشاء الله لهدى الناس جميعاً و مداومت در قرائت نماید و هم نوشته بر تاج سر نهد در حین سیر و عدم احساس خستگی اثر غریبی دارد مجرب

مقابل کلب نشسته انگشتان در دست و بکشل لوز نعمه بگوید بتز بتو بتو رک خواه شد و بر میگردد ایضاً قرائت آیه شریفه وکلبهم باسط الی آخر در این امر موثر است

عن الباقر علیه السلام ان الله اشد فرحاً بتوبة عبده
من رجل اضل راحلته و مزاده فی لیلة ظلماء فوجدها
فالله اشد فرحاً بتوبة عبده من ذلك الرجل براحلته

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱ عنوان عمره

چهر را لطف فزود نه آسمان کبود | وان ده روابط زر هوزندوها بدریم
اشراق بام ازل اطلاق دوام دول | فاتحه عز و جل منه با اکمل بشریم
باری تباشیر تام و اندر نمایش عام | صدره زماه تمام ما آتشی زتریم
خودیابی نخود مهلید درمان دل بکنید | تا بنگرید پدید کاغصان نکشجریم
اینها همه سخن است محکم و فزون است | افسانه کهن است افسانه ما نخریم

۲ ولی عمره

بر پا دجلوه شاه والا ولی الله | پیوسته چشم براه همواره دل نگریم
ختم ولایت کل دلبند ختم رسل | یکشب بر امید نزول کهتر گدای دریم
مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن | در قبض و بسط سخن با بر قلیل سریم
در اسقطی سخن ما ثم قص سخن | سبحان آنش سخن در بدو در حضریم
در گونه گونه سخن آموزگار کهن | چونان که در همه فن استاد نابوریم
نه گوش بند ادیب نه اکش دید طبیب | با درد عشق حبیب از هر دو کور و کریم

وله دام ظله

باز از فراق آن لب نوشادی | چشم من است دجله بغدادی
خورشید نیکوان و پری رویی | روز و شب سپندی و خوردادی
ماه دو هفته و از خرد دانش | آموزگار مردم هفتادی
شاه است او شاه بنده نوازی | سلطان خوش است داوری و دادی
گردون ندیده ماه بدین تابش | گیتی ندیده شاه بدین رادی
آن روز کو که بود به بزم اندر .. | با یک جهان جمال خدادادی
از او همه نمایش شیرینی | وز من همه تراوش فرهادی
باشد که دام دل کنم آن آهو | چون بنوم سازش دل پولادی

(کریم) ۴۱

گرم فراز گنبد گردان است | آرزش فزون ز نشیب باستادی
آید شبی که انجمن یار را | خلخ کند بگونهٔ نوشادی
آن روز بیرسد که کنار من | کشمیر کند بقامت شمشادی
گیتی ندیده است و نخواهد دید | چونین اساس خوبی و شادی
بزم ادیب و گوشهٔ دلهای | وصل حبیب و گوشهٔ آزادی

وله دام عزه

دل بزلف تو رفت و ناید باز | چکند خسته است و راه دراز
نرهد از کمند زلف تو دل | کی کبوتر رهد ز چنگل باز
خواستم تا نهان کنم غم دل | چکنم آب دیده شد غماز
راز من آشکار شد آری | عاشق دانکهی نهفتی راز
داستان من و تو برد از یاد | داستان سبکتکین و ایاز
بارها خواستم ز خطهٔ طوس | رو کنم زی عراق یا که حجاز
چکنم در کمند زلف توام | مرغ پربسته چون کند پرواز
چه دل است اینکه من دارم | هردمی با غمی بود دمساز
گاه در زلف و گه بچاه زنخ | طی کند روز و شب نشیب و فراز
گل رویت بپژمرد آخر | این طراوت درو نماند باز
با چنین گل که هفتهٔ بیش نیست | زیبا نیاید این همه ناز
کرد ما بوش تا خزان جهان | عندلیب حدیقهٔ شیراز
طبع پرورد در بهار سخن | زند خوانی چو مرغ سخن پرداز [illegible]

[illegible]

جز تو یاری نگرفتیم و نخواهیم گرفت | برهمان عهد که بودیم برآنیم هنوز
باید تو شب خویشتن آرم بر روز | انجمن دید که بودیم همانیم هنوز
ای دریغا که پس از آنهمه جان بازیها | بر سر کوی تو بینام و نشانیم هنوز
دیگران وادی عشق تو بپایان بردند | ما بیاد تو در اندیشه روانیم هنوز
آرمیدند همه در حرم حرمت و ما | سالکی کوی خرابات مغانیم هنوز
نه گلی خار برآورد و نه از مهر گیاست | باری از هستی خود بار گرانیم هنوز
نوبهار آمد و بگذشت ولیکن من و دل | همچنان در تب آسیب خزانیم هنوز
برگشت آنچه بار آنهمه تابش چو گذشت | در پس پردهٔ پندار نهانیم هنوز
ما از این چرخ کهن گرچه بسی پیشتریم | همچنان از مدد عشق جوانیم هنوز

در دو شاد

ولـه مدظله

تا که طرهٔ تر کی کف آرم هر سال
از لب جیحون تا چین سغون بود مرا

در همه سال و همه ماه نه تنها نه بهار
شب و روز از گل وصل با حضری بود مرا

روزگاری ز لبش آرامش هر روز تو
به امید وصال پسری بود مرا

من ندیدم بدین سعیدی روی
از تو شوخ سیاه گیسو تر

ای برو ای از فرشته نکوتر
ای بگیسو از شاخ شبو تر

ز آهوی چشم و خم گیسوی مشکینش ادیب
کاخ و مشکوی ختا و تتری بود مرا

وله دام توفیقه المتعالی

از تو بت رو ندیده دیده کس
سرخ گونه تر و سیه مو تر

گل ندیدم ز روی خوب تو به
رگ شنیدم از تو بدخو تر

بحذار ای آفتاب سپهر
نیست از روی تو به آهو تر

نبود در رکودی دلها
از تو ترک اشتواز بازو تر

مژه چون تیر و ابروان چو کمان
یکی از دیگری به نیرو تر

ای من الچراغ ترکستان
ای ز افرشته نکو رو تر

محرم از حسرت لب و دهنت
دهم ای از مسیح دلجو تر

راست گویم ندیده ام هرگز
از تو ترک خمیده ابرو تر

جان دهم چون تو را ببینم و باز
دوست دارم که بینمت زو تر

شب همه شب ز رقد سیاه سپهر
دل درویش من به آهو تر

گر نگفته است از ادیب الکل
سخن راست زو به بازو تر

ولـه مدظله

روز جشن سده است ای پسر ماه نژاد
ز آیین فریدون ده جمشید و قباد

تو بهر سال بروز سده نیکو دانی
خوری این پیر کهن ای پسر ماه نژاد

بامدادان ز ... شام ز ... مست و خراب
باغ کهن کنم ز خشم جهان آباد

اینکه از جهل ... بنیاد روم از کم و بیش
نگذرد چند که از شصت روم در هفتاد

خویم این بس که بر در رسیده و خواهانی — لازم این است که خوی نکو هیچ نکو دیده به شاه
شهریاران کهن را باید جشنی است بزرگ — کز فریدون و جمشید همی آید یاد
گونه بفروز بدان آتش بهمن که مروز — می به یاد کیست که داد و زر داد و شنی داد
می زنی بر بر افروز و زود از آذر مه — هان ای شاه زنی و بر کف مهر بر شاه
نام می شد بدان شاه از روز بجست — تا بشر دل و جان همه کس داد و شاه
پس هر جام وادی به دام بکه و به بوس — کاین چنین داد مرد دلشده را باید داد
باستانی است ز جان طلب بوسه می — این روش نیز هم تنها است که گفته استاد
قدیمی است
باده با نقل رود با همه نقل بده — دیرگاهی است که این رسم نهادند که نهاد
آب کوثر بگوارائی دیگر نشود — هر که بگوید که از آن هم لب شیرین بستاد
زادمی زادی و چنین شد که چنین با رفدات — الحق شایان به پری بود و فرشته به تو داد
آتش بر دل و بر جان بنی آدم زد — که گاری تو بلا داد چنان خون و نهاد
مادرت آدمی و اینک زاده پسری — خود نمیدانم که این زاد او را چه فتاد
آدمی بود و باندام پری زاد ترا — آفرین ها که چنو نام پری زادت باد
آدمی زاد نزاید پسری ساکه چنو — تا قیه دال شد آگاه به هم [illegible] از اضداد

زرتشت محقق

رو دیثراز

رو پیثراز ماه چو هفته نشر از ماهی سیم — سینه از برگ گل سوری و دل از پولاد
آدمی زاد کی زاید چو چنین پسری — همچو شاخ سپرغم سر لاله کناد
آدمی نیست چنو زن لگدا جادو است — از چنو جادوی مردم کینه فریاد
مادرت با توی از تیره جفتائی بود — خوات جفتائی زاید اسرائیل زاد
من از این نشکفت اندر این کز سر — گر چه رو نام تو را مادر یوسف بنهاد
زلف هر روز چه پیرائی و پردازی — این همه جان گرامی چه دهی خیره به باد
چه از این بست و گشاد از دل من بخواهی — زلف را چند همی خیره دهی بست و گشاد
تو بدین خوبی و شیرینی شگفت اگر — روزگارم بتراف نه کند چون فرهاد
بگذر از تو خو کان عارض و بالا پرورد — نه چنو پرورش آید ز چگل نه ز نوشاد
می نتابد ز دگر چرخ چنو ماه تمام — می نروید ز دگر باغ چنو سرو آزاد
در چه آب و چه زمین و چه هوا چون تو خو — کای سوری شکفد بر سر سرو شمشاد
شعر با این همه کشی و خوشی آه که نیست — نه یکی ساقه خوش نه یکی خواجه راد
دل شاعر ناچار امیدی باید — نه شکار خوش نه یکی آزاد
این دو شعر آرد افسوس که در عصر بلند — ساقه گاه سخن درد و پادشاهان شست نهاد

سپرغم نام گلی است

شاعری

دل من خندی زلاش یکی دلبر داشت
آذری چون خور و چهری رخ و فرشته بنیاد

یاد آن شب که مرا با دل من تا بیگاه
الطرز داشت بدانزر چو روز خرداد

تا سواز در مشکو نرسیده از راه
در مشکوی به بست و سر شیا بگشاد

دیدی آذر که چگونه به که داد وی
بستان و بهشت و نشست و بستار

خوان بگستر یکدل و یکرو همه بادی بامن
انکه چنین از تو شکی یکدل و یکرو با یار

آذر بد از بیمار کش با دل من تو بماند
کاش شود اش مرا نیز بدل تا نماد

کس فرستادم روزی بطلبکاری او
دو بهن پاسخ و پیغام مرا نفرستاد

دوشیزه
آذر آذر چه توان کرد که دو شکیله چنو
تا تواند چون پیر نگیرد دل ماد

احضار رجا نوی
طریق نفتر خط کشیدن و مار را در خط آوردن که نتواند حرکت کند باید مار که افسون با و نخواندی باشند درشت
با مار نعیه باشند فقط اور الازم ربه ببینند خط بدور وی بکشند و نفتر را یکدفعه برآن خط بخوانند و بدمند
اگر در نیم فرسخ باشد بیاید و داخل خط شود و بعد از آن افسون دم علیه و نفس مرشد هم بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
کال کال کوبال کی هلنی هنا دک کار سنک یدرکی
جبیی حنونت باکرک یا برونی تی کری مری اولت
یدعو دهی تری مری یا امیر المومنین بسم الله الرحمن الرحیم لندی لندی
ذی الجلال چرچی بو کو در پاچا شمس والقمر لیل والنهار واحد
القهار کف وشت مرتبه بگوید یا کوکه یا طهطر یا فاتح الغیب والخفی
یا امان الحافظین

از قاضی نور الله شوشتری منقول است برای دفع اعدا هر روزی هفتاد مرتبه بخواند اللهم شتت شملهم وقلب
تدبیرهم وخرب بنیانهم وقرب آجالهم وبدل احوالهم وشغلهم بابدانهم وخذهم اخذ عزیز مقتدر
یا قهار یا قهار یا قهار یا جبار یا جبار یا جبار

جهة تسخیر اعدا هر روزی هفت نوبت اللهم سخر لی اعدائی کما سخرت الریح لسلیمان بن داود
علیهما السلام ولینهم لی کما لینت الحدید لداود علیه السلام وذللهم لی کما ذللت فرعون
لموسی علیه السلام واقهرهم لی کما اقهرت یا جهر لمحمد صلی الله علیه وآله کهیعص حمعسق صم بکم عمی
فهم لا یعقلون ایاک نعبد و ایاک نستعین وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

۱۱۰
احضار آتش با وضو رو بقبله صد و ده مرتبه با بسمله این شعر را بخواند و لیکن از هر مرتبه بگوید
یا حاضر و مظهر باو رنیت آوردن رودار بادر بستان گذر کن بگو اشرو قد شمشاد او به تشریف
قدوم خود زمانی مشرف کن خراب آباد ما را که جز پابوس تو اسباب دیگر نیامد خاطر ناشاد ما را

مجرب بواسیر

طلا ترتیب کرد عناب زرده تخم مرغ یکدانه عناب برنده و از این دوا مخلوط [illegible]
کنند تا مرهم شود مقدار ١٣ قطره روغن گل [illegible] بعد روی پنبه که انداخته [illegible]
بموضع بواسیر بگذارد راحت شود الیف [illegible]
کند بقدر زرده تخم مرغ بالای آتش گذاشته داغ شود [illegible] زرده تخم مرغ [illegible]
انداخته [illegible] پرهیز کند
راحت میشود انشاء الله [illegible] روزی ٣ مثقال [illegible] با مقداری نبات

٣	٢٩	٢٣	١٧
٢٥	١٥	٥	٢٢
١٣	١٩	٣٣	٧
٣١	٩	١١	٢١

وفق ٧٢

[illegible]

١٣ ٤ ٩ ٥

باسط

مثلث [illegible] وفق ٧٢

١٨	٤٨	٦
١٢	٢٤	٣٦
٤٢		٣٠

٥	ل	ل	١
طاء	٧	٣١	٨
٣٢	٢٥	٣	٦
٩	٤	٣	٥١

مثلث دو روح مصری

٨ ٩ ٥ ٢ ٣ ١٥ ٧ ١ ١٠

ض	ب	ا	ق
١٢	٨٩	٤٨٧	٣١٥
٨٨	٣١٣	طه	٤٨٨
٣	٤٩٩	٤٠١	

مربع ١٤٢

١٠	٣	١٢٩	٨
٥		٢	١١
٤	٩	٧	١٢٠
١٣١	٦	١٢	١

[illegible] ١٣ [illegible]

مربع ٩٩

٩٣	٣	٩٤	٨
٥		٢	٩٤
٩٤	٩٣	٧	٩٧
٩٨	٦	٩٥	١

[illegible] ٩ [illegible]

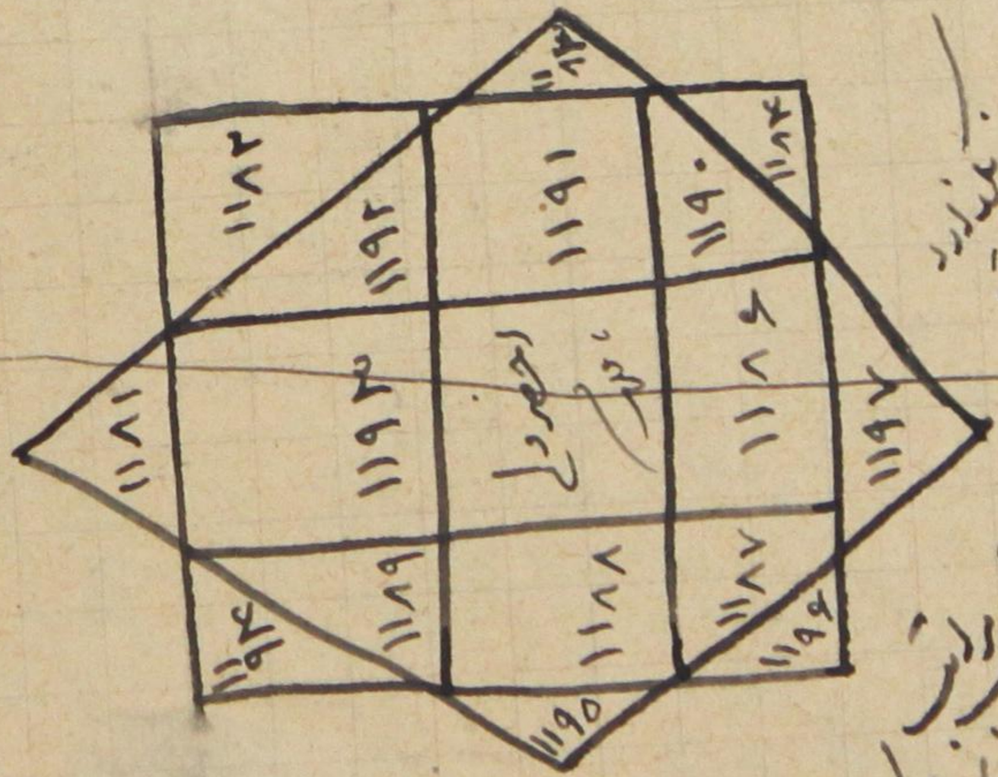
١٤	٤	٤
	٨	١٤
١٠	١٣	٢

وفق ٢٤

[illegible]

فائده ... نفاتح المغالیق الغائب

دره علم اعداد ... کبیر ...



٦٠٨٢

١٨٧٥

٧٧٠٩٠٢

یا غنی ... نفضلک ... اللهم ... اسئلک ... یا الله ... القادر ...

١٠

قاعده بسط اسم عبارتدر ازاعتبار رکون حروف ملفوظان
چنین حس که بسطش ح ا س ی ن ن و ن یعنی فائده چنین
هر عددی تعیین برای حرفی از حروف ابجدیت اکثر طبیعتش طبیعت
حروفات چنین ۳ که طبیعتش طبع ج و ۲ که طبع ب و ۴ که طبع د و همچنین

ناري	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
هوائي	ب	و	ي	ن	ص	ت	ض
مائي	ج	ز	ك	س	ق	ث	ظ
ترابي	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

ح	ق	ی	و	م
٥٠	١٤	١٩	٣٩	٥٢
٤٨	١٢	الله	٤١	٢
٤٩	٢٠	٥	٤٣	٤٧
٩	٢٣	٦٤	٤٥	٣٣

٢٣٠	٢٣١	١١٤	١٢٦	٣١١
٢	٤٣٦	٢١٨	٢٣٤	١١٢
٢٣٢	١١٥		٣١٢	٣٤٣
٣١٠	٢١٩	٣٥٧	١١٣	٣
٢٣٨	١	٣٣٣	٢١٧	٢٣٣

دیم فتح عالم الغیب فوائد الکتابت کرده ...

... تضعیف بوتیات تمام شرب ...

عن الصادق (ع) ... [illegible] ... صاحب عتيق

... فليقرأ عند ما تعالى ... كهيعص ... [illegible]

... حمعسق ... [illegible]

... قال ... الكهيعص ... [illegible]

... العلسى ... [illegible]

... [illegible] ... اصبعه ...

... [illegible] ...

... وصل الى ... المعقود ... [illegible]

... [illegible] ...

ورايت في نسخة قديمة لعقد الرجال والنساء وحلها اما العقد فهكذا

بسم الله الرحمن الرحيم وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم

فهم لا يبصرون ۷ مرتبه بخواند و بر ابریشم سیاه بدمد بنام مرد و مادرش و زن

و مادرش و بهر مرتبه که میدمد گرهی بزند و اما الحل به ۷ دانه گندم بدمد بهریک یکدفعه

بنام خود و مادرش و بخورانند بانها ایضاً ۳ بیضه ماکیان را بجوشانند و پوست برکنند

و بالای هر بیضه این آیه را بزعفران بنویسد و ناهار بخورند بار نزد آیه اول فوقع الحق وبطل

ما کانوا یعملون و بر دوم بنویسد قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح

عمل المفسدین و بر ۳ بنویسد انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی و بر ۴ بل نقذف بالحق

على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم تمت

خزائن نراقي

خزائن نراقي لطاعة جميع الخلق فليصل اربع ركعات يقرء في كل ركعة الفاتحة مرة

و ۴ مرة عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة والله قدير

والله غفور رحيم ويقرء بعد الصلوة (۱ ۳ ۱ ۵ ۱ ۴ ۵ ۶ ۱ ۸ / ۱ ۳ ۲ ۲ ۴ ۲ ۳ ۲ ۱ ۳)

۶ مرة يا مسخر الغيث مجري السحاب فالق البحر على بني اسرائيل رب سخر

لي ذلك انك على كل شيء قدير وتحكم ما تريد كن فيكون قال الراوي مجرب

بخط فیه ص ۵۷ طريق ختم ۳ ۱ ۵ / ۳ ۱ ۱ هفتاد مرتبه در یک مجلس یا در ده روز هر روزی

۷ مرتبه یا در ۷ روز هر روزی ۱۰ مرتبه با تکرار ۵ ۴ ۱ ۴ / ۱ ۲ ۱ ۳ قول آخر

آیه در هر دفعه ۱۰ مرتبه ایضاً فیه ص ۱۴۰ للمحبة وعطوفة الملوك والحكام يكتب يوم

الخميس اول الشهر الله اكبر ۷ / ۱ د ۳ و ۲ ۱ و ۴ و ولا حول ولا قوة الا بالله العلي

العظيم ۷ / ۱ د ۳ و ۲ ۱ و ۴ و ثم علقه على عضدك ثلثة ايام فانك تطاع ولا تعصى

ما دام ذلك معلقاً عليك ولا تخشى من حية ولا عقرب ولا سبع ولا شيء مما خلقه

الله تعالى وذلك من الاسرار العجيبة من اكابر هذا الفن الشريف نقلته من خط

والدي العلامة طاب ثراه وهو كتب في آخره اني نقلته من خط محمد تقي المجلسي ره تمت

سمعت عن ... [illegible]

لجهة حافظه وحدت ذهن این هفت آیه را بر هفت لقمه نان خشک بنویسد هفت روز هر روزی

یک لقمه را ناشتا بخورد ... و از اول تا آخر بترتیب آیات بخورد یعنی روز اول

لقمه که آیه اول را در او نوشته است بخورد روز دوم دوم روز سوم سوم و آن هفت

آیه این است اول فتعالى الله الملك الحق دوم وقل رب

زدني علماً سیوم سنقرئك فلا تنسى چهارم انه يعلم
الجهر وما يخفى پنجم لا تحرك به لسانك لتعجل به ششم
انما علينا جمعه وقرآنه هفتم فاذا قرأناه فاتبع قرآنه

بجهة حافظه الیضاً

بادیان	زعفران	کندر	سعد کوفی
۴ مثقال	۹ نخود	مثقال و نیم	۲۶ نخود

مویز قرمز هسته گرفته بادیان را در ده استکان آب بجوشانند تا ربع ۵ مثقال آب بماند و سحق زعفران و کندر و سعد و مویز را با آن آب خمیر کنند و بر بیست و چهار حب قسمت کنند هر حبی یک درهم باشد و تا بیست و چهار روز هر صبح ناشتا یکی میل نمایند مجرب است

از خط مرحوم میرزا محمد باقر دلال نقل شده ابتداء روز شنبه تا آخر روز جمعه این اوراد را بخوانند هر روز هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله الفیاض العلی العظیم و صد مرتبه محمد رسول الله النبی المختار الکریم و ده نوبت بگوید علی ولی الله المخلص الصفی الصمیم و صد مرتبه اللهم صل علی النبی الامی محمد وآل محمد وسلم و دوازده مرتبه بگوید یا الله صمدی ومنک مددی وعلیک معتمدی ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی بولایتک

بولایتک

بولایتک یا علی یا علی یا علی ده مرتبه فاتحة الکتاب بخواند و ده مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا مدبر دبر یا متمم تمم بعد از آن دعای صحیفه کامله را که در طلب حوائج الی الله بخواند و هو اللهم یا منتهی مطلب الحاجات و یا من عنده نیل الطلبات و در آخر این دعا موضع ذکر حاجت مطلب را قصد کند و بعد از آن حسب المقدور چیزی تصدق کند پس اجابت بحق سبحانه و تعالی است محمود شهیدی

دعای جمعه آخر شعبان [illegible] جمیع حروف نورانی مفتوح [illegible]

بسمله لا الا الا الاوی یا الله المحیط به علما [illegible] وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة للعالمین [illegible] منصور [illegible] الله محمد علی فاطمه حسن وحسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد جبرئیل میکائیل اسرافیل عزرائیل

روح امانات

لوح اکسیر

پوست چنار	سنگکور	زرکه	گلاب	رب
۲ مثقال	۲ مثقال	نیم استکان	نیم استکان	۶

چنار و سنگکور را بقور کهنه در یک استکان آب و زرکه و گلاب جوشانیده بدهان

نکه بدارد و بعد قرقره کرده بیرون بریزد و در چند دفعه درد برطرف میشود انشاء الله #

دعاء عظیم اذا انقطع املک من کل جانب فی داهیة تقف علی باب مسجد مستقبل القبلة وتقول یا من علمه لا یحتاج الی مقال ویا من جوده لا یحتاج الی سؤال ان العرب اذا وقفوا علی ابوابهم اجابوا وانت یا سیدی رب العرب والعجم وانا واقف علی باب بیت من بیوتك اغثنی یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی یا مغیث کرر الدعاء ثلث

بدانکه ۳ موضع است در سوره مبارکه یٓس که محرب شده است به قصد که چون قاری در این سه موضع قصد حاجت کند و مقصود را الی طرکز ادنه بلاشک برآورد روایت آ نی ب هـ م ام ا ی ف

۲ ك ل ف ی ف ل ك و ۳ م ی ح ر ب ر ن و ح ب س ی ۲

ن

نم ل و ق م ا ل س فصنه الاعن اهله فانه مجرب کبیر

ح

از یکی از مشایخ مغرب نقل شده للضالة اکتب ذلک الاسم علی قرطاس وعلقه علی جدار و اقرع وتداً من الحدید فی المیم ان وجدته والا فاقرع علی العین بعد ان مرّ اثنی عشر ساعة فان وجد والا فاقرع علی الواو بعد مضی اثنی عشر ساعة تجده انشاء الله تعالی شمعلون #

لقضاء الحوائج ۵۴۴ مرتبه بگوید یا رؤوف یا رحیم #

للسرق

عزیمة الابریق وهی ان تقبل الانسان ویمسکان الابریق فی اصابعهما السبابتین ویکتب اسم من الاسماء المتهمین ویطرح فی الابریق ویقرء سوره یٓس الی قوله هـ ب س ک م ط ل م ک ل ی ق ل ط م فان کان صاحب الاسم هو السارق ط ج هـ ق الابریق وان لم یدر فخذ هذا الاسم واکتب غیره واقرء السورة هکذا الی ان طج هـ ق فهو السارق واکتب اسماء ملکة الاربع علی ب هـ غ م ا الاربع من الابریق تمت

برای شب ولرز بر ۳ پارچه کاغذ الحمد روزی یکی از برای او وقت نوبه دودکنه سوطا
سوطا بالنار احرقناها تمت

للحفظ من الآفات یقرء فی کل صباح

آیة الکرسی الی قوله وهو العلی العظیم وآیات السخرة وهی ثلث آیات فی سورة الاعراف
اولها قوله ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض وآخرها قوله ان رحمة الله
قریب من المحسنین والصافات الی قوله فاتبعه شهاب ثاقب وهی عشر
آیات ویا معشر الجن والانس الی قوله فلا تنتصران وهی ثلث آیات وثلث آیات
فی آخر الحشر اولها قوله هو الله الذی لا اله الا هو الی آخر السورة فهی عشرون آیة
یقرء بالترتیب الذی رقمنا ثم یقرء تحصنت باحصن الحصون حصن
سقفه لا اله الا الله وسوره محمد رسول الله وبابه علی
ولی الله لا یمسهم فیها نصب وما هم منها بمخرجین والله
من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ ۱۵ مرتبه
یا حفیظ ۷ توحید شش لجواب شته یکی بدور خود بدید تمت

آیه لیست در قرآن اول واو آخر واو هر که بخواند و با عصا خطی بدور خود بکشد
از دشمن در امان است تمت وع نص امرف قل ت کرنی مد ی ی ف ارق ل ا و

فائدة مجربة صحیحة منقولة فی المجموع المنسوبة الی الشیخ الاجل الفاضل العالم
بهاء الملة والدین وقد نقلته بخط الفاضل الکامل المولی محمد تقی المجلسی طاب
ثراه من اراد ان یسخر سلطانا او حاکما او شخصا فلیتوضأ ولیصل رکعتین یقرء
فی کل رکعة فاتحة الکتاب وسبع مرات هذه الآیة عسی الله ان یجعل بینکم وبین

الذین عادیتم

الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم ویقرء فی القنوت اللهم انی
ادرء بک فی نحره واعوذ بک من شره واستعینک علیه
فاکفنیه بما شئت فاذا سلم لا یتکلم مع احد ویقول سبعین وسبعین مرة
اللهم لین قلب ... لی کما لینت الحدید لداود ع بجاه محمد
الاکرم وبجاه علی الافضل الاعلم وبجاه فاطمة ذی
الفضل والعصمة والکرم وبجاه الحسن والحسین سبطی سید
المرسلین وسیدی شباب اهل الجنة وبجاه ذریتهم
الطیبة وبحق حمعسق ۳ ۲ وبحق کهیعص ۳ ۲ وصلی
الله علیه و آله الطاهرة فهذه الصلوة فی لیلة الجمعة
او یومه کان افضل واحسن وسخر السلطان او الحاکم واطاعه بحیث لا یتصور
مزید علیه وقد جربت مرارا تمت اقول نقلت هذه العبارات من نسخة قدیمة صحیحة

بجهت حل مربوط در دفع ورفع مطلوب که جهت رفع بسته شدن مرد بکرد
۴ عدد بیضه مرغ پخته پوست کنده و بر هر یک زعفران بنویسد و ناشتا
بخورد در عشکنجه ... بر بیضه اول فوقع الحق وبطل ما کانوا
یعملون در ۲ قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین در ۳ انما صنعوا
کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی در ۴ بل نقذف

بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون ولاحول ولاقوة الا بالله العلي العظيم

وليأخذ شعراً من ناصية المرأة ويضعف في البيضة نصفين ويأكل الرجل والمرأة ذلك النصفين تمت

هرگاه کمی بوشته باشند ایدی با وبر با زو ببندد .... بود

بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء الخ بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذلك حللت م ن م على فلانه بنت فلانه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشأها اول مرة وهو بكل خلق عليم حتى اذا ركبا في السفينة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها اللهم اني اسألك الحق المكون بين الكاف والنون

والنون وبحق محمد واهل بيته الطاهرين ان تحل ذكر م ن م على فرج فلانة بنت فلانة بكهيعص حمعسق وبحق هو الله احد وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما بالف لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم حلّه عليها بجاه محمد وآله الطاهرين المعصومين من آل طه ويس تمت

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر ز
س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق ك ل
م	ن	و	هـ	ی					

تحبیب هر کس واعتصموا بحبل الله جميعا الى قوله تعالى واولئك هم المفلحون چون این آیات را بر پوست آهو بره بنویسد در روز شنبه آنگاه وقتی که قمر زاید النور باشد با آب شاه توت ودر آخر بنویسد نام آن هر کس را که بخواهد بین ایشان الفت افتد بطریق یا مؤلف القلوب الف بین م و م کذلک یؤلف الله بینهما کما الف بین الثلج والنار اللهم یا ودود الف بین قلوبهما على طاعتك بعد از آن از هر یک که با خود داشته باشد دشمنی آن دیگر از دل او بیرون رود ومیان ایشان هرگز شر پیدا نشود تمت

للصداع

با کارد خطی با نیطرتی بکشد از طرف راست کارد را الی نه اول فرو کند و ۳۳ مرتبه بگوید اسکن یا ریح لحق الی ... بعد بخواند ۳ و بعد به ۳ و صاحب صداع دست روی ... بنهد اگر ساکت شد که خط را پاک کند و اگر نه بخواند تا خانه ۳ مسلما ساکت خواهد شد و بعد بگوید با دبند بنویسد و بر مصدوع ببندد ... ...

لجهة رفع خنازیر
بکند با دست راست پشم گوسفند ماده از همانی که خنازیر شده است و اگر ممکن نشد باشد عقرب یعنی در چهارشنبه آخر ماه و پشم را شب چهارشنبه زیر سر بگذارد و صبح برداشته و تابید و در وقت تابیدن این آیه را بخواند انه علی رجعه لقادر الی ربک الرجعی و پشم که تابیده شد ... باید و از میان آن باید ۷ گره زند و در اثنای گره زدن آیه که خواهد آمد بخواند و سه گره دیگر بعد از آن گره زند و بعد از هر یکمرتبه آیه را بخواند و سه گره دیگر از طرف دیگر گره میان زند که مجموع ۷ گره باشد و ۷ مرتبه این آیه بخوانند و گو بسم الله الرحمن الرحیم و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا و بر ازان ریسمان را بر گردن ببندد و تا سه هفته هر شب چهارشنبه همین عمل را باید و همچنان ریسمان ها بسته باشد تا به تکمیل برود انشاء الله و العهد از مجربات محمد باقر مجلسی طاب ثراه است ... #

... ...

من ... ... فلکنک ... ... در العاقبه ... ... و آن ... داره ... الیه ... تمت

جمعه اول ماه قبل از طلوع آفتاب در کاغذ سفید این سطر بنویسد نوشته دال بر ... ... باید در ادو جیب نشسته باشد و کسی مطلع نشود و در کیسه ... ... نهد

بسم الله	الرحمن الرحیم
قل هو	الله احد
الله	الصمد
لم	یلد
و لم	یولد
و لم	یکن له
کفوا	احد

عینان عینان لم یکتبهما قلم فی کل عین من العینین عینان نونان نونان لم یکتبهما رقم فی کل نون من النونین نونان #

روز یکشنبه یا پنجشنبه را روزه بگیرد و بغیر حیوانی افطار کند و شب دوشنبه یا شب جمعه در مکان خلوت ۲ رکعت نماز حاجت کند پس از آن با تسبیحی که ۱۲۹ دانه داشته باشد صد و بیست و نه مرتبه بگوید یا لطیف و بعد از اتمام هر دوره یکمرتبه بگوید الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر حاجت ... است

ثلث آخر شب وضو گرفته برود در مکان خلوت با حضور قلب متوجها الی القبلة هزار مرتبه بگوید فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و بعد از هر صد مرتبه بگوید اللهم اکفنی حاجتی و حاجت را ذکر کند پس بگوید انک علی کل شیء قدیر ۳ شب اینعمل را معمول دارد قضای حاجت تخلف ندارد و من مجربات ... کابر

در وقت طلوع عطارد با نظر کرده و این قطعه را که منسوب بحضرت مولای است بخواند ... ... عطارد ایم الله طال ترقبی صباحا و مساء ...

فَاغْنِمَا فَهَا أنَا فَامْتَحِنِي قُوَى أبْلُغ المُنَى وَدَرْكَ العُلُومِ أغَامِضَاتِ
تَكَرُّمًا وَأنْ تَكْفِي المَحْظُورَ وَالشَّرَّ كُلَّهُ بِأمْرِ مَلِيكٍ خَالِقِ الأرْضِ وَالسَّمَاء

من كان له عدو لا يقدر علي دفعه فليعمد من الدقيق الف بندقة و يقول لكل واحدة منها مرة
القوي و يرميها للطيور يكفي شر عدوه

آية شريفه و لو ان قرآناً سيرت به الجبال الي قوله جميعاً بحروف مقطعه نوشته بر پهلوی
زن بندد حامله شود شيخ بهائي رحمة الله عليه فرموده به قصد زن داوم حامله شد
عدد سوره الم تركيف با عدد اسم عدو در ورق مثلث ثبت كند در حبوش و يا در نقاهی
كه می نشيند دفن كند آواره گردد

آية الكرسی را بعدد اسم طالب و مطلوب بخواند در كبيب ... شراب ...

بجهت گشودن بخت دختران سوره احزاب را نوشته با زعفران ... در حقه نقره سرا ورا
فحكم به بندد و در خانه دختر بنهد و ... سوره كهيعص را نوشته
... سر دختر ريزند مطلب حاصل شود ... انا فتحنا ... تا قوله عزيزا حكيما
با زعفران ... دختر بنويسد مقصود حاصل شود ...

بجهت سوزاك
سوره قلم ۲ ال نيم ... نشاسته جو ۲ ال نيم ... زيره سبز ۲ ال نيم
بكوبند و مخلوط نمايند روزی يك قسمت او را از
يك سير شير گاو حل كرده بخورد و تا شام
هفت سير شير را هشت سير آب در او بكنند ولی آب ... هفته اين امر
معمول دارد برطرف ميشود

برای عزت در مجلس ۱۰۸۰ مرتبه بخواند موثر است والهكم اله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحيم

ردّ غائب

ردّ غائب

حروف ۳ در ۳ را در خرقه كه بوی غائب داشته باشد ببايد نوشت با بروق و عوسج
و فتيله بايد كرد كه با روغن زيت بسوزد و بخور صندل و لبان در شب يكشنبه
بسوزند و عزيمت را بخواند احضار شود عزيمت اين است انه من سليمان و انه بسم
الله الرحمن الرحيم ان لا تعلوا علی و اتونی مسلمين و لما جاء موسی لميقاتنا و كلمه ربه قال رب
ارنی الی قوله صعقاً انی امر الله فلا تستعجلوه يوم نبطش البطشة الكبری انا منتقمون
توكل يا ميمون ابا نوح فی احضار ... بحول الله و قوته

حروف ۳ در ۳ اين است

د	ط	ب
ج	ه	ز
ح	ا	و

منزدات ... برای احضار ... با قلم
بام ... بنويسد و در مجمره بسوزاند
... انشاء الله

١٦	١١	١٢
٩	١٣	١٧
١٤	١٥	١٠

ت غ ل ب ا ذ ا ا ل ك

	ط	
ج	ه	ز
	ا	

اين شكل را عقب
سر شخص حاضر
كه اند از
مجرب ...

احضار ...

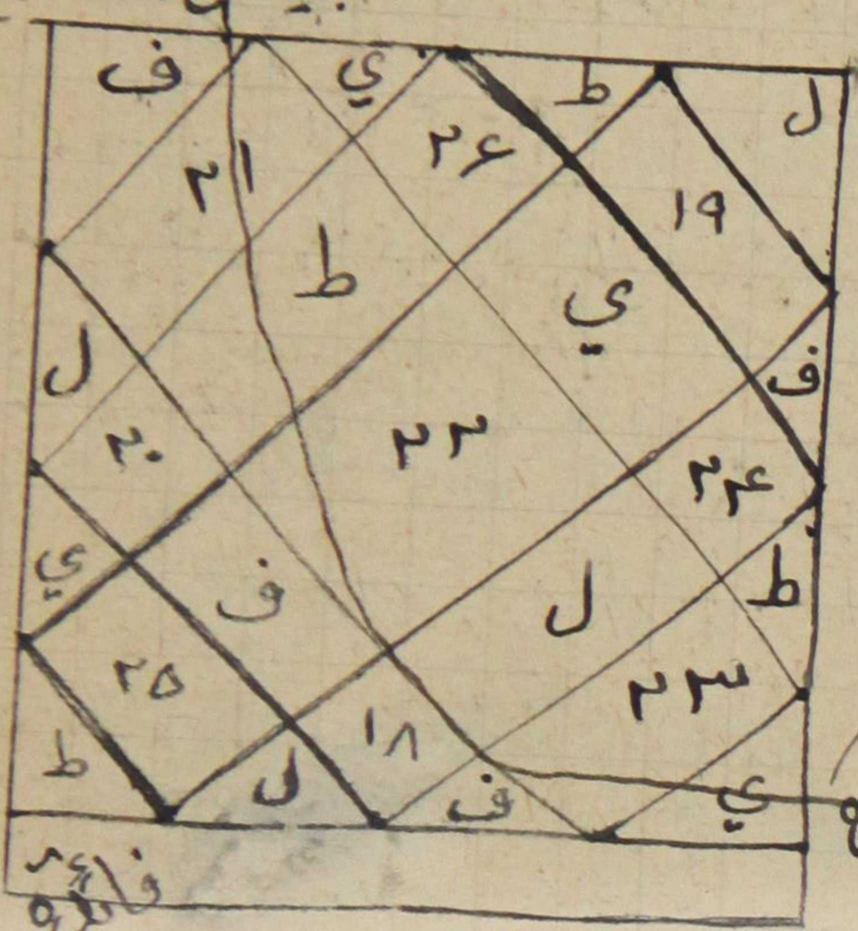
[illegible]

۱۷

الفم لجهة سروق در آدغاب و اظهار مخفیات در مجلس ۲۰۱ مرتبه بخوانه در آفتاب
بیداری بوی نباشد الم تعلم ان الله یعلم ما فی السموات والارض ان ذلک علی الله یسیر
عزیمة الخاتم للسارق یا در قدح آب صاف و انگشتر را بگیر چوبی آویخته چو برا روی قدح
نهاده که انگشتر میان آب باشد و این دعا بنام هر یک از مظنونین ۳۰ مرتبه بخوان
در اسم سارق انگشتر حرکت کند اللهم رب السموات والارض ورب الماء
والقدح یا مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر
هر که اینرا بروز یکشنبه در ساعت اول روز بنویسد و در خانه خالی اسم مطلوب را بنویسد
و در زیر زانو یا سایه آفتاب بگذارد حاضر شود

٨	٥	٢	١٨٥
٣	١٨٤	٩	٤
١٨٣	اسم مطلوب	٧	١٠
٤	١١	١٨٢	١

[illegible]	٢٥	الرحیم
[illegible]	[illegible]	الرحمن
[illegible]	[illegible]	بسم



١٠	٥	١٩٤	٣٨	ن
١٩٥	٣٤١	٣٤٩	١٣	١
	٩		١٩٨	٥
٣	١٩٧	٣٤٣	٣٤٨	٢
[illegible]	[illegible]	١١	٢	٢

فائده

٢٢	٣	٩	١٠	١٦
٥	١١	١٧	٢٣	٤
١٨	٢٤		٦	١٢
١	٧	١٣	١٩	٢٠
١٤	١٥	٢١	٢	٨

ابن مخمس خالی القلب است و هر مخمسی
را باین طور میتوانیم خالی القلب تمام
کنیم بشرط اینکه مطابق همین سیر
حرکت کند و بشرط اینکه یک میزان عدد زیاد شود عددی
که باو شروع شده اگر یک است یکی یکی زیاد کند و اگر عدد شروع
به ۲ است دو دو زیاد کند و اگر ۳ سه سه زیاد کند و همچنین تا هر مرتبه
که برسد مخمس شهری

قاعده زکوة مربعات عبارت است
از عددی که از عدد مقصود نقصان می شود زکوة مثلث ۱۲ میباشد
بجهة اینکه ۳×۳ میشود ۹ از حاصل ضرب یک عدد ناقص کردیم
گردید ۸ نصف ۳ را که یک و نیم است ضرب کردیم در ۸
گردید ۱۲ و این زکوة مثلث است باید از عدد مقصود ناقص
کنیم مثلا مربع را زکوة ۳۰ میباشد بجهة اینکه ۴×۴ میشود ۱۶ یک عدد
نقص کردیم گردید ۱۵ ضرب در نصف ۴ کردیم گردید ۳۰ مثلا
مخمس زکوتش ۶۰ میباشد بجهة اینکه ۵×۵ میشود ۲۵ یک عدد نقص

و نمودیم گردید ۲۴ ضرب در نصف ۸ می شود و هم است نمودیم
گردید ۶ع و هکذا اسدس و سبع و ثمن تا هر مرتبه که ترقی کنند
قاعده اش همین است محمود شهرسی

فائده در قاعده تسخیر و آن چنان است که فرضا تسخیر شخصی خواهند که
نامش احمد یا محمد یا محمود باشد چند از کلام الهی بیرون باید آورد که حروف
اسم شخص از آن آیات بیرون آید به توشیح و از آخر بطرد العکس ظاهر
شود و آن آیات را بعد باسم آن شخص بخوانند و روحانیات را قسم دهند
به آیات که مفید است و مثال عملش این است

١ انما الله اله واحد د
ح حم تنزیل من الرحمن الرحیم م
م مثل نوره کمشکوة فیها مصباح ح
د دینا قیما ملة ابرهیم حنیفا ا

م مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد د
ح حسبی الله لا اله الا هو و
م ما کان محمد ابا احد من رجالکم م
و ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح ح
د دینا قیما ملة ابرهیم م

م مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد د
ح حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم م
م مثل نوره کمشکوة فیها مصباح ح
د دینا قیما ملة ابرهیم م

اللهم

اللهم انی اسئلک بالف انما الله اله واحد وحاء حم تنزیل
من الرحمن الرحیم ومیم مثل نوره کمشکوة فیها مصباح و
بدال دینا قیما ملة ابرهیم حنیفا ان تصلی علی محمد وآل محمد
وتسخر لی احمد بن فلان بحق ذاتک وصفاتک انک علی کل شیء
قدیر وبالاجابة جدیر و اگر در همین عمل عزیمت روحانیات کند
چنین است عزمت علیکم یا خدام حروف الالف والحاء و
المیم والدال بحق هذه الآیات المبارکات انما الله اله واحد
وحم تنزیل من الرحمن الرحیم ومثل نوره کمشکوة فیها مصباح و
دینا قیما ملة ابرهیم حنیفا ان تهیجوا روحانیة الساکنة
فی قلب احمد بن فلان علی محبتی ومودتی وتجلبوا الی
بحق الالف والحاء والمیم والدال العجل العجل بارک الله فیکم
وعلیکم و دعوات را بهمین اسلوب باید عمل کرد محمود شهرسی

نقل من کشکول الشیخ البهائی رحمه الله اذا اردت ان تسخر شخصا
فانظر الی هذه الاسماء واثبت باسم مکتوب علی تحته حرف من حروف
اسم ذلک الشخص واجمعها علی ترتیب حروف اسمه ثم ادن تسخر

تقلب محمد فاجمع یا بارئ یا مهیمن یا مالک واقرأها مائة مرة بان
تقول اللهم انی اسئلك یا باریٔ یا مهیمن یا مالك سخر
قلب محمد بن فلان الی بالمحبة اذا تم حصل المقصود

ا ب ج د ه و
یا اله یا رحمن یا رحیم یا مالک یا قدوس یا سلام

ز ح ط ی ک ل م
یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ

ن س ع ف ص ق ر
یا مصور یا غفار یا قهار یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم

ش ت ث خ ذ ض ظ
یا قابض یا باسط یا حافظ یا رافع یا معز یا مذل یا سمیع

غ
یا بصیر

جهة دفع تگرگ و ملخ و آفت سماوی و ارضی از جهة هر مزرعه که بخواهد
بنویسید به کاغذ و در ۴ کوزهٔ آب نرسیده نهد و سرهای آنها را محکم کند
و یا آنکه به کاغذ نوشته کاغذها را در موم گرفته از چهار گوشهٔ مزرعه بیاویزد و یا کوزه
ها در چهار گوشهٔ مزرعه پنهان کند که زراعت او از ضرر و آفت محفوظ ماند ان شاء الله
و صورت

و صورت این است

بسم الله الرحمن الرحیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی و الحسن و الحسین و علی و محمد
و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد علیهم السلام بحق کهیعص
و بحق حمعسق و بحق آیة الکرسی و آمن الرسول که ببندم ملخ و تگرگ و
دزد و آفت سماوی و ارضی از مزرعهٔ فلان فسیکفیکهم الله
و هو السمیع العلیم انما امره اذا اراد شیئا الی آخر سورة یس الم تر ان الله
یزجی سحابا الی قوله یذهب بالابصار سبحان ربک رب العزة عما یصفون
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک
نجزی المحسنین و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما اللهم ادفع
عن [illegible] البرد و ضرر الجراد و جمیع الآفات من هذا الموضع بحق اسمك
الاعظم و بحرمة محمد و آله الطیبین علیهم السلام و بحق جمیع انبیائك
المرسلین و بعزة ملائکتك المقربین یا اله العالمین

بکار دیا ... بسمله کری یکی ینکالی ان مع الکرسالی توی
سری چری پری چاره چاره یاره یاره ابلوش
مبلوش حتی دودنه دگل اکل پیه پیندی کوه
کوندی ماره نوچاره نوچاره نوکف

اکل اکل

مفتی سوزنی ۷ مرتبه بخواند و بدمد

بسمله دره بند زنجیر بند کوه بند مثقال بند بدوح

سید سلطان احمد کبیر بند عطر شو بسطر بند

بهفت قلاوبه زنجیر بند سوزن بند بحکم خدا بند

بحکم رسول خدا بند بدوح ابی محی خلیل فقیر بند

باذن پیر استاد بند تو را حکم دره د نیست

١٠٠٠ ٣٠

جهة تسخیر سلاطین و غیرهم بیست یوم هر روزی هزار مرتبه الله الصمد بخواند

اگر نقش الله الصمد را بر پاره قرطاس ابیض نوشته در آستانه خانه

کسی دفن کند خواب او بسته شود تا بر ندارند گشاده نشود والله اعلم

۷	۴۶	۳۸	ص
۱۷	۴۱	۴۲	۵
۶۹	۴	۱۹	۳۹
۵	۱۸	۴	الله

بسمله یا مخلص یا خلاص یا خواجه خضر

یا مهتر الیاس این بسته را بکن خلاص

ببرکت پیر اخلاص لا اله الا الله

١٥٠٠٠

الملک الحق المبین پانزده هزار مرتبه با

خوانده شود ۳ مرتبه بخوانند آب و نمکی که

بسته باشد بخوانند و به ۱۱ عدد کلوخ پاک

۱۱ مرتبه یعنی هر یکی یک مرتبه بخوانند و بموضع بسته بمالند

باز میشود انشاء الله تعالی

۴۱	۹۱	۱	۴۷
۶۹	۷	ص	۴۲
۹۲	۵	الله	۲
۳	۶۵	۳۴	۱۹

[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۲	۷	۸	[illegible]
[illegible]	۱۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۴	۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷۱	۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۸	[illegible]

۱۸۵۸۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۵۱	۱۳۷	۱۱۱	۲	محمد
۱	۱۳۱	۱۳۶	۲۴۵	علی
۱۳۰	۳۲۸		۱۳۰	فاطمه
۱۲۹	۱۳۴	۱۲۹	۱۳۱	حسن
۱۱۳	۳	۳۴۷	۱۳۲	حسین

ازا تمام دقیق صحیح خواهد بود محمد المشهدی

مربع حلول که از کتاب خطی ...

ح	ل	و	ا
۱۴	۳	۲۶	
۱۳	۷	۹	۱۷
۱۱	۵	۴	۳۵

۷	۱۳	۱۹	۲۵	۱
۲۰	۲۱	۲	۸	۱۴
۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۱۱	۱۷	۲۳	۴	۱۰
۲۴	۵	۶	۱۲	۱۸

وفق ۶۵

انّ	الله	بصير	بالعباد
۲۰۲	۱۰۸	۵۲	۳۵
۱۰۷	۳۰		۵۳
۲۴۷	۵٤	۱۰۶	۳۰۱

۳۶۱

زهربند بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل و بلغ منی و منه روح محمد الفا الفا اسکت سکرت

ملائکة بستم بحق لا اله الا الله محمداً رسول الله علیاً ولی الله

منتر کردم بحق سمی شجرة احذر و لا حول و لا قوة الا

بالله العلی العظیم زهر برگرد زهر باد برگرد زهر بشد

شصت شش گروه جانور درنده و گزنده هفتاد

دو گروه مار یازده گروه عقرب سه ملت دملک

دو ملت شتر زنک کنه کال بنی کلکله مار سر هر ولایت

غریب گزهر مکلترا بستم بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور

داود و فرقان محمدی بستم بحق کهیعص حم عسق عنت الوجوه

للحی القیوم و قد خاب من دسّیها بستم کخ کخ کخ

زهرکش

کری یکی پنکالی ان محل کرسالی تری

چری مری چری چاره پاره پاره

پاره کدت کرت البلوس مبلوس حتی

دودنه دکل اکل پیه پیه کوعه کوعه

چکیا سار نو مار نو چکا هوتن کف

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

صلوة للیل [illegible] اول بعد از حمد ۱۲ مرتبه [illegible]

۲ رکعت [illegible] در رکعت [illegible]

[illegible]

شروع کند و کسر در هشت راه ندارد

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

دو ۱۵ طبیعی

برای رز بستن ۳۰ چوب کوچک بید پوسته گرفته

بر چوب اول بنویسید نمرود نمرود لعنت ابابکر بن ابی قحافه لعنت

بر چوب دوم بنویسید شداد شداد لعنت عمر بن الخطاب لعنت

بر چوب سیوم بنویسید فرعون فرعون لعنت عثمان بن عفان لعنت

هر روزی یا بند

چوب اول در روز اول زیر یک دفعه بسوزانند بخورش با نخود دهد خانه

خوب نشد روز دوم چوب دوم مثل آن یک اول عمل کند خانه خوب شد

روز سیوم سیومی را بهمان ترتیب عمل نماید قطعاً رز بسته میشود

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

[illegible]

اوچی بوجی سلدن جوجی آتفی کاتفی

هوش هوش هی هی کش کش کوف تف

کوش کوش تف

آقای ... [illegible] ... بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بجهة هلاک کردن مار همین چو بند را ... [illegible]

و از ... [illegible]

ادم ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از آن نخ را هفت ... [illegible]

را بخوانند به هر مرتبه که عقد را ببندند ... [illegible]

و بعد در کره بریزند ... [illegible]

و بعد عقد را به بندد ... [illegible]

[illegible]

بعزت
بسم الله الرحمن الرحیم

یکا یکا نام خدای هر دو جهان سی سروری
سی سلطان سی سرور مار آدم بدبر دندان کلی شنگی
بنام سردان البستری شیخ بدی شنگ کی دی
الشیخ شیخ بابای دوی بن جنیر کیا لاوله برای حق
نفته خامه داده طوطی من ورسمن دری یاقوت دریاقوت
چوکان چوکان الله استطاعت الهی آتی مار آدم
بلدی دربس راه بکنی لشنبه یا بکنی
بکشم دندان حوی درا
بکشم

بکشم دندان بادی ترا بحق هزار یک نام
خداوند زهر بکشا زهر باد خود را بکشا
تا من نگشایم دیگر کسی نگشاید قفلش
قفل الله کلیدش بسم الله الرحمن الرحیم یا
حفیظ یا حفیظ کوف چخ

ازدم حی محمد
سبحانک فتح
دیرایوم یکشنبه
۳ محرم الحرام
۱۳۴۱

بسم الله الرحمن الرحیم ایضاً زهرک
چل پا تا چل زهر پا تا کهر کری
زهر پا تا پا کری کهر پای
کهر مهره کره کره کوف چخ

ایضاً زهرک
بسم الله الرحمن الرحیم
هل هل کل جهان بحق حسن و حسین و رضا بحق شهیدان

۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم

انک تای تای تلا لاس

تکلی یاس انا ماهی یو هم تی تای

بسم الله الرحمن الرحیم

عن الصادق ع هر که در شب پنجشنبه یا روز پنجشنبه دو رکعت نماز کند [illegible] در هر رکعت بعد از حمد هفت آیة الکرسی و هفت انا اعطیناک الکوثر بخواند پس از اتمام [illegible] پس بسجده رفته هفتاد مرتبه بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله [illegible]

[illegible]

رثنت گکی بل زولیا نولیا

جیلیا جیلیا انکبر لا منکبر کوفیتو

[illegible] بسم قند بد قند [illegible] قسمت کند

[illegible] حل کند و کوب بعد از

[illegible] استفراغ کند [illegible] روز بعد از این سه روز

[illegible] قند

[illegible] سه مثقال صبر زرد

[illegible]

لهلاك العدو واضراره

یا قاهر العدو یا والی الولی

یا مظهر العجائب عونا لنا علی

هر روز بعد از نماز صبح صد و ده مرتبه خواند

و چون بلفظ عدو سنگی بر صورت دشمن

را در دل بگذراند

حروف نورانی صراط علی حق نمسکه فائده

احد لحظ زند میرسد لخظ عشرات ماه بگذرد از خط الوف کج سیرات

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم



کم من نعمة علی عبد

سکن اسکن ایها الوجع کما سکن عرش الرحمن

السموات والارض وهو السمیع العلیم

فائده

۲۸

نزبد جهيب ... لوب ... زاربتة ۱۰۰۰

حمري ح نبي كفى كث حيمي يا

واجب الوجود محق بسم الله الرحمن الرحيم وخاتم

النبيين كوف يا سند محق بسم الله الرحمن الرحيم ... ۱۰۰۰ ...

نجا نجاة منك يا سند الكريم ع عجنا وخلصنا ... وخاتم النبيين

كوف

... حضرت صديقة ... لله ... ه

يا فاطمة بنت محمد ۳۰ مرتبه يا سند تحي

يا مولاتي ۳۰ مرتبه ادركيني فانجي

اشهد ان العبد الله المقام

المحمود والشان المعلوم

والى ٥

وَالجاهِ وَالكَرامَة اَسْتَغيثُ بِكِ اِلَى اللّٰهِ

عَزَّ وَجَلَّ يا اَللّٰهُ اَلبَكَ يا اَللّٰهُ اَلبَكَ بِفاطِمَة

يا غَوثاه بِفاطِمَة بِنتِ مُحَمَّدٍ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ

پس هزار مرتبه يا اللّٰه و ده مرتبه يا رَبِّ صَلِّ عَلى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حاجَتِي

قاعدة در مربع طرح كن سى ۳۰ العزيز بعد از ان از

جمله چهارم گير نيز كسر اگر باشد يكى ۱ در سيزده ۱۳ فزون

كن ور دو ۲ باشد در نهم ۹ از سه ۳ به پنجم ۵ كن تميز هكذا

صحيح عدد طبيعى

١	١٤	١١	٨
١٢	٧	٢	١٣
٦	٩	١٦	٣
١٥	٤	٥	١٠

صحيح حرف طبيعى

ا	يد	يا	ح
يب	ز	ب	يج
و	ط		ج
يه	د	ه	ى

يو

٣٤ وو

بسم الله الرحمن الرحیم رایح لحظ الاستاد المعظم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در توسعه رزق
۴۰ یوم هر روز صبح بگوید یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب
یا رب یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام اسئلک باسمک العظیم
الأعظم ان ترزقنی رزقاً حلالاً طیباً برحمتک یا ارحم الراحمین
و پس از آن شصت و شش مرتبه سوره توحید را بخواند انشاءالله حاجت مقضی

[illegible]

صلوة الغرة غسل اول ماه و بعد دو رکعت در رکعت اولی
بعد از حمد ۳۰ مرتبه قل هو الله در دوم بعد از حمد ۳۰ مرتبه
سوره قدر و بعد صدقه بدهد

صلوة و دعاء للمهمات اجازة الاستاد دام [illegible]
روی احمد

روی احمد الدری عن الناحیة المقدسة عن الحجة علیه السلام
من کانت له حاجة الی الله فلیغتسل لیلة الجمعة بعد نصف من
اللیل ویأتی مصلاه ویصلی رکعتین یقرء فی الرکعة الاولی الحمد
فاذا بلغ ایاک نعبد وایاک نستعین یکررها مائة مرة ویتم فی
المائة الی آخر الحمد ویقرء التوحید مرة واحدة ثم یرکع ویسجد
ویسبح فیهما سبعة سبعة ویصلی الرکعة الثانیة علی هیئة
الاولی ویدعو بهذا الدعاء فان الله یقضی حاجته البتة کائناً ما کان
الا ان یکون فی قطیعة رحم والدعاء هذا اللهم ان ~~عصیتک~~
اَطَعتُکَ فالمَحمَدَةُ لکَ وان عَصَیتُکَ فالحُجَّةُ
لکَ مِنکَ الرَّوحُ ومِنکَ الفَرَجُ سُبحانَ مَن
اَنعَمَ وشَکَرَ سُبحانَ مَن قَدَرَ وغَفَرَ اللّهُمَّ
اِن کُنتُ قد عَصَیتُکَ فقد اَطَعتُکَ فی اَحَبِّ
الاشیاء

الأشياء البلا وهو الإيمان بك لم اتخذ لك ولداً
ولم أدع لك شريكاً مناً منك به علي لا مناً مني به
عليك فاني قد عصيتك يا الهي على غير وجه
المكابرة ولا الخروج عن عبوديتك ولا الجحود
لربوبيتك ولكن اطعت هواي وازلني السلطان
فلك الحجة علي والبيان فان تعذبني فبذنوبي
غير ظالم وان تغفر لي وترحمني فانك جواد كريم
يا كريم حتى ينقطع النفس ثم يقول يا آمناً من كل شيء
وكل شيء منك خائف حذر اسألك بأمنك
من كل شيء وخوف كل شيء منك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تعطيني اماناً لنفسي واهلي و
ولدي وسائر ما انعمت به علي حتى لا اخاف و
لا احذر احداً من شيء ابداً انك على كل شيء
قدير

قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل يا كافي
ابرهيم نمرود ويا كافي موسى فرعون
اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تكفيني شر فلان بن فلان فيستكفي شر من يخاف
شره فانه يكفى ان شاء الله ثم يسجد ويسأل حاجته ويتضرع الى
الله فانه ما من مؤمن ولا مؤمنة صلى هذه الصلاة ودعا بهذا
الدعاء خالصاً الا فتحت له ابواب الاجابة ويعطى في وقته وليلته
كائناً ما كان وذلك من فضل الله علينا وعلى الناس

والثاني لمن في جنبه ساحة اهل بيت [illegible]
من خلفت في حجة حصينة ودار [illegible]
معتصماً [illegible] وما خلفت من خلق [illegible]
[illegible] بذمام المنيع الذي [illegible] خلقك الصافية
[illegible] اصحبت [illegible] الحصينة [illegible]

الأشياء اليك وهو الايمان بك لم اتخذ لك ولداً
ولم ادع لك شريكاً مَنّاً منك به عليّ لا مَنّاً مني به
عليك فاني قد عصيتك يا الهي على غير وجه
المكابرة ولا الخروج عن عبوديتك ولا الجحود
لربوبيتك ولكن اطعت هواي وازلني الشيطان
فلك الحجة عليّ والبيان فان تعذبني فبذنوبي
غير ظالم وان تغفر لي وترحمني فانك جواد كريم
يا كريم حتى ينقطع النفس ثم يقول يا آمناً من كل شيء
وكل شيء منك خائف حذر اسالك بأمنك
من كل شيء وخوف كل شيء منك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تعطيني اماناً لنفسي واهلي و
ولدي وسائر ما انعمت به علي حتى لا اخاف و
لا احذر احذر من شيء ابداً انك على كل شيء
قدير

قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل يا كافي
ابرهيم نمرود ويا كافي موسى فرعون
اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تكفيني شر فلان بن فلان ويستكفي شر من لي ف
شره فانه يكفى انشاء الله تعالى ثم يسجد ويسأل حاجته ويتضرع الى
الله فانه ما من مؤمن ولا مؤمنة صلى هذه الصلوة ودعا بهذا
الدعاء خالصاً الا فتحت له ابواب الاجابة ويعطى في وقته وليلته
كائناً من كان ذلك فضل الله علينا وعلى الناس ————

ولنا حق فيهم [illegible] اهل بيت
من خلقت [illegible] حضيرة [illegible]
وما [illegible] من خلقت من طين [illegible]
معصفا بعد ما [illegible] من خلقك [illegible] بالناس
[illegible] الذي [illegible]
[illegible]

حصن الی بانه ۳ مرهم

محجباً من کل قاصد لی الی بحد ار حصین

الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم

موقناً ان الحق لهم ومعهم وفیهم و بهم اوالی

من والوا واجانب من جانبوا فاعذنی الکرهم

فصل علی محمد وآله واعذنی بهم من شر

کل ما اتقیه یا عظیم حجزت ~~الاطماع~~

الاعادی عنی ببدیع السموات والارض

انا جعلنا من بین ایدیهم سداً ومن خلفهم

سداً فاغشیناهم فهم لا یبصرون و فی المساء

یقول امسیت بدل اصبحت تسبیح تربت را بکف

گرفته پس از اتمام سه مرتبه تسبیح را بوسیده بر روی چشم

نهد تا نیابت گرفته این دعا را بخواند اللهم انی

اسئلک بحق هذه التربة و بحق صاحبها و

بحق

بحق جدها و بحق ابیه و بحق امه و بحق اخیه

و بحق ولده الطاهرین اجعلها شفاءً من

کل داءٍ ~~همها~~ و اماناً من کل خوف وحفظاً

من کل سوءٍ پس تسبیح را به پیشانی و در جانب

پیش رو گذارد

صلوة الصدیقة علیها السلام لیله دوشنبه ی

لیله جمعه قریب الطلوع فجر ۲ رکعت نماز میکند در رکعت

اولی پس از حمد ۱۰۰ مرتبه قدر و در رکعت ثانیه

پس از حمد ۱۰۰ مرتبه توحید و پس از اتمام تسبیح مشهور

ان مخدره را عبارت از ۳۴ تکبیر ۳۳ الحمد لله

۳۳ سبحان الله مکرر و بعد تسبیح غیر مشهور را میخوانند

و آن این است سبحان ذی العز الشامخ المنیف

المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان
ذي الملك الفاخر القديم سبحان من تردّى
سبحان ذي البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور
من لبس البهجة والوقار سبحان من يرى اثر النمل في الصفا
بالنور والوقار سبحان من يرى وقع الطير في الهوى سبحان من هو هكذا ولا
سبحان من يرى وقع الطير ... سبحان من هو هكذا ولا
هكذا غيره ... [illegible]
... الاستغفار ... [illegible]
... ثم ... اللهم اغفر لي ذنوبي ... [illegible]
... الذنوب الا انت ... [illegible]

النبي ص

النبي ص من قال ... في السماء ... استغفر العظيم فقد
قبلت توبتك وغفرت ذنوبك الى آخر الحديث ٥

لعن هفت ضرب (١٢٠٠) مرتبه الآن ٣ ... این لعن
را بر ... صحیح و یا ... بخواند هر مرتبه ... بخواند و ...
شتم ... از اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان
و عمر عمر عمر عمر و در هر صد مرتبه یکدانه از این
طلسم ... زائد مجموعاً ١٢ طلسم ... و طلسم این است

	٢٩٩	٣٠٢	٣٠٥	٢٩١
	٣٠٤	٢٩٢	٢٩٨	٣٠٣
٣٠٧	٢٩٣		٣٠٠	٢٩٧
	٣٠١	٢٩٦	٢٩٤	٣٠٦

رایت في بعض النسخ هذا
البيت ولنعم ما قيل
بگیر کله عثمان سر ... و
بزن بکون ابابکر تا عمر گردد

فائده عمر با منکر عدداً موافقند ولذا ... هو في منکر فعلوه

[illegible]

برای وسعت رزق رایت الخط الاشه دال اعظم (٦٦) یوم
روزی (٦٦) مرتبه الله لطیف بعباده یرزق من یشاء
وهو القوی العزیز و (١٣٩) مرتبه یا لطیف
و (١٤) صلوات قبل الدعی و ١٤ بعد از دعی بخوانند

صلوة لقضاء الحوائج و قد وردت بکیفیات منها ما قیل انه مجرب
مرارا و هو ما رواه زید الشحام عن عبد الرحیم القصیر عن ابی عبد الله
اذا نزل بک امر فافزع الی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم وصل رکعتین
تهدیهما الی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قلت ما اصنع قال تغتسل وتصلی رکعتین
تستفتح بهما افتتاح الفریضة وتشهد تشهد الفریضة فاذا فرغت
من التشهد وسلمت قلت اللهم انت السلام ومنک السلام
والیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغ
روح محمد منی السلام وبلغ ارواح الائمة الصالحین
سلامی واردد علی منهم السلام والسلام علیهم
ورحمة الله وبرکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة

متی الی الرسول
الله الله فانقنی ... ثم لا اله الا
علیهما انا املت ... المؤمنین ... یا مولای ...
فلا یا ولی یا علی ... یا اجاب الاصوات ...
وتقول یا علی یا ولی ... والاکرام یا ارحم الراحمین اربعین مرة ثم ضع خدک الایسر علی الارض ...
انت باذ الجلال والاکرام ... وتقول اربعین مرة ... ادرکنی ...
ضع خدک الایمن ... وتقول اربعین مرة ... والی الاهل ... یا الله یا الله ... تقطع
مرة ثم ترفع راسک وتقول اربعین مرة ...
ثم تبسط یا رسول الله اشکو الی الله ... ثم تقول یا الله یا الله ...
یا علی یا رسول الله ... الا الله فی حاجتی ... کذا وکذا ...
حاجتی وبکم اتوجه الی الله ... وآل محمد وافعل ...
نفسک صل علی محمد وآل محمد ... [illegible] ... صبح ...
علی انه ان الاسبوع حتی تقضی ... شروع کند ... ۱۰۰۱ ...
ختم صلوات ... از اول ... شب ...
[illegible]

ایرغ ۳ ب ۳۰ حضرت زهرا (ع) بهمین ترتیب تا شب چهاردهم
۴ بیه جمعه ۴ و شب ۵ نهم قربة الی الله و باز بهمین ترتیب
از ۱۶ تا آخر ... و باز بهمین ترتیب از اول ۵
تا شب نیمه ۱ مجموع ... این ختم شریف ۴۵ شب میشود
مجرب است

ختم امیر ... به الاسماء الاعظم یک اربعین از اول ماه شروع کند
صبح ۱۴ صلوات پس از آن سوره یس ... بند ...
و در سلام دوم کلمه یس را ۷ مرتبه تکرار کند و سلام سوم قولاً من
رب رحیم را (۱۸) مرتبه تکرار کند و پس از تلاوت
او لیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم
۳ مرتبه بگوید بلی قادر علی قضاء حاجتی و در آیه
انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن پس از گفتن لفظ کن بسجده
افتاده بگوید اللهم انی اسئلک بحق اسمائک المکنون بین
الکاف والنون ان تقضی حاجتی و حاجت خود را بیان کرد ...

ختم [illegible] ... نظر ... ورد
الله [illegible] حمد و سه مرتبه ... وزنه
تحمید و ١٤ صلوات نوشته و ازنه
و بنویسد اللهم انی احمدک علی کل نعمة و
استغفرک من کل ذنب و اسئلک من کل خیر و
اعوذ بک من کل شر ... تقضی
ختم ... وقت ... روز ... مرتبه ...
... اول ... بعد از ... ورد ... اللهم یا ماجد یا واحد یا جواد یا حلیم یا حنان
... تحفة من تحفاتک تلم بها شعثی و تقضی بها دینی
فتانه یا کریم اسئلک بحقک یا سیدی اللهم ان کان رزقی فی السماء
و تصلح بها شانی فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه و ان کان بعیدا فقربه و ان کان
فانزله و ان کان قلیلا فکثره و ان کان کثیرا فبارک
قریبا فیسره و ارسله علی ایدی خیار خلقک و
لی فیه و لا تحوجنی الی شرار خلقک و ان
لم یکن فکونه بکینونتک
و وحدانیتک
اللهم

اللهم انقله الي حيث اكون ولا تنقلني اليه حيث
يكون انك على كل شيء قدير يا حي يا قيوم يا واحد
يا مجيد يا كريم يا رحيم يا غني صل على محمد وآل محمد
وتمم علينا نعمتك وهنئنا كرامتك والبسنا عافيتك
انشاء الله حاجت مقضي است در رزق وسيع خواهد گرديد

صلوة الصديقة ع غير ما سطر امر به بدرش المعظم لقضاء الحوائج في ايام
المتبركة ولياليها ومهماتها كما في خزائن [illegible] عن كتاب بلد الامين
تصلي ركعتين فاذا سلمت فكبر الله ثلثا وسبح تسبيح الزهراء ع واسجد
وقل (١٠٠) مرة يا مولاتي يا فاطمة اغيثيني ثم ضع خدك
الايمن وقل كذلك ثم عد الى السجود وقل كذلك ثم ضع خدك
الايسر وقل كذلك ثم عد الى السجود وقل كذلك (١١٠)
مرات واذكر حاجتك تقضي اقول مجموعش (٥١٠) مرتبه ميشود

مما امر به الاستاد الاعظم لمن اراد مهمه قبل طلوع الفجر وقبل غروب الشمس ، هذا عين
روايته في الكافي عن ابيعبد الله ع قال قل استعيذ بالله من

زهرش

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ... ان يحضرون و
ان الله هو السميع العليم ... لا اله الا
الا الله وحده لا شريك له له يحيي ويميت
ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير ... غفرانك ... ١٠

کتکات کتکوت
کتکار کتکر لاهوش
سید احمد کبیر کوفج کوف
بح کوفج یکهفته حیوانی نخورد
و لباس پاک پوشد روزی صد مرتبه بخواند

کتکات کتکوت کتبان کتبه بستم دم مار عقرب
جمیع گزندگان را یا سحار یا سحار یا سحار یا سحار شب ۴۰ مرتبه
بخواند و در هر مرتبه دست بهم زند هر جا صدای دست برود گزنده ها بسته شوند دیگر نزنند

نه هم بند

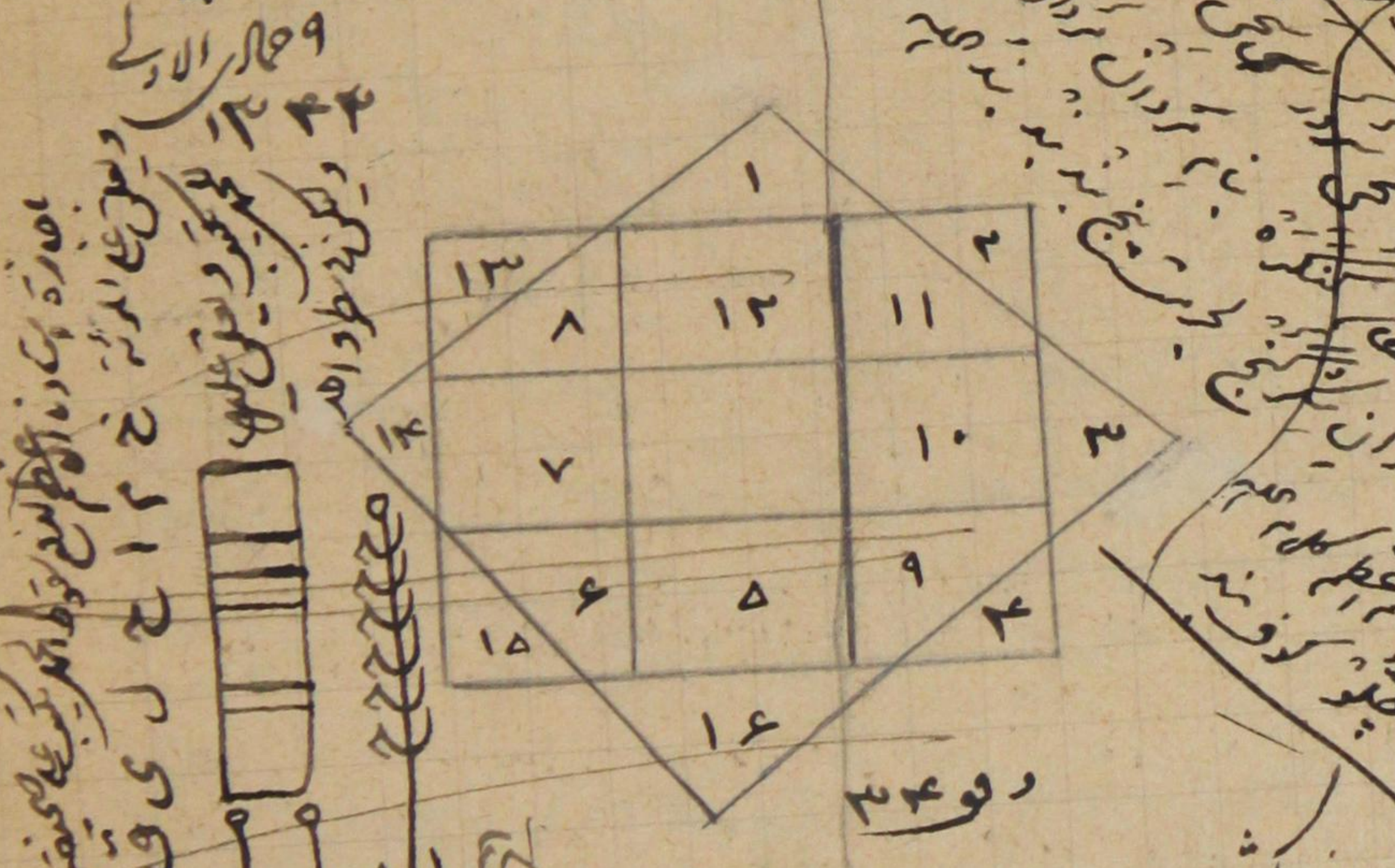
ابرا صبرا سوارا ظهیرا ... تشکا بستم بحکم خدا
و سلیمان پیغمبر کوفنند ۱۲ شب مقابل ستاره عقرب ایستاده
باو نظر کند و هر شب هزار مرتبه بخواند ۱۰۰۰ ... ۱۲ ع ۱ ۱۳۴۳ هجری

لقضاء الحوائج ۲۱۰۰
یکهفته روزی دو هزار و صد مرتبه یا علی و ۱۴ صلوات قبر و ۱۳۲ آخر

لوجع

لوجع البطن ۷ مرتبه سوره حمد پس از هر مرتبه بخواند فلولا انه کان من المسبحین
للبث فی بطنه الی یوم یبعثون ... آب بدمد و بخورد درد بر طرف میشود

۹ جمادی الاولی
۱۳۴۳



زهرش

جلده جلده سر بنده پانیک پانا روندل
سشفیل کراسیل من ماء عین کروک پا پرما پانی
کنکری لم کاکوته و لم کانا کوته اترب او دابن
بحکم سلیمان پیغمبر بدم سید احمد کبیر کوفخ ... این به مرتبه بخواند
پس از آن بخواند این دیگر را ... وصل ... و آن دیگر این است اول قسم بخدا
دوم قسم به پیر سوم قسم به پیر دستگیر سلام ابراهیم

خلیل میر شهلم سباسته محمد تاجدار صلی الله علیه و آله

ای مار نفس تو بسوزد با آتش نار دعای بزرگانی قفل

سلیمانی بحکم سلیمان پیغمبر بدم سید احمد کبیر کوف چ

ریاضتش ۴۱ شب هر شبی ۴۱ مرتبه ح ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۲

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الشهور والشهرة من شر کل عقرب و

رتیل و حیة یا خالق البریة بحق محمد و آله العریة شبا قرنیة سلام علی

نوح فی العالمین کوف بند ۳ مرتبه بخواند هر مرتبه یک نفس دو در هر مرتبه دست

بهم زند هر جا که صدا برود بسته شود ریاضتش ۴۰ شب هر شبی ۹۲ مرتبه

۹ جمادی الاولی ۴۳

زهرکش

وقت خسوف و کسوف از اول انخساف و انکساف تا آخرش این ختم را بخواند در

حالی که طشتی پر آب پهلوی دست گذاشته و دست را میان آب حرکت دهد

که آب حرکت کند و مدام نشسته یا قرنطه باشد ستر انیش بیس

کیش کیش کیش اینکه ریاضتش و آن برای چاق کردن این ختم را اول

سه مرتبه بدم چاقو بخواند و باید چاقو دسته سیاه باشد و بعد شروع کند بخواندن و آن چاقو را

بموضع گزیده بگیرد و مکرر بخواند پس از آن این خطوط را

با همان چاقو از طرف دست کشیده و شروع کند از آن

خطی که لفظ ستر براوست و خاتمه بدهد بخطی که براو کیس سیوم

نقش کرده شده

ستر	انیس
	بیس
	کیس
	کیس
	کیس

و هر خطی را که می کشد کلمه آن خط را بخواند چنین کشیدن مثلا در حین کشیدن خط اول بگوید ستر و در

دوم بگوید انیس و در سیوم بگوید بیس و در چهارم کیس بهمین ترتیب تا خط آخر و چاقو را بلا

فاصله در حین تلفظ به کیس آخر روی خط آخر بزمین فرو کند و کلمات لازم نیست که روی

زمین نقش شود ح ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۴۳

و چاقو را از زمین نکشد تا درد ساکت شود

زهرکش ۴۱ شب شبی ۱۱۰ مرتبه و قبل از شروع یک حمد و ۳ توحید و ۱۴ صلوات و بعد از ختم ...

فرود آ بنام خدا فرود آ بنام گهره سره که سره که پره که پوکه

کیاکه پوکه آفر چمندی روفتنکی کچکنزی کل من

پچ چچه پچ سه ساله نزیچ آفریک پری بد چچه

فرود آ و بدم زهر مار یا عقرب یا رتیل را از بدن ۲۳ م بچق

کهیعص و حمعسق فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم

و در موقع چاق کردن بگوید فلان بن فلان اسم او را و اگر رتیل را ببرد و اگر عقرب گزیده باشد

فقط اکتفا کند با اسم عقرب و اگر رتیل باشد اکتفا کند با اسم رتیل و همچنین اگر مار باشد

و در موقع که زهر حیوان بسته این کلمه را نباید بگوید ح ۲۵ جمادی الاولی ۴۳

در وقت تحویل آفتاب برج حمل دیا باسد بنویسد و با خود دارد

ما ۹ | ۱ | ۴ | ۱ | ۹ | ۹ | ۱ | ۱ | ۸ | ۲ ح ۱۱ | ۹ ۸ ۸ | ۹ ...

ح لمس فا ط ح ه ط ل ه

دعای بوزن ۷ مرتبه بخواند بسوزن بهرجای بدن برند خون خارج نشود درد نکند

أَمْلِشْ أَمْلِشْ عَصَى مُوسَى حَجَرًا هُوَ عِيسَى اُدْخُلُوا بِسَلَامٍ وَاخْرُجُوا بِسَلَامٍ وَلَا تُخْرِجُوا دَمًا وَلَا تَكْسِرُوا عَظْمًا وَكُونُوا بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

للصداع ۱۱ مرتبه بخواند اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون

لوضع الحمل ~~تعویذ~~ ابدعیدا بزلیمان نخ کتان قرمز تا بیده نبافته به بندند بران چیز آن وقت که وضع حمل شد فی الفور باز کنند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا ۷ مرتبه) یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری وما هم بسکاری ولکن عذاب الله شدید حنة ولدت مریم ومریم ولدت عیسی یا عیسی اهبط الی الارض الساعة باذن الله وقت نوشتن ابدعیدا یوم پنجشنبه است غره ماه باشد غره جمادی الاولی ۴۳

ایضا

ایضا للصداع بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذی اسمه برکة وشفاء بسم الله الذی بیده الشفاء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم دست بر سر نهد ۷ مرتبه بخواند ۲۷ رجب ۴۳

لسعة الزرقی

[illegible]

هر روز بعد از نماز صبح بخواند ۳ مرتبه قل هو الله ۳ صلوات ۳ مرتبه آیه ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب بعد از آن یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا حلالا طیبا برحمتک یا ارحم الراحمین ۲ محرم ۴۳

[illegible]

للحفظ عن البلیات والآفات

بسم الله الرحمن الرحیم لا الاء الا الاؤک یا الله محیط به علمک کعسلهون وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة للعالمین تنجیح قصور توجه حیث

شئت انک منصور ابا تراب ابا تراب ابا تراب ۱۱۱م

۱۱۱۱۱ه و این دعا را در جمعه آخر ماه صیام بکیط بنویسد حرز [illegible]

۴۳

عقرب فقط ۳

این کلمات را نوشته بآب بشوید بلدوغ ~~[illegible]~~ ۲ بخوراند بهبودی

حاصل شود ولیکن ۵ شرط دارد وضو بگیرد کاغذ سفید رو بقبله

پنج مرتبه در پنج سطر بنویسد هیق هیوق مطوق میم کلم

تمام چشمهای حروف کور باشد الا میم کلم که باید باز باشد

۴۹ ۱

۴۴

بجهة نزله ث چهارشنبه نی را زیر سر بگذارد و عملیات بعد را روز چهارشنبه

بیاورد

یا میکائیل
یا جبرائیل
یا عزرائیل
یا اسرافیل

روبقبله نشسته نی را بر روی دو زانو نهاده ۲ مقابل یکدیگر

نگه بدارد پس پشت پهلوی او بایستد سر یا بیرزد ۷ مرتبه

حمد بخواند بعد این دعا را یا قمریه هوکش اماتموش

اماتموش ~~اماتموش~~ یقاش یقاش ~~یقاش~~

شاطر

شاطر کیوش شاطر کیوش ~~شاطر کیوش~~ انه

من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا

تعلوا علی واتونی مسلمین اجب یا جبرائیل

۳ مرتبه بگوید انت وخدامک اللهم صل علی

محمد وآل محمد الاوصیاء مکرر بخواند تا وقتی سرش بهم آید

بعد بپرسد اسم او و مادرش را و بپرسد چند ساله به بندم و بچه

سنخ به بندم و باید سال طاق باشد بعد بگوید بستم نزله

۲۲۴ بدت فلان وجعلنا من بین ایدیهم

سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

و مشغول بچیدن نخ شود ۳ مرتبه بپرسد و بستن را بگوید

یک سرش یک وسطش یک ته نی

۱۸ اع ۲

۴۴

ایضاً بجهة رفع درد دندان و بستن نزله ث چهارشنبه

مقطّع

اینصورت را بدیوار رو بقبله بکوبد بنهجی که ذکر میشود
بیاورد ۴ میخ کار کرده اولین را در میان چشم
میم بکوبد و بگوید بستم زبانه ۲ [illegible] ۲ یا بدوح یا بدوح تا ۳۰ مرتبه
یا بدوح بگوید میخ لجه ببسته شد و دوم ضرس یاک شد فی ها دال در ق
بکوبد بطریق مذکور و آن در ط و آن در ع با القطع یاک میشود

تمام امور نیز به استادی الاعظم ذات برکاته الحق به یک اربعین هر شب آخر شب بیت و دوم
شهر صیام باشد هر شبی هزار مرتبه ن ه ق د ص ج ق [illegible] بخواند و در
آخر یکمرتبه ن ه ق د ج ش غ م و قبل از شروع ۱۴ صلوات و بعد از ختم
ایضا ۱۴ صلوات [illegible] شهر صیام سنه ۱۳۴۴

دعا تکرم [illegible] لیالی جمعه د و غ ق ~~[illegible]~~
ه ط ی ا غ ق بسم الله الرحمن الرحیم و شروع کند بدعای ل ر ک ه ک ه و پس
از آن هزار مرتبه ف ک ه غ ش / [illegible] شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۴۴
[illegible]

در وقتی که آفتاب گرفته باشد تا گردن زیر آب رود و این
نثر را بخواند تا آخر الحلال بعد بیرون آید هر کسی را که گزنده گزیده
باشد بدون حرف زدن سیلی بر او زند همان دقیقه زهر برگردد
دعا خوب [illegible] گ ر ه گا دوری گرد گرد گرد
[illegible] ۲۱ شهر صیام ۴۵

برای تب و نوبه بر ۳ پارچه کاغذ بنویسد بر ۱ بسمه الکهف انک
انت الاعلی بر ۲ بسمه الکهف نجوت من القوم الظالمین بر ۳
بسمه الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین در موقع پیچیدن
میان کاغذ ۳ توحید و ۳ صلوات بخواند بهر یک دهد خورنده
هر روز صبح یکی ناشتا بلع کند و قبل از خوردن ۳ توحید و ۳ صلوات

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] من نیته صبح [illegible]

حضرت صادق ع [illegible] غسل [illegible]

روز ۱۵ از رجب زوال [illegible] نافله [illegible] رکعت نافله عصر [illegible]

و چون زوال [illegible] ۸ رکعت نافله [illegible] ۸ رکعت نافله عصر بعد از [illegible]

سخن نگوید و ۸ رکعت [illegible] و بعد از [illegible]

بتراشد و اداب [illegible] یا قاضی حوائج الطالبین [illegible]

نماز صد مرتبه [illegible] و در روایت [illegible] نماز عصر [illegible]

و سوره الطلاق [illegible] و صد مرتبه سوره [illegible]

توحید [illegible] صد مرتبه [illegible]

[illegible] صد مرتبه [illegible]

صلوات [illegible] و بعد از [illegible]

و لو

و سوره ایست انعام | بنی اسرائیل کهف

لقمان الم سجده یس والصافات حم سجده

حمعسق حم دخان انا فتحنا الرحمن اذا وقعت تبارک

ن والقلم هل اتی از سوره اذا السماء انشقت تا آخر قرآن

نماز کن فیکون ۴ رکعت در هر رکعتی بسم الله حمد ۱۹ مرتبه رکعت اول

پس از حمد ۱۰۰ مرتبه افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و در رکعت دوم ۱۰۰ مرتبه

الا الی الله تصیر الامور در رکعت سوم ۱۰۰ نصر من الله و فتح قریب در رکعت چهارم

۱۰۰ مرتبه انا فتحنا لک فتحا مبینا بعد صد مرتبه استغفار و پس از وضوء و پس از نماز

۷ مرتبه واذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان الی آخر الآیة

صورت استخاره با تسبیح و قد اجازنی بها استادنا الاعظم دامت افاضاته القدسیة علینا

روی عن الرضا ع اذا اراد احدکم ان یستخیر الله فلیقرء هذا الدعاء اللهم انی استخیرک

واستشیرک لعلمک بالاشیاء ما لیس لی بها علم اللهم ان کان هذا

الامر خیر لی فامرنی والا فانهنی عنه ثم یقرء فاتحة الکتاب الی صراط

مستقیم ثم تقول یا من یعلم احد من لا یعلم ثم یقبض علی السبحة فان جاء

فوراً فليعمل به و آن فليترك بهتر آن است كه سه صلوات اول بنويسند

استخارة القرآن مع الاجازة عن شيخنا في الطريقة نور الله قبره الشريف نور الحقيقة

ذكر الشيخ ان الخطيب المستغفري بسمرقند في دعواته اذا اردت ان تتفأل بكتاب

الله عز وجل فاقرأ سورة الاخلاص ثلثاً ثم صل على النبي صلى الله عليه وسلم ثلثاً ثم قل اللهم انى

تفألت بكتابك و توكلت عليك فأرني من كتابك ماهو المكتوم

من سرك المكنون في غيبك ثم افتح الجامع وخذ الفال من السطر

الاول في الجانب الاول من غير عد الاوراق والخطوط ورد بذلك مسنداً الى

رسول الله صلى الله عليه وسلم و بهتر آن است كه عبارت اللهم ارنا الحق حقاً حتى اتبعه وارنا

الباطل باطلاً حتى اجتنبه را ضميمه وى سازد ٢٥ شوال المكرم ١٣٤٥

ختم سوره مباركه فتح

بايد از روز شنبه ابتدا نمود تا روز پنجشنبه هر روز ٥ نوبت بخواند و روز جمعه ١١ مرتبه كه مجموع

٤١ مرتبه شود و بايد روز شنبه غسل كند و در وقت خواندن با طهارت باشد و هر مرتبه كه شروع

مى نمايد مقصود را در خاطر بگذراند جهت فلان مطلب و بايد غير مشروع نباشد و در اثناء اشتغال حرف

نزند و هر مرتبه كه بقول خدا تعالى فتحاً قريباً برسد اين دعا بخواند ما شاء الله لا حول ولا قوة

الا بالله اللهم لك الدنيا والآخرة تعطى من تشاء وتمنع ما تشاء اللهم انك

غنى فاغننى من الفقر والعيلة واقض دينى ووفقنى في عبادتك وارزقنى

جهاداً في سبيلك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انى اسألك بكلماتك و

معاقد

معاقد عزك وسكان سمواتك وانبيائك ورسلك ان تستجيب

لى فقد رهقنى من امرى عسراً فاسئلك ان تصلى على محمد وآل

محمد وان تجعل لى من امرى فرجاً ومخرجاً ومن العسر يسراً برحمتك

يا ارحم الراحمين و هر مرتبه كه سوره فتح را تمام كند سوره النصر را بخواند و اين دعا را

هم بخواند يا من اذا تضايقت الأمور يفتح لها باباً لا تصل اليه اوهامنا

انك على ذلك قدير وبالاجابة جدير وصلى الله على خير خلقه محمد

وآله اجمعين تحصنت بذى الملك والملكوت بذى العزة و

العظمة والجلال والجبروت وتوكلت على الحى الذى لا ينام و

لا يموت دخلت فى حفظ الله وفى حرز الله وفى امان الله من

شر البرية اجمعين بحق كهيعص حمعسق لا حول ولا قوة الا

بالله العلى العظيم اللهم افتح لنا ابواب رحمتك يا رحمن وابواب

لطفك يا لطيف وابواب كرمك يا كريم وابواب الرزق يا رزاق

وابواب الفتح يا فتاح الهى بحق انا فتحنا لك فتحاً مبيناً وبحق

وينصرك الله نصراً عزيزاً وبحق انا ارسلناك شاهداً ومبشراً ونذيراً
وبحق سراجاً منيراً وبحق ويحلون اساور من فضة وسقاهم ربهم
شراباً طهوراً اللهم الهي يا مفتح فتح ويا مسبب سبب ويا مسهل
سهل ويا ميسر يسر ويا مفرج فرج ويا مكرم كرم نصر من
الله وفتح قريب وبشر المؤمنين يا راحم المساكين ويا غافر
المذنبين ويا غياث المستغيثين ويا اله العالمين ويا خير
الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين وبحق محمد سيد المرسلين
وآله الطاهرين و هر روز پس از اتمام ختم سورهٔ اخلاص و معوذتين و
قريش هر يک را ۳ مرتبه و آية الكرسى الى هم فيها خالدون و ان يكاد هر يک را يكمرتبه
بخواند پس ابتدا را بخواند اللهم انك خلقتنى ولم اك شيئاً وعلمتنى و
لم اعلم شيئاً ورزقتنى ولم املك شيئاً رب انى ظلمت نفسى
وارتكبت المعاصى وانا مقر بذنوبى الهى ان غفرت لى فلا
ينقص من ملكك شيء وان عذبتنى فلا يزيد فى سلطانك
شيء

شيء تجد من تعذبه غيرى ولا اجد من يرحمنى غيرك
اسألك بعزتك ان تغفر لى وترحمنى وترزقنى وتهدينى
وتعطينى وتقضى بها حاجتى برحمتك يا ارحم الراحمين
و مطلب را بطلبد انشاءالله بر آورده خواهد شد #### تاريخ ۸ ذى الحجه الحرام ۱۳۴۴

مجاربى به شيخى الاعظم
از شب چهارشنبه تا شب چهارشنبه ديگر که مجموع ۸ شب شود بين مغرب و عشاء
۴ رکعت نماز در هر رکعتى بعد از حمد ۲۵ مرتبه و من يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه
من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا و بعد از اتمام چهار رکعت صد مرتبه اللهم اغننى بحلالك عن
حرامك و بفضلك عمن سواك

صلوة لقضاء الحوائج تدعى بالسيف القاطع ينقل عن كتاب الغرة بعد اسمك
عن شيخى الاعظم شب جمعه مقام خلوت ۲ رکعت در رکعت اولى
بعد از حمد از اول سورهٔ انعام تا وكنتم عن اياته تستكبرون و در رکعت
دوم تا آخر سوره و بعد از اتمام هزار مرتبه صلوات بر طلب حاجت كند

۱۲ یومی هر روزی ۲ رکعت نماز حاجت بعد حاجت زیارت جمورت بر

روی زانو زیارت نهاده صد مرتبه بگوید یا علی ادرکنی و وحدت مکان

شرط مهم است مجرب است ۵ نماز بجز شب عقیب ۳ جمع و شفاء حکما فی الصلوة

برای سرفه کبود بسمله فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ

تنظرون ۵ برکه در جلس نوشته حاشیه

نزله ۵ روز چهارشنبه خفوه ۳ قرئت الشیء با به ریسمان آبی که

دختر نرسیده بافته هفت ۸ گرفته هفت گره زند و در هر گرهی

یکمرتبه سوره قدر و بسم ترک قاتی ۳ کهیعص بر ریسمان را در

پنجشنبه یکشنبه صبح باز کند در دو طرف نیمه بسر بندد طرف تو خوانند حم عسق ۴۵

لشفاء المریض

یکتب سوره ك ذ ل ج مقطعة علی قدح بالزعفران و اشربه فیغسل و یشربه

المریض یبرء انشاء و قد اجاز لی به فی ۲۲ ربیع الاول من سنه ۱۳۴۵

ختم انعام

۲ رکعت نماز بعد از حمد ۳ مرتبه توحید بعد از نماز ۱۱ مره اللهم صل علی النبی الامی

محمد و آله بعد ۱۱ مره استغفر ربی بعد ۱۱ مره افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

بعد ۱۱ مره حسبنا الله و نعم الوکیل بعد شروع بسوره و میم با وصل بلام کند

و بیان حم لفظ جلاله این دعا را بخواند الهی من ذا الذی دعاک فلم

تجبه

تجبه الهی من ذا الذی تضرع الیک فلم ترحمه الهی من ذا الذی انقطع الیک

فلم تصله ومن ذا الذی استنصرک فلم تنصره الهی من الذی

استنجدک فلم تنجده الهی من الذی استصرخک فلم تصرخه الهی

من الذی استغفرک فلم تغفر له الهی من الذی استعاذ بک فلم تعذه

الهی من الذی توکل علیک فلم تکفه الهی من الذی تقرب الیک فابعدته

وهرب الیک فاسلمته واغوثاه بک یا الله واغوثاه بک یا الله

واغوثاه بک یا الله یا مغیث اغثنی وامح عنی سیئاتی

برحمتک یا ارحم الراحمین ۳ مره یا غیاث المستغیثین

دعا اجازتی به سیدی الاعظم و استاذی المعظم دام برکاته بمکه یکبار العین بعد از

یکی از نمازهای فریضه د و غ ق ه ط ی بسم الله الرحمن الرحیم ۱۴ صلوات و اعد

لسعة الرزق بعد از فریضه صبح تسبیح حضرت صدیقه ۴ بعد حمد بعد آیة

الکرسی و آیه شهد الله و آیه قل اللهم بعد دست چپ بسینه نهد و تسبیح بدست

راست گرفته ۷۰ مرتبه یا فتاح بعد ۳ مرتبه نادعلی صغیر و در

دفعه سوم ۱۱۰ مرتبه یا علی بعد ۱۴ صلوات و ۶۰ مرتبه یا الله

و ۶۰ مرتبه الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز بعد

۳۱۰ مرتبه یا قوی یا عزیز بعد ۱۴ صلوات و روز اول ۲ رکعت نماز

[illegible] ایی [illegible] اول [illegible] دل ح [illegible] ۹۲

حاجت قبر از شروع بخوانید و در ۴۰ روز حاجت مستجاب است و هر
روز صدقه بدهد بخواسته الشیخ الاعظم و شیخنا المحترم ادام [illegible]

حالا هم به شیخی اعظم ادام الله ظله علینا و علی جمیع المسلمین آمین آمین

یکهفته ۲۱۰۰ مرتبه یا علی ۱۲ صلوات قبر و ۱۳۳ صلوات بعد

گنج الاسماء آنکه حروف است
گوهر مخزن شاه حروف است
اثر ما معنای بدوام
منقطع نیست ز فیض وی عوام
پس اثرها است در این نام که
که کنه آن معنی ادراک
الف و یکی م که دارد چهار
هر یکی فایده دارد در کار
الف آن است هویدا الجهان
نیست پوشیده مخلوق نهان
لیک از آن داشت یکی پیغمبر
پدر مادر موسی در بر

چون شد از اسم مقدس آگاه
که بود اعظم الاسماء آنکه
کشف باب بصفت این اسم
لیک حروف ذات این اسم
که مراد او ولد با مقدار
صاحب معرفت و علم و وقار
داد او را پسری رب جلیل
که ز داود مه فرعون ذلیل
یا نوح از برکت این اسم
یافت از مهلکه آب نجات
موسی از حرمت این اسم بطور
یافت دیدار تجلی با نور
خواند این اسم خلیل مختار
که برای او گلستان آن نار
آنچه در عالم از این اسم بپاست
زانکه این اسم کنوز الاسماست

کیمیا نیز نصیبت گردد
گر تو این اسم صدق دلقی
کشف گردد همه گنج زمین
جنیان با تو مصاحب گردند
اولیا جمله بتو پیوندند
دشمنت نیست تو چون سیلاب
بند گردد به میدان سیلاب
قفل هر کار کشاید بر او
گردد از فیض تو عالم دلشاد
لیک هر کس بطریقی دیگر
داده انداز اثر اسم خبر
تو خود خوانده خدا در توریت
در صحف خوانده خدا بی نحو است
حفته در سورهٔ انجیل تو خوان
بحقیقت که همان است نهان
است در مصحف المجید ۳ میم
در میان لوی از حم
دیگر کرده رقم کافلنا

فکرم از این بدیع و نکته
از زف پرچه کنوز الاسماست
بنده اینحرف بر آورده است
بهر آسانی ارباب طلب
کرده این کار تو داب ادب
پس در این اسم ببردم برنج
تا طلسمات شکستم از این گنج
اگر اسم ولی الکهی
ذکر کل اسم تو اسم میخواهی
سخن گوهر گوش دل کن
عقده هر کاری حاصل کن
است حرف است ترتیب و نظام
بسط حرفش چه گشته تمام
اولش از ده آخر است
نصف در وسط پس است
عددش یازده از روی جمل
است چنین مدخل با بسط جمل
در سه جا مصدر ذال
بر سه سوره از انفال است

برای گریهٔ طفل این سوره و آیه بنویسد با مشک در راه آویزد ساکت شود

وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا ولبثوا فی کهفهم ثلثمائة سنین

وازدادوا تسعا

٤	٣	٨
٩	٥	١
٢	٧	٦

بجهة الجامع ...

ختم شریف بسم الله مدت چهل روز معمول بدارد و آن بر سه قسم است

اول فتحیه ملکیه و عددش یکهزار و صد و سی و دو مرتبه میباشد ۱۱۳۲

دوم فتحیه ملکوتیه و عددش دو هزار و ده نوبت است ۲۰۱۰ سیوم جبروتیه

و عددش سه هزار و صد نوبت است ۳۱۰۰ و تمام این اذکار منوط است

به اعتصام و اختتام چندی از اعتصام پس باید قبل از شروع حمد

و اخلاص و آیة الکرسی و قدر بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند

اللهم انی اسألک باسمک الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات

و اهم چهارده تن از مؤمنین و اولیای عظام اند که در آن روز و استعانت از

ایشان بجوید و یاد نماید حوائج جمیع برادران ایمانی و شرکت در آن

ذکر را از من چهارده تن ۱ سلمان فارسی ۲ ابی ذر غفاری ۳ مقداد بن اسود

۴ عمار یاسر ۵ حذیفه یمانی ۶ ابن مسعود ۷ جابر انصاری ۸ کمیل بن زیاد نخعی

۹ میثم تمار ۱۰ صعصعة بن صوحان ۱۱ زید بن صوحان ۱۲ اصبغ بن نباته

۱۳ رشید هجری ۱۴ حارث همدانی ۱۵ اویس قرنی ۱۶ مالک اشتر ۱۷ بلال

۱۸ قنبر ۱۹ نوف بکالی ۲۰ عمرو بن حمق ۲۱ عثمان بن حنیف ۲۲ ربیع بن خثیم

۲۳ حبیب بن مظاهر ۲۴ مسلم بن عوسجه ۲۵ هانی بن عروه ۲۶ عابس بن شبیب شاکری

۲۷ سعید بن جبیر ۲۸ سعید بن عبدالله حنفی ۲۹ زهیر بن قین ۳۰ ابو ثمامه صیداوی

۳۱ عثمان بن سعید ۳۲ محمد بن عثمان ۳۳ حسین بن روح ۳۴ علی بن محمد سمری

۳۵ شیخ صفی ۳۶ سید صدرالدین ۳۷ سلطان جنید ۳۸ خواجه علی ۳۹ سلطان حیدر

۴۰ شاه اسمعیل بعد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا رحمن

یا رحمن یا رحمن یا نور یا نور یا نور یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا

الجلال و الاکرام یا ذا الجلال و الاکرام اسألک بحق بسم الله الرحمن الرحیم

و بخواند بسمله بعدد ۱۱۳۲ اگر ملکیه اراده نماید و بعدد ۲۰۱۰

اگر ملکوتیه اراده نماید و بعدد ~~[illegible]~~ ۳۱۰۰ اگر جبروتیه اراده نماید

و بعد از اتمام بگوید ان تصلی علی محمد و آل محمد و تفتح لنا

فتحاً قریباً و تنصرنا نصراً عزیزاً و تقضی حوائجنا و توصلنا الی
مرادنا و تظهر لنا بسر هذا الاسم الاعظم و لا تردنا فانیا بحق
محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی
و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة القائم و بعد از آن صد و سی و دو مرتبه ۱۳۲
صلوات فرستد و دعای یا من تحل به عقد المکاره را یکبار بخواند
و بعد از آن دعای حضرت حجة عجل الله فرجه را یکبار یا سه بار بخواند
یا الله یا محمد یا علی یا فاطمة و بنیها یا صاحب الزمان ادرکنی
یا فارس الحجاز ادرکنی یا ابا صالح المهدی ادرکنی و لا تهلکنی و
استغاث بجوید از حضرت جبرئیل یا بیطرتق یا جبرئیل یا جبرئیل
یا جبرئیل اقسمتک بالله و بعظمة الله و بعزة الله و بسم الله الرحمن
الرحیم و بحرمة محمد و آله ان تدرکنی الان برکت اسم اعظم حاجت روا گردد

[illegible]

ختم سورهٔ مبارکهٔ توحید ۳ یوم ابتداء [illegible] بدن پاک بوده
و انگشتر عقیق یا فیروزه بدست نماید در مکان خلوت بدون تکلم با کسی ۲ رکعت نماز حاجت
گذارده در هر رکعت بعد از حمد ۳ توحید و ۳ آیة الکرسی بخواند پس از اتمام نماز
۷ حمد و صد صلوات فرستد پس ۷۹ مرتبه الم نشرح بخواند پس از آن
هزار و

۱۰۰۱
هزار و یک مرتبه سورهٔ مبارکهٔ توحید را بخواند پس از آن ۷ حمد و صد صلوات
فرستد پس بسجده رفته حاجت طلب کند و این سه روز را صائم باشد اولی است
و در موقع اشتغال بوی خوش بخور کند از خواص مجربه معتبره است و
منقول از مرحوم مجلسی بزرگ علیه الرحمة است

جهت مهمات خصوص دفع اعداء
ختم دعای مبارک قاموس یک اربعین هر روز صبح ۲۵ مرتبه روز آخر
۲۶ مرتبه که مجموع ۱۰۰۱ مرتبه شود قبل از شروع ۳ مرتبه این اعتصام بخواند
سبحان الله القادر القاهر القوی القهار الجبار الحی القیوم
بلا معین ولا ظهیر لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
پس شروع کند بدعا و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم رب ادخلنی
فی لجة بحر احدیتک و طمطام یم وحدانیتک و قونی
بقوة سطوة سلطان فردانیتک حتی اخرج الی فضاء
سعة رحمتک و فی وجهی لمعات برق القرب من
آثار حمایتک مهیباً بهیبتک عزیزاً بعنایتک
مبجلاً مکرماً بتعلیمک و تزکیتک و البسنی خلع
العزة و القبول و سهل لی مناهج الوصلة و الوصول

وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَالْوَقَارِ وَأَلِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَ
أَحِبَّائِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَدَارِ الْقَرَارِ وَارْزُقْنِي مِنْ نُورِ
اسْمِكَ هَيْبَةً وَسَطْوَةً تَنْقَادُ لِيَ الْقُلُوبُ وَالْأَرْوَاحُ وَ
تَخْضَعُ لَدَيَّ النُّفُوسُ وَالْأَشْبَاحُ يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ
الْجَبَابِرَةِ وَخَضَعَتْ لَدَيْهِ أَعْنَاقُ الْأَكَاسِرَةِ لَا مَلْجَأَ
وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَلَا إِعَانَةَ وَلَا اتِّكَاءَ إِلَّا عَلَيْكَ
اِدْفَعْ عَنِّي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ وَظُلُمَاتِ شَرِّ الْمُعَانِدِينَ
وَارْحَمْنِي تَحْتَ سُرَادِقَاتِ عَرْشِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
أَيِّدْ ظَاهِرِي فِي تَحْصِيلِ مَرَاضِيكَ وَنَوِّرْ قَلْبِي وَسِرِّي
بِالْاطِّلَاعِ عَلَى مَنَاهِجِ مَسَاعِيكَ إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ
عَنْ بَابِكَ بِخَيْبَةٍ مِنْكَ وَقَدْ وَرَدْتُهُ عَلَى ثِقَةٍ بِكَ وَكَيْفَ
تُؤْيِسُنِي مِنْ عَطَائِكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ وَهَا أَنَا ذَا
مُقْبِلٌ عَلَيْكَ مُلْتَجِئٌ إِلَيْكَ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَعْدَائِي
كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اِخْطَفْ أَبْصَارَهُمْ
عَنِّي بِنُورِ قُدْسِكَ وَجَلَالِ مَجْدِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ
الْمُعْطِي جَلَائِلَ النِّعَمِ الْمُكَرَّمَةِ لِمَنْ نَاجَاكَ بِلَطَائِفِ رَأْفَتِكَ
يَا حَيُّ

[illegible]

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مجرب

س ک ع است چند اسم دارد یکی شیر کوه مینامند و در قزوین
حلقه مینامند و در یزد شیر سنگ و در کوه سنگی مشهد فراوان است
ن غ ص او سرخ است دارای ر ط ق سفید است اگر ر ط ق
او بدان برند مجروح میکند ر ط ق او را گرفته هموزن
زیبق مخلوط کند در ظرف وصل به نباید تا زیبق برنگ س ک ع
شود پس چند صفحه ل ن را نازک نموده بالا از زیبق
مذکور پاشیده اولاً مانند ماست کردن شیر روی آتش
خفیف نهد که زور آتش بمقداری باشد که شیر ماست میکنند
کم کم زیاد کند آخر در زبل دمس شدید داده پس صفحات
ل ن را درآورده خ ه ا نماید ص ل ق است اگر
محتاج باشد ده یک بایه دهد ولی باید اول صفی ترا بالسرکه
و نمک بشوید بعد دوا را بپاشد وهذا من مکتوبات الاستاد
الاعظم دام ظله

[illegible]

۴۹

بسمه تعالی متوکلاً علی الله

چهل و یک روز روزه گرفته هر روزی یکمرتبه بین الطلوعین سورهٔ انعام را بخواند
و هر روزی اقلاً پنجاه آیه از قرآن بخواند و صد مرتبه استغفار و صد مرتبه
صلوات و صد مرتبه و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی بخواند
و ثواب جمیع را قربت کند بروح مؤمنین وادی السلام عمل منتج است و نتیجه اش
اینکه در مواقع حوائجش ارواح چند نفر از آنها را در نظر گرفته و از ارواح شان
درخواسته و سؤال از ایشان نماید جواب مقصود را میدهند ولی این عمل
مشروط است بچند شرط اول اینکه قبل از شروع در عمل یعنی اربعین ترک حیوانی کند
و دائم الطهاره باشد دوم اینکه بعد از فراغ از عمل مادام العمر حتی
المقدور دائم الطهاره باشد الا در موقع غفلت یا نسیان یا غیر اینها از موارد
که شارع بالنسبه بطهارت واجبه رفع تکلیف فرموده سوم آنکه بعد از فراغ
از عمل مادام العمر هر روزی اقلاً پنجاه آیه از قرآن بخواند و ثوابش را نثار کند
بارواح مقدسه مومنین وادی السلام چهارم آنکه قبل از عمل باحدی اظهار
نکند تا چه رسد باینکه تعلیم کسی کند فضلاً و کلاً پنجم اینکه اگر بعد از عمل
بخواهد بکسی تعلیم کند و یا اظهار کند اذن از خود ارواح مقدسه بگیرد ششم
آنکه نمیتواند به بیشتر از سه نفر اجازه این عمل بدهد هفتم اینکه بعد از
عمل در هفته بیشتر از سه سؤال حق ندارد و هر چه کمتر سؤال کند بهتر است
هشتم اینکه سؤال باید برای رفع حوائج مؤمنین باشد و سایر امورات
شرعیه

شرعیه
مانند اینکه فلانه مؤمن مریض است مرضش چیست بچه علاج میشود یا اینکه فلان
مؤمن کجا است و بر چه حالت است یا اینکه فقیر واقعی کیست که دستگیری کنم
و امثال ذلک از اموری که غرض در آن جلب منفعت دنیوی نباشد
انشاء بسیار مفید خواهد بود جواب را گاهی بنفس نفیس و ارواح مقدسه خودشان
میدهند و گاهی بزبان کسی که نائم است بر فهمانند الی غیر ذلک از اتفاقی که بر
دارنده این عمل ظاهر میشود

بسم الله الرحمن الرحیم تسخیر کیفیت جن مسلمانی
با نیت خالص در وقت تحویل شمس برج حمل داخل در عمل شود با شروط معینه
و آن چنان است که در جای خلوت چله کشیده و با طهارت بدن خویش
داخل در خط شود و مدت سه شبانه روز از خط خارج نشود و اعمال واجبه
را هم در آن خط بجا آورد و اگر در ظرف مدت عمل از خط خارج شود برای
او هر چیزی که باشد خطر عظیم دارد و غیر از یکنفر طفل نابالغ برای
ارجاع بعض حوائج و رسیدگی به بعض اموراتش کسی دیگر حق آمد و رفت
ندارد و بغیر از اوراد وارده که ذکر میشود تکلم دیگر نباید حتی
حوائجش را روی کاغذ بنویسد و بآن طفل بدهد و با احدی هم اظهار ندارد
شبانه روزی هم دو ساعت بیشتر نباید بخوابد و هر شبانه روزی

[illegible]

چهل و یکمرتبه سورهٔ شریفهٔ قل اوحی را بخواند پس هزار مرتبه بگوید
سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء انشاءالله عمل منتج است و باید
در این روز ترک حیوانی و تقلیل در غذا کند و اگر عمل ناتمام باشد ضرر و
خطر فوق العاده دارد

طریق ثبوت ن ا ل بگیرد شوره قلمی ده مثقال و
شجرهٔ طوریه ۸ مثقال و اگر از جوان پانزده ساله تا بیست ساله
باشد بهتر است و اگر سیاه و سنگین باشد خیلی بهتر و اگر از غیر جنب باشد
بسیار خوب است پس شجره را غسل دهد چون خشک شد اول شوره را بریزد
میان ظرف آهنی و شجره را اندک اندک در شوره ریخته و با آلتی حرکت
دهد و ظرف را تکان دهد تا اینکه بر غلظت باید پس بهمین ترتیب حرکت
داده تا موقعی که آتش گرفته بغورد و سرعت هرچه تمام تر بگیرد
کند پس این حجر مکرم را باید خمیر کرده ~~[illegible]~~ جبه ن ا ل
نماید و او را در میان ظرف سفالی که منفذ داشته باشد بگذارد پس
ده ساعت دمی قوی دهد و پس از سرد شدن بردارد ن ا ل
ثابت است و باید در ثبوت ن ا ل ن ع ط ج مقدار کمی
ن ا ل و ق ج همراهش کند و کذا بالعکس والا نتیجه نمیدهد

[illegible]

طریق تکلیس قمر در عمل کیمیا بگیرد ۵ مثقال قمر خالص را و او را
نازک کن یک مثقال گوگرد زرد و یک مثقال شنجرف را فرد فرد
بسای قمر را برگ برگ کن و برادوسل بال یک طرفش را کبریت
و طرف دیگر را شنجرف فرش ولی فرگی پس انها را در میان تکهٔ
محکم بپیچ و دور او را لته محکم بپیچ تا بقدر هندوانه شود پس
او را آتش بزن و بگذار تا بالطبیعه تمام شود بعد چون سرد شد بردار
که مقصود حاصل است

طریقهٔ دعوت اسماء الله که غ ن ل غ س ض ل میباشد
و از اسماء الهی تخفی بیرار ابجر اسم از اسماء الله که یکعدد بیش از عدد
اسم خوب است باشد روز چهارشنبه غسل توبه و حاجت کن پیش از ظهر دو رکعت
نماز حاجت بکن بهمین نیت که به غ ن ل غ س ض ل مشغول
میشوی پس سورهٔ حمد و توحید و الم نشرح و صلوات هر یک را
بعد از آن ختم بخوان و بعد از آن اسم شریف را بخوان بعد دعوش بخوان
بخوان و روزهای دیگر با دوام بعد از صلوة صبح اسم مقدس را
بعد دعوش بخوان فانه اکسیر اعظم

بسمه تعالی طریق عمل کنگر

بگیرد پنج مثقال قمر فلصرا تکلیس کند پس بریزد میان قهوه جوش که مقعر

و کلس شده باشد و سی مثقال زیبق بروی آن ریخته و ربع مثقال ...

رفیده ... مسحوق بروی آن بریزد پس بسر قهوه جوش الفت لا کاغذ

که زعفران و کتیرا بر آنها مالیده باشد بچسپاند و ویرا ۱۲ ساعت روی

آتش نهد و در این مدت نیم من زغال بیش لازم ندارد پس قهوه جوش را

برداشته و ویرا در کهنه خالی کند و محکم بفشرد تا زیبق غیر معقود خارج

شود و معقود بماند پس بگیرد دقیقا قمر را که در میان زیبق معقود است و مجددا

زیبق غیر معقود را با آن قمر و ربع مثقال سم میان قهوه جوش نماید و کلوله

اول با نیم من زغال در ظرف ۱۰ ساعت آتش بدهد پس بردارد تمام زیبق

معقود است بعد معقود فوق را با ... که آب آهک و نقره ...

در ظرف سنگی طبخ دهد باندازه ده بیست جوش بعد آنرا با آب

نمک و آهک شسته پس پیاله ... از ده مثقال تنکار و ده

مثقال بوره ارمنی و ۱۲ مثقال براده مس ... خمیر شده باشند با ...

البیض پس زیبق معقود را با نیم مثقال سم و نیم مثقال بوره و نیم مثقال

کبریت صلایه نماید و اینها را در آن پیاله بریزد و یک مثقال نمک و یک

مثقال زاج سفید بالای او ریخته سر پیاله را بهم آورد ~~پس سر پیاله را با گل~~

حکمت که عبارت است از گل سرخ و گل ... و آهک و ... تکلیس کند پس زمین

را حفر کند و پیاله را در آن حفره نهد و یک من ... بریزد و ... ریخته آتش

بدهد چنین تو یک بار تمام ... پیاله را با ... آورده ... دیگر

...

وهمچنین ... بعد از آن او را ذوب کند ... سرب زند تمام است

بسمله را به حروف مقطعه که با الف رحمن باید نوشته شود و حروف

... یک خط روی کاغذ یا ظرف نوشته پس در تحت هر حرفی یک

مس بنویسید و ویرا شسته بمطبوع بدهد و اسطه ... باشد فورا خوب ...

نزج بند را ۷ شب هر شب ۷۰ مرتبه بخواند در حالیکه نظر کند

بستاره سهیل و فلفل بدمد پس هر کس ۷ دانه از آن فلفل ...

بخوراند از ... محفوظ باشد بعون الله تعالی

القلع فضة مبروشة في لجوها ... دارد کواد و سرعت ذوب

ص که مس را صفحه صفحه ~~نموده~~ ... در و نمک قلیا و شیشه و

هر یک مساوی جداگانه سائیده و مخلوط کند لا بلای صفحات پاشیده

در بوته ذوب نماید ... ص که ... وص ل ق ...

... فوائد شیخ الاعظم

~~یکسال مرتب ... بکرد ... چهل یوم ... اگر ... چهل~~

~~یوم چه تق و چه ... شده ...~~

~~چهل یوم ... ترک صوم ... اخیر ... باید ترک~~

~~... روزه ... و زمان~~

وغم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی یا ابا الغیث اغثنی

یا علی ادرکنی بلطفک الخفی پس ۳ مرتبه بگوید سبحان المفرج

عن کل محزونٍ سبحان المخلص عن کل مسجونٍ سبحان العالم

بما کان قبل ان یکون سبحان من جعل خزائنه بین الکاف

والنون سبحانه سبحانه اذا قضی امرًا فانما یقول له کن فیکون

فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیٍٔ والیه ترجعون وصلی

الله علی محمدٍ وآله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

و قبل از شروع این اعتصام الجواد یا الله مددی من عندک مددی

وعلیک معتمدی یا غیاث المستغیثین و پس از اتمام عمل دعای

یا من تحل به عقد المکاره که در صحیفه سجادیه است پنج مرتبه بخواند و معصومین را ذکر کند

ان شاء الله

نوعد یکر

دو رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه این آیه را بخواند فدعا

ربه انی مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماءٍ منهمر و

فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امرٍ قد قدر و بعد از نماز

هفتاد و یک مرتبه بگوید الله صمدی من عندک مددی وعلیک معتمدی

ایاک نعبد و ایاک نستعین الله صمدی نادعلیا مظهر العجائب

تجده

تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی بولایتک یا علی یا

علی یا علی ادرکنی پس سر برهنه کرده حاجت طلب کند و صد مرتبه

صلوات فرستد

خزائن نراقی من کتب الشهید الحق ع اربع زوایا ورقه و یکتب باضلاع

او غاب فی وسط الورق ثم یبرز نصف اللیل الی تحت السماء و ینظر الیها و یکرر

هذین الاسمین سبعین مرة فی آن یأتیه خبر الضائع او الغائب انتهی فیه

ازجهت باز آمدن گریخته مربعی سه در سه بکشد که اضلاع خانها شش باشد بنیت

گریخته پس خانها را بنظم طبیعی پر کند و باید که در هر یکی از

چهار کنج رقم حروف بدوح باشد بدین صورت پس نام

گریخته را بر بالای رقم بنویسد و بر زیر سنگی گران

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

در جایگاه او نهند البته باز آید یا آنکه نام او بر بالای رقم ۵ نوشته میخی بر

خانه میان فرو برند بطریقیکه برقم ۵ نرسد در خوابگاه بر زمین بکوبند و اگر

اینعمل در زیر بالین گریخته بکنند بهتر است فائده اگر زنی دشوار زاید

چینی بر ابر سه پاره سفال آب ندیده کشند و پر کند پس دو پاره را

در زیر هر دو زانوی او بگذارند و یکی دیگر را در برابر چشم او بدارند تا در او

نظر کند تا بآسانی بزاید و اگر اتفاق بیفتد اینعمل در وقت طلوع آفتاب کنند بهتر است

و اگر قمر در منزل جبهه یا زبانا یا سعود باشد بهتر و اگر بمشک و زعفران

و گلاب بکشند و بآب قند بشویند و زن حامله از آن بخورد وضع حمل بر او آسان شود

38

بجهة رفع احتلام وقت خواب سورهٔ الطارق را بخواند ۲ مرتبه الف آیه شریفه یخرج
من بین الصلب والترائب انه علی رجعه لقادر معینه ب الف ابتدی ۲ مرتبه اللهم
انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام

روز یکشنبه که قمر زائد النور باشد غسل کند در صبح ۱۴ صلوات فرستد پس ۱۴ مرتبه آیه شریفه
نور را بخواند در حالیکه با سر برهنه زیر آسمان ایستاده باشد و بعد از آنکه در آیه شریفه
به ... برسد متوسل شود به پنج تن آل عبا علیهم السلام پس از آن ۴۸ صلوات فرستد
و شب بین نماز مغرب و عشا کهیعص و حمعسق را بعدد جمیع حروف آن بخواند

۱۹۵ ٪ ۲۷۸
زهرگیری با اجازهٔ آخوند ملا حسین یزدی که گذران کمیه شد
از شب اول آبان ماه ۵ ... شروع کند تا ۱۷ شب هر شب ۴۱ مرتبه بخواند سلام
قولا من رب رحیم عذ قلم اقج اذق لم آورد
اهمن برد اهمن آورد احمد برن محمود را و در موقع چاق کردن
۳ مرتبه بخواند دست بموضع درد بکشد زهر تمام حشرات الارض را بیرون اند مگر
زهر زنبورهای مختلفه و
الف زهرگیری ۷ مرتبه بخواند با چاقو بکشد در دو ساکت میشود مکرا مکرا
مهکرا مهکرا تذکرا تذکرا ۴ کوهرکا کوذکرا
سفید سرما سرکال سفید تیرما تیر کال تیر
دلمک ... تیر کردم تیر جک بلدی ... وار و ... سالی
کن

کن وهولی کن اوجاه داده جاه اوجو تجو تلیله
تلیله کام بکام کرب کرب ... وار و هی هی هی هی هی هی
کام بکام کل
الف زهرگیری با اجازه آقای حاج سید علی تبریزی قوردی حفظه ۳ مرتبه
بسمله عقد میکنم بنام خدا و محمد مصطفی صلی الله علیه واله و علی
مرتضی و فاطمهٔ زهرا و حسن مجتبی و حسین شهید بکربلا و سائر
ائمهٔ هدی اجرجری تجرجری منی بجهالی اجرسن
تجرسن صدیخ صدیخ صدیخ کوف جوف بخواند و دست بموضع درد
بکشد البته خوب میشود و برای غالب دردها مانند صداع و قولنج و درد دل و امثال ذلک ...
نحوه دست گذارده بخواند تا خوب شود

ذکر مقدس نادعلی کبیر دانستنی است که اول ۱۰۰ صلوات فرستد و یک فاتحه خوانده
ثوابش را بروح مطهر حضرت رسول صلی الله علیه وآله هدیه کند و فاتحه دیگر خوانده ثوابش را بروح جمیع
انبیاء نثار کند و فاتحهٔ دیگر بارواح ائمه اطهار هدیه کند پس ۱۰۰ صد مرتبه بگوید
استغفر الله ربی واتوب الیه و ۱۰ ده مرتبه سورهٔ قدر و ۱۰ ده مرتبه توحید
و ۱۰ ده مرتبه معوذتین بخواند پس ۷۰ هفتاد مرتبه بگوید الله صمدی من
عندک مددی و علیک معتمدی ایاک نعبد و ایاک نستعین
نادعلیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم

الاخلاص ولحق من الذبركة الاخلاص وارفع درجاتنا بتلاوة الاخلاص واقض حاجاتنا بسورة الاخلاص یا ذالفضل والاحسان یا ذاالملک والامتنان اللهم انی اسألک یا واحد یا احد یا صمد یا فرد یا وتر یا من لم یتخذ صاحبةً ولا ولداً و یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد ان تسخر لی خدام هذه السورة الشریفة ان یجیبونی الی ما ارید انک فعال لما ترید برحمتک یا ارحم الراحمین

۱۴۰۰

هر کس در یک مجلس هزار و چهارصد مرتبه یا وهّاب بگوید و بخور هم که صندل و زعفران است بسوزاند اگر شب جمعه بین الطلوعین یا روز جمعه باشد اولی است و لباس و مکان باید پاک باشد و بعد از اتمام این ختم وهاب را امر کنند و شب زیر سر گذارد بعد رقت بنیت چیزی بخواهد رسید و هر شب برای او زیر سرش بگذارند و اگر در شرف زهره باشد هر آینه بهتر است و مربع این است

٦	١	١٦	١١
١٢	١٥	٢	٥
٣	٨	٩	١٤
١٣	١٠	٧	٤

طریق ختم وهاب که معروف است بدعوت سلیمانی از چهاردهم ماه هر روز که باشد شروع کند باید بگوید اول و آخر هر قدر بخواهد صلوات بفرستد و اسم مبارک وهاب را چهار هزار و چهار صد و چهل و چهار مرتبه بخواند و ۱۴ نقش بعد از خواندن اسم مذکور بنویسد فوراً برخواسته

نقش

نقشها را بدریا اندازد از هنگام شروع اسم تا انداختن نقوش با کسی تکلم نکند و وقت خواندن اسم مبارک بعد از نماز صبح است بنوعیکه نماز در اول وقت بخواند و بعد ۲ رکعت نماز بنیت قضاء حاجت پس مشغول بذکر اسم مذکور شود تا غرهٔ ماه آینده ختم کند و در این ایام حیوانی نخورد بجز شیر برنج چیز دیگر نخورد و ظروف او باید علیحده باشد که کسی در ظرف وی غذا نخورد و چون مدت تمام شد قرمهٔ نقش پخته آقلا با یک سید همراه خود در یک کاسه سیر بخوراند و از همان ایام ترک نخوردن حیوانی کند و اگر مقدور باشد غذاهای لذیذ و نفیس با سادات و مؤمنین بخوراند این طریقه زکوة بود که بیان شد بعد هر روزی یکصد و چهار مرتبه یا وهاب بگوید و ۱۴ نقش نوشته بدریا اندازد از غنی و ثروت بمرتبهٔ رسد که بگفتن نیاید و نقش وهاب این است

ب	ا	ه	و
٧	٤	٢	١
٣	٤	٤	٣
٢	٥	٣	٤

۴۰۰

~~جنة الواقیة فصل الخامس~~ کفعمی اربعمائة

عن الصادق ع من قال کل یوم اربعمائة مرة شهرین متتابعین رزقه الله کنزاً من علم او کنزاً من مال و هو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات والارض من جمیع جرمی و ظلمی و اسرافی علی نفسی و اتوب الیه

الرحمن الرحیم

۲ ذوالجلال والاکرام

۵ و جرمی

بهدایة الاخلاص وعافنا بعنایة الاخلاص ونجنا من النیران بکرامة الاخلاص
وارفع درجاتنا بتلاوة الاخلاص یا ذا الفضل والاحسان برحمتک یا ارحم الراحمین [illegible]

ختم بسمله ۱۵۰۰
در عوض ۴۰ هر روز ۲ رکعت نماز بعد از حمد ۱۵ مرتبه توحید بعد هزار و پانصد
مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم تا یک هفته بخواند [illegible]

ختم سورهٔ مبارکهٔ توحید
پنجشنبه غرهٔ ماه غسل کند جامهٔ سفید و پشمینه بپوشد و بمکان خلوت بنشیند و بوی خوش با خود
دارد و خنجری از فولاد در دست گرفته و این آیه را بخواند ان تبدوا خیرا
او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله کان عفوا قدیرا و با آن
خنجر بچهار سمت خود خطی بکشد و خنجر را میان خط بگذارد و رو به قبله
بنشیند ۷ مرتبه صلوات فرستد و این آیه را تلاوت کند قوله الحق وله الملک یوم
ینفخ فی الصور عالم الغیب والشهادة وهو الحکیم الخبیر و بچهار سمت خانه
بدمد و چهار قل بخواند تا از وسوسهٔ شیطان در امان باشد و بعد انگشت در خط گذاشته
و بگوید یا مولای [illegible] رخصت از تو میخواهم که پیرو شما دستی داده در دار
نظر داشته باشد و بعد دست را ببوسد و تسبیح را بردارد و ۷ مرتبه صلوات بفرستد
و مشغول سوره شود و خوف از چیزی نکند که خدا و چهارده معصوم نگاه دار او میباشند و در این
ایام از حیوانی اجتناب کند بنان و سرکه افطار کند و هر روز بعد از نماز
۱۰۰۰
صبح هزار مرتبه سوره را بخواند و هم چنین بعد از نماز ظهر و عصر و مغرب هر یک
هزار

۲۰۰۰
هزار مرتبه بخواند و بعد از نماز عشاء دو هزار مرتبه بخواند که مجموع شش هزار مرتبه
شود تا چهارده روز و در روز پنجشنبه نیمهٔ ماه از اول روز تا نصف شب شش هزار
و ده هزار مرتبه بخواند که شش هزار مرتبه را بطریق مذکور بعد از هر نماز و ده هزار
مرتبه را هم بعد بخواند پس از آن صد مرتبه بگوید یا حنّان انت الذی وسعت
کل شیء رحمة وعلما اللهم انی اسألک ان تسخر لی خدام هذه السورة الشریفة
بحق من قال لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله آنگاه ببیند ۲ ملک
بصورت انسانی حاضر شوند و بر او سلام کنند و بگویند ای بنده صالح چه مراد خواهی
بگو بگوید که مراد مرا میدانید و از شما پنهان نیست گویند که از ما چیزی نشوی و
غیبت مردم را نکنی و در لیالی جمعه و پنجشنبه و دوشنبه مدة العمر سورهٔ مبارکه را
هزار مرتبه بخوانی پس یکی از آنها که نام او عبدالصمد است پیش آید و گوید که بچهار
علم بدان که من است هر قدر میخواهی بخواه تا بدهم پس دیگری پیش آید و گوید نام
من عبدالواحد است هرگاه مرا خواهی بگو یا عبدالواحد من حاضر میشوم و علم
کیمیا بدانکه مرا است من بتو میآموزم پس دیگری آید و گوید نام من عبدالله است
هر وقت مرا خواهی بگو یا عبدالله حاضر شوم و کار من این است تو را یکدم بمکه
برم و این ختم از جمله مجربات است بشرائط مذکوره خواندن تو خوف ندارد
بعد از آن هر شب نه روز از ایندو صد مرتبه بخواند بسمله اللهم اهدنا بهدایة

مهم اني قلبت الأيام ومنعت الطعام وقطعت حتى تطيعوني
وتحرقوا قلبها وجسدها وفؤادها الساعة بحق والطور وكتاب
مسطور في رق منشور والبيت المرفوع والبحر المسجور الساعة
يا ابليس يا سيد الشياطين اطيعوني في هذا المكان الساعة الساعة
الساعة واجعل وجهها بجانب مهم وعدد اسم طالب با درش ومطلوبه
با درش گرفته بر عدد اسم ربع بيفزايد و بهمين سير لوحرا پركند و هر لوح بايد ترتيب داده
شود يكي بر كاغذ يكي بر حديد ولوح حديد را با لوح قرطاس بپيچيده در آتش ببرد و مشغول عزيمت شود

	٢٣٧	٢٤٠	٢٤٣	٢٣٩
	٢٤٢	٢٣٠	٢٣٦	٢٤١
٢٤٥	٢٣١		٢٣٨	٢٣٥
	٢٣٩	٢٣٤	٢٣٢	٢٤٤

ايض
اين نقش را در كف گرفته و الخوانند سوره والشمس
مشغول شود بمقدار راه مطلوب حاضر خواهد
نقش اين

يا اسفيل ٨ يا رحمائيل ٧ ٥ ٩ ٦ ٤ ٣ يا جبرائيل يا ميكائيل

و لا حول ... حسبنا الله ... ١٨٦١١٣ ...

اين صورت را زير سر مجموع نهند
سفيد و مزيل است

من قرء سورة العنكبوت في كل يوم مائة مرة مدة عشرة ايام متواليه يقصد من يريد
بالضمير وفي اليوم العاشر يجلس على الجاير ويقول اللهم انت الحاضر المحيط
بمكنونات

بمكنونات السرائر و الضمائر اللهم عن الظالم وقل الناصر وانت المطلع على العالم
اللهم ان فلان ظلمني واذاني ولا يشهد بذلك غيرك اللهم انك انك فاهلكه اللهم
سربله سربال الهوان وقمصه بقميص الردى ثم قل اللهم اقصفه عشرا ثم قل
فاخذهم الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق فانه يحل به الهلاك وقد ذكره السيد الداماد
في جنة الواقية في فصل ثلث وثلثين للانتقام مع اختلاف قليل

اسماء اصحاب كهف تمليخا مكسلمينا مرنوش دبرنوش شاذنوش
ساذنوش كشفيططيوش اسم كلب قطمير

طريقه اوراد زاهديه كه فقرا ايد ابيد تصرف سكينه حضرت رضا ابتداء صبح كاذب
با وضوء ٧٨٦ مرتبه بسمله بخوانند بعد از نماز صبح ٢١ مرتبه سوره مباركه حمد
و ٧ مرتبه يا مفتح فتح يا مسبب سبب يا مفرج فرج يا مسهل سهل يا ميسر
يسر يا مدبر دبر يا متمم تمم بحقك يا ارحم الراحمين بعد هزار صلوات بفرستد
و بعد از نماز ظهر ٢٢ مرتبه حمد و ٧ مرتبه دعاى مذكور و بعد از نماز عصر
٢٣ مرتبه حمد و ٧ مرتبه دعاى مذكور و بعد از نماز مغرب ٢٤ مرتبه
حمد و ٧ مرتبه دعا و هزار صلوات و بعد از نماز عشاء ١٠ مرتبه
٧٥٠٠
حمد و ٧ مرتبه دعا و در عرض شبانه روز هفت هزار و پانصد مرتبه لا اله الا الله

ختم اخلاص
١٢٠٠٠ دوازده
دوشنبه غره رجب شروع كند الى آخر ماه ١٢ هزار مرتبه بخواند كه هر
روزى چهارصد مرتبه شود و بعد از صد مرتبه اينرا بخواند اللهم اهدنا

تعالی و ابوذر و سلمان و المقداد و حذیفة و عمار و اصحاب رسول الله رضی الله
عنهم من وراء و الملئکة علیهم السلام حولی و الله ربی تعالی شانه و تقدست اسمائه
محیط بی و حافظی و حفیظی و الله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ فالله خیر حافظا
و هو ارحم الراحمین

لرد الضالة

در هر یک از چهار کنج منزل زیر آسمان با سر برهنه ایستاده و ۷۰ مرتبه بگوید یا معید و پس از
اتمام بگوید رُدَّ علی ضالتی و هر صبح بعد از نماز صبح ۱۱۰ مرتبه بگوید یا رادّ الشمس لعلی
بن ابیطالب علیه السلام رُدَّ علی ضالتی و این از شیخنا الاعظم دام افاضاته علینا

لجلب محبوب

چند دانه تخم کدو حلوائی مغز گرفته مغزش را با مقداری زعفران با شیر دختر تازه زا بسایند
چند قطره به دماغش بچکانند و قدری اسفناج با مقدار گل ارمنی و قدری آرد جو خمیر کرده
بر مقدم سر ضماد کنند چون گرم شد بردارد و تجدید کند و غذای او مغز کله گوسفند تازه

لقضاء الحوائج

عن سید العابدین قال اذا کان لک مهم فصل اربع رکعات تحسن قنوتهن و ارکانهن تقرء
فی الاولی الحمد و حسبنا الله و نعم الوکیل سبع مرات و فی الثانیة الحمد و قوله ما شاء الله ان ترن انا
اقل منک مالا و ولدا سبع مرات و فی الثالثة الحمد مرة و قوله لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین سبع مرات و فی الرابعة الحمد مرة و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
سبع مرات ثم تسئل حاجتک و تسمی هذه الصلوة صلوة المهمات

[illegible]

(حاشیه: [illegible] گوید ... [illegible])

تسخیر آیه و عنده مفاتح الغیب الی قوله مبین

اول در مدت ۴۰ یوم ترک حیوانی و تقلیل در غذا و احتیاط در حیث ماکول و ملبوس تا در ماه شوال
و البته در لباسی که در وی جنب شد نخوابد بلکه لباس مخصوص دعوت مهیا نماید بعد از ۴۰ یوم شروع به دعوت
نماید در مکان معین و زمان معین هر روزی هزار و یک مرتبه بخواند تا ۴۱ یوم که مطلب روایت ۱۰۰۱
باید قوی دل باشد و روز ۱۷ یا ۱۸ هر عدد فقرا البته پیش رو بگذارد در مشغول دعوت شود که باز خواهند
و هم چنین در ۲۴ یا ۲۵ هم کنده تخته قوی و سنگین که بیک یکمر پیخ آهنین محکم نصب باشد باز شود
در هر صباح باید صد مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و ۳۳ مرتبه افوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و ۱۴ مرتبه اللهم انی اسئلک باسمک الاکبر فعال لما یرید یا هو یا من هو هو
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین در دعوت بعد از آن
کف های دست را مقابل صورت گرفته ۳ مرتبه بگوید انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی و اتونی مسلمین و بر کف دست دمد و بصورت بکشد به اثر مقبول القول شود

احضار

این عزیمت را بیست و یک بار بخواند در مکان خلوت با وضوء رو بقبله بدون تکلم با احدی و قدری نبات ۲۱
در دهان گرفته باشد و در ساعت مناسب بخورد مناسب نماید هیجت الجن علی الشیاطین و هیجت
الشیاطین علی الجن و هیجت الجن و الشیاطین علی الابلیس سید الشیاطین
و هیجت الشیاطین علی الانسان و هیجت الابلیس علی اولاده و هیجت الجن
و الشیاطین و ابلیس و اولاده علی فلان بن فلان بمحبة و الفة و مودة و عشق
فلان بن فلان بحق سلیمان بن داود علیه السلام ان تحببوا و تحرقوا قلب و فؤاد
و جمیع جوارح البدن و الجسد فلان بن فلان بمحبة و الفة و مودة و عشق

برای حصول مطالب و توسعهٔ رزق و رفع اعداء ۲۱ شب یا ۲۱ روز بخواند
در مکان خلوت متطهراً رو بقبله ۱۴ صلوات اول ۱۳۲ مرتبه آخر هفتصد
و ۷۸۶
هشتاد و شش مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم مددا یا هو

۱۲۰۰۰
ختم بسم الله روز جمعه بعد از نماز عصر مشغول شود دوازده هزار مرتبه بخواند بعد از هر هزار مرتبه
۲ رکعت نماز هدیه بروح پیغمبر تا ۱۲ امام بعد از فراغ مشغول دعای نور تا نزدیک غروب
بعد مشغول دعای سمات شود

ایضاً صم ثلثة ایام مع شرائط الریاضة واغتسل لیلة الجمعة بعد صلوة العشاء ثم
نم علی طرف الیمین وصل علی محمد وآله الف مرة ثم نم علی طرف یسارک وقرأ الف اللهم
صل علی محمد وآله الف مرة ثم نم علی القفا وقل اللهم صل علی محمد وآل محمد الف مرة ثم
تشتغل بقرائة البسملة حتی یحضر الموکلین فاطلب منهما ما ترید ولو سئلت خاتم
سلیمان ع لیعطونک ولا تجلس علی الفراش بل اجلس علی الارض فی مکان الخلوة
وهذا مروی عن سید محسن الهندی

ایضاً منقول از میرفندرسکی بعد از غسل وقت طلوع آفتاب ۳۰ مرتبه بگوید
سبحان ذی الشمس نورهٗ وصورهٗ ودوّرهٗ ولقبهٗ
۳۰۰ مرتبه
جلاله سیّره بعد از آن سیصد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بعد ۱۳۲
صلوات بفرستد پس دعای یا من تحل به عقد المکاره را بخواند

صلوة الحجة ع لیلهٔ جمعه بعد از نصف لیل غسل کند ۲ رکعت نماز کند در هر رکعت
بحمد

۱۰۰
بحمد و بکورهٔ توحید و ایاک نعبد و ایاک نستعین را صد مرتبه بگوید و باید تسبیحات
رکوع و سجود تسبیح الکبری باشد و از ۷ مرتبه بگوید و پس از نماز صد مرتبه صلوات
فرستد پس بگوید اللهم عظم البلاء وبرح الخفاء وضاقت الارض ومنعت
السماء والیک یا رب المشتکی وعلیک المعول فی الشدة والرخاء اللهم صل
علی محمد وال محمد الذین امرتنا بطاعتهم وعجل اللهم فرجهم بقائمهم واظهر
اعزازه یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیای یا محمد یا علی یا علی یا محمد
انصرانی فانکما ناصرای یا محمد یا علی یا علی یا محمد احفظانی فانکما حافظای یا مولای
یا صاحب الزمان یا مولای یا صاحب الزمان یا مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی
الامان الامان الامان

حرز منقول عن السید الداماد عن شیخه وقد عرض فی قم فی الخلسة لحضرة
الرسول صلی الله علیه و آله علی امیر المؤمنین ع وصححه وهو هذا محمد رسول الله صلی
الله علیه وآله امامی وفاطمة بنت رسول الله صلوات الله علیها فوق
رأسی وامیر المؤمنین علی بن ابیطالب وصی رسول الله صلوات الله
وسلامه علیه عن یمینی والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی
ومحمد وعلی والحسن والحجة المنتظر ائمتی صلوات الله وسلامه علیهم ع

۵۰
پنجاه مرتبه بگوید یا مجیب و حاجت را طلب کند از اسرار مکنونه است

لحصول الحوائج العظیمة و رفع المهمات الخطیرة من الشیخ البهائی در بیابان مکان خلوتی چهار خط
متصل بهم بکشد باین نحو [—] و یک خط هم در میان و خط ها را قبر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله پندارد و پشت بقبله روی بآن خطها نشسته ۱۳۰۰۰ و سیزده هزار مرتبه بگوید
صلی الله علیك یا رسول الله اغثنی بغضب الله را اید من الحی المجیبة کرّاراً انّی کاف

عمل ص ل ق ط نیم من علف غ م م غ م گرفته ص ک س کاشی را
قلم قلم نموده علف را بدو را و بپیچاند و محکم ببندد کرباس آب رسیده ملفوف نماید
زمین را حفر کرده نصف غربال زباله کاو خالص بریزد ملفوف را بنهاده نصف
غربال بلکه بیشتر که بر بالایش ریخته مقداری آتش بروی نهد تا بصبح باشد و صبح
بردارد و در میان ظرف مس بوته گذارده بدمد تا ذوب شود بعد در حفیرهٔ رطوبت
بریزد اگر ظاهر داشته باشد در میان آب چون کیمیا نقل و غ ظ سفید داشته
باشد که و برا آب و غ ظ سکو نید بریز ظاهر گرفته میشود اگر و غ ظ بیشتر
باشد بهتر است بروز خدا سراغ هند و سرند هند محمود نهاری

احضار بعدد اسم مطلوب بخواند اقسمت علیك ایها الملك
الشریف الموکل بهذا العمل یا کدائیل انت و اعوانك و
خدمك طهجائیل ان تحرقوا قلب ۹۲۲۹ بحق یا بدوح
و بحق

و بحق انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون و بحق هذا الخاتم و ما
فیه العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا اسملت را برآهن نقش کرده در آتش
اندازد

۲	١٤	٤
١٢	٨	۴
١٠		١٤

ایضاً لجهة احضار و تحبیب این طلسم
را بنویسد و فتیله بازد و در موم گیرد و
روشن نماید نظیر ندارد و طلسم این است

١٢٣ ١١٢٢ ك ١٩١ ٢ ٨ ٧ ١ ٤
۲ ع ١١١١ م ١١١٢ ه ۹ ل ا ١ م ١٢ ع ٦ ل ١٩ ع ١١٩
١١٨٢١ م ه ١١ ع ١١١١ م ١١ ٢ هجت قلب ٢٢ م ح ه م ه

١٣٠٠
لجهة استخلاص محبوس ۴۰ یوم هر روزی هزار و سیصد مرتبه لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین بخواند ١٤ صلوات قبل و ١٤ بعد بفرستد و لیس ازان بگوید
لما قلت و توکلت الحق فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلك ننجی المؤمنین و تنجینی
یا الله ثم فرج فرجنی ۲۲۲ العجل العجل بحق محمد و آله الطاهرة

للحفظ یقرء فی الصباح و المساء لسبعة یا مالك الرقاب و یا هازم الاحزاب و یا
مفتح الابواب یا مسبب الاسباب سبب لنا سبباً لا نستطیع له طلباً بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
صلی الله علیه و علی آله اجمعین

12

مفتح عقربند

۳ مرتبه بیک نفس بخواند و بوی دمد بسته شود) الله نور احد بستم زبان عقرب

باصد هزار سبحان یس و جمله قرآن

جهة دشمن وظالم از امیرالمؤمنین ع ۳ مرد ... بعد از نماز شب ... بخواند اللهم حطمه بالبلاء حطا وغمه بالبلاء غما وقمه بالاذی قما وارمه بیوم لا معاد له وساعة لا مرد لها وابح حریمه واطرفه بلیة لا اخت لها صل علیه ... واهلبته علیه وعلیهم السلام

[illegible]

غضبك ... والارض ... الضعيف ...

السموات ... وازاعبه ...

النار ...

والکفنی ... فصل ۲۳ ... نقد نسخه

جهة قضا

۲۱۶۲

جهة قضاء حوائج در یک مجلس دو هزار و یکصد و شصت و دو مرتبه بخواند که عدد

خود آیه شریفه است رب انی مغلوب فانتصر خصوصاً جهة دفع اعداء بسیار

مفید است ولی از ان روز صد و یازده مرتبه بطریق ورد بخواند ۱۱۱

۳۳۳۳

الف جهة قضاء حوائج سیما دفع اعداء در مجلس خلوت متطهراً رو بقبله سه هزار و سیصد و سی و سه

مرتبه بخواند فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

۱۲۰

تکفیه شر ان اعداء هر روزی صد و بیست مرتبه بخواند مجرب است یا لطیف یا خفی

ادخلنی بلطفك الخفی ومن دخل بلطفك الخفی لقد کفی لقد کفی لقد کفی

۹۲ ۹۲

آیه ... نود و دو روز هر روز نود و دو مرتبه بخواند بیمن ... اعظمه

بجهة مهمات معضله که هیچ چیز نتوان رفع او ... در مکان خلوت متوضئ متوجه الی القبله

۱۰۰۰

هزار مرتبه این دعا را بخواند و صلوات فرستد مجرب است یا مغیث اغثنی بحق بسم الله الرحمن

۱۰۰

الرحیم یا صاحب المرئی والمسمع اغثنی بحق آل طه ویس و صد لوت

بگوید یا دافع العظیم بالعظیم وانت اعظم من کل عظیم

کنز مخفی است ۲ رکعت نماز رکعت اولی بعد از حمد از اول سوره حدید الی قوله بذات

الصدور و در ثانیه بعد از حمد لو انزلنا هذا القرآن علی جبل الی آخر سوره حشر و در

قنوت بگوید یا من هو هکذا ولا هکذا غیره صل علی محمد وآل محمد

واقض حاجتی و بعد از نماز صد و شصت ... یا سراج یا بلیح یا مبین ...

ومن كلام له عليه السلام

والله لان ابيت على حسك السعدان مسهدا او
اجر في الاغلال مصفدا احب الي من ان القى الله
ورسوله يوم القيمة ظالما لبعض العباد غاصبا لشئ
من الحطام وكيف اظلم احدا لنفس يسرع الى البلى
قفولها ويطول في الثرى حلولها والله لقد رايت
عقيلا وقد املق حتى استماحني من بركم صاعا
ورايت صبيانه شعث الشعور غبر الالوان
من فقرهم كانما سودت وجوههم بالعظلم وعاودني
مؤكدا وكرر على القول مرارا فاصغيت اليه سمعي
فظن اني ابيعه ديني واتبع قياده مفارقا طريقي
فاحميت له حديدة ثم ادنيتها من جسمه ليعتبر
بها فضج ضجيج ذي دنف من المها وكاد ان يحترق
من ميسمها فقلت له ثكلتك الثواكل يا عقيل ا
تئن من حديدة احماها انسانها للعبه وتجرني

الى نار سجرها جبارها لغضبه أتئن من الأذى و
لا ائن من لظى واعجب من ذلك طارق طرقنا بملفوفة
في وعائها ومعجونة شنئتها كانما عجنت بريق حية
او قيئها فقلت اصلة ام زكاة ام صدقة فذلك
كله محرم علينا اهل البيت فقال لا ذا ولا ذلك و
لكنها هدية هبلتك الهبول عن دين الله اتيتني
لتخدعني امختبط ام ذو جنة ام تهجر والله لو
اعطيت الاقاليم السبع بما تحت افلاكها على ان
اعصي الله في نملة اسلبها جلب شعيرة ما فعلته
وان دنياكم عندي لاهون من ورقة في فم جرادة
تقضمها ما لعلي ولنعيم يفنى ولذة لا تبقى نعوذ
بالله من سبات العقل وقبح الزلل وبه نستعين

والمدرّة والقصيد ط ل

والیک عنی ای ابعدی وحبلک علی غاربک کنایة من کنایات
الطلاق ای اذهبی حیث شئت لأنّ الناقة اذا القیت حبلها
علی غاربها فقد فسح لها ان ترعی حیث شئت وتذهب حیث
شئت والنسلت ای خرجت والمحصن ای المرأة والامانی
جمع أمنیّة بضم الهمزة وهی الآمال والمهاوی والزلق من
والازور ای اخذ جانباً والمناخ والعزب
بتقدیم والالسن بفتح اللام ای الالفاظ والهاشّة
والمادوم والنضب
واستفرغ الدمع والربیضة جماعة من الغنم
او البقر تربض فی اماکنها ای والعشب والهجع
ای ینام لیلاً والهائمة والسائمة
والعرک والعفص والکری
والتجافت ای ارتفعت والتقشع ای زال وذهب

بجهة بواسیر
علف گوار که ویرا ~~هوبیج~~ سیوه خیار ابو جهل بیا منه بگیر غنچه گل ویرا دیگر شبانه روز
میان آب نمک بگذارد تا زهر آبش گرفته شود پس با آب زلال بشوی و ویرا مانند سایر
ترشیجات با سرکه ترشی کن و با غذا بخور بسیار نافع است

(الغیر) دهن بنگ را با بال بموضع بواسیر نافع است

طریق تحصیل اسم اعظم بنحو داده از مرحوم مبرور حجة الاسلام آیة الله آقا میر سید علی حائری
اعلی الله مقامه مأذون هستم و آن چنان است که یک اربعین متوالی در یکان واحد
۱۴۰۰ ۱۰۰ ۲ شبانه روز
زمان واحد هر روزی صد نفس بگوید یا حی الله پس هزار و چهارصد مرتبه
۱۰۰ ۱۰۰
سورهٔ مبارکهٔ توحید و صد صلوات اول و بعد صد صلوات آخر بعد هر روزه
۱۰ ۱۰
~~... مرتبه بگوید~~ پس از ختم عمل بسجده رفته و ده مرتبه بگوید
۷
یا الله پس هفت مرتبه یا رحمن پس بگوید وارزقنی خیر الدنیا
والآخرة البته باو افاضه میشود ولی چند شرط دارد اول صوم تمام این سنه
الا چهل یوم و محرم است در اینکه این چهل روز را متعاقباً روزه بگیرد یا متشتتاً
یا اینکه صائم باشد الا چهار یوم محرم سوم ترک حیوانی این سنه سیوم قربت نمودن
ثواب صلوات را بقطب زمین و زمان حضرت حجة عصر عج عجل الله فرجه
چهارم صون لسان و حفظ زبان از فضول کلام و از سخنان لا یعنی پنجم در اعصار
جمعات این سال و اعصار جمعات بتدء العمر در ساعت آخر دعای سمات خواندن بنیت
افاضهٔ اسم اعظم باو ششم که اقوی جمیع شروط است تزکیه نفس و تهذیب از اخلاق
فاسده و ملکه حلم و کتمان اسرار مرقومه از نااهل ~~...~~ اللهم افض علینا
بحق ولی العصر صلوات الله علیه محمود مشهدی ۸ ذی الحجة ۱۳۴۵

غمضها حتى إذا غلب الكرى عليها افترشت أرضها
وتوسدت كفها في معشر أسهر عيونهم خوف
معادهم وتجافت عن مضاجعهم جنوبهم وهمهمت
بذكر ربهم شفاههم وتقشعت بطول استغفارهم
ذنوبهم فاتق الله يا ابن حنيف ولتكفك أقراصك
ليكون من النار خلاصك

اللغة المأدبة بضم الدال الطعام يدعى اليه
القوم دفتية جمع فئ أي من شبابها أو من لسخيئاتها والجفان
قصاع كبار والعائل الفقير
والقضم مصدر قضم كسمع أكل بأدنى الفم واللفظ الرمي والطرح
والطمر الثوب الخلق وانما جعلهما اثنين لانهما إزار ورداء لا بد
منهما والطعم بالضم الطعام والتبر الذهب
والوفر بالفتح المال الكثير والشح البخل مع حرص والجدث بالتحريك
القبر والفسحة بالضم السعة وضغطة القبر عصرته وشدته وأضغطها
ضيقها ورضت الدابة بضم الراء وشد الضاد أي ذللتها ورياضة النفس
اخذه

اخذه من رياضة البهيمة وهي منعها عن الإقدام على حركات
غير صالحة لصاحبها وتمزلق بروزن تفعل بقزش كما يثبت
والقمح بالفتح فالسكون البر ونسائج جمع نسيجة بالمعجمة بمعنى
منسوجة والقز ابريشم يلبسه والجشع بتحريك الأولين أشد الحرص على
الطعام والمبطان عظيم البطن لكثرة الأكل وغرثى أي جوعى
أي جائعة جائعة والقد بالكسر سير يقد من جلد غير مدبوغ والأسوة
بالضم أي القدوة بالضم وجشب أي خشن والجشوبة الخشونة
والتقمم تكترش من اعلافها أي تملأ كرشها
من العلف والكرش والسدى بالضم المهمل
والارض المتاهة اسم مفعول اي يتاه فيها ويتحير السالك الى اي
مكان يسلك والشجرة البرية هي التي تنبت في البر الذي لا ماء فيه
والروائع الأنشى رالتي تروع بنضارتها وخضرتها اي
والعذي بسكون الذال المعجمة الزرع الذي لا يسقيه الا ماء المطر وهو
يكون اقوى اخذا امر الماء من النبت سقيا والخمود ضد
الاشتعال والمركوس المردود مقلوبا اي معنوية وهو مركوس لشدة
انهامه بكمال بدنه لا عقله فكأنه جسم صار مقلوبا عن عقله الفطري

البطنة بكسر الباء وسكون الطاء وتحريكها الكظة من شدة امتلاء البطن

العذية اقوى وقودا وابطأ خمودا وانا من رسول الله
كالصنو من الصنو كالضوء من الضوء وكالذراع
من العضد ووالله لو تظاهرت العرب على قتالي
لما وليت عنها ولو امكنت الفرصة من رقابها لسارعت
اليها وساجهد في ان اطهر الارض من هذا الشخص
المعكوس والجسم المركوس حتى تخرج المدرة من بين
حب الحصيد اليك عني يا دنيا فحبلك على غاربك قد
انسللت من مخالبك وافلت من حبائلك و
اجتنبت الذهاب في مداحضك اين القوم الذين
غررتهم بمداعبك اين الامم الذين فتنتهم بزخارفك
فها هم رهائن القبور ومضامين اللحود والله لو
كنت شخصا مرئيا وقالبا حسيا لأقمت عليك حدود الله
في عباد غررتهم بالأماني وامم القيتهم في المهاوي

وملوك

وملوك اسلمتهم الى التلف واوردتهم موارد البلاء
اذ لا ورد ولا صدر هيهات من وطئ دحضك
زلق ومن ركب لججك غرق ومن ازور عن حبائلك
وفق والسالم منك لا يبالي ان ضاق به مناخه والدنيا
عنده كيوم حان انسلاخه اعزبي عني فوالله لا
اذل لك فتستذلني ولا اسلس لك فتقوديني و
ايم الله يمينا استثني فيها بمشيئة الله تعالى لأروضن
نفسي رياضة تهش معها الى القرص اذا قدرت عليه
مطعوما وتقنع بالملح مادوما ولأدعن مقلتي كعين
ماء نضب معينها مستفرغة دموعها اتمتلئ
السائمة من رعيها فتبرك وتشبع الربيضة
من عشبها فتربض ويأكل علي من زاده فيهجع
قرت اذا عينه اذا اقتدى بعد السنين المتطاولة
بالبهيمة الهاملة والسائمة المرعية طوبى لنفس ادت الى
ربها فرضها وعركت بجنبها بؤسها وهجرت في الليل

غمضها

كل ما اظلته السماء فسحت عليها نفوس قوم وسخت
عنها نفوس آخرين ونعم الحكم الله وما اصنع
بفدك وغير فدك والنفس مظانها في غد جدث
تنقطع في ظلمته آثارها وتغيب اخبارها و
حفرة لو زيد في فسحتها واوسعت يدا حافرها
لاضغطها الحجر والمدر وسد فرجها التراب
المتراكم وانما هي نفسي اروضها بالتقوى لتاتي
آمنة يوم الخوف الاكبر وتثبت على جوانب
المزلق ولو شئت لاهتديت الطريق الى مصفى
مصفى هذا العسل ولباب هذا القمح ونسائج
هذا القز ولكن هيهات ان يغلبني هواي ويقودني
جشعي الى تخير الاطعمة ولعل بالحجاز او في
اليمامة من لا طمع له في القرص ولا عهد له بالشبع

او ابيت

او ابيت مبطانا وحولي بطون غرثى واكباد حرّى
واكون كما قال القائل وحسبك داء ان تبيت ببطنة
وحولك اكباد تحن الى القد ءاقنع من نفسي بان
يقال هذا امير المؤمنين ولا اشاركهم في مكاره الدهر
او اكون اسوة لهم في جشوبة العيش فما خلقت
ليشغلني اكل الطيبات كالبهيمة المربوطة
همها علفها او المرسلة شغلها تقممها تكترش من
اعلافها وتلهو عما يراد بها او اترك سدى او
اهمل عابثا او اجر حبل الضلالة او اعتسف طريق
المتاهة وكاني بقائلكم يقول اذا كان هذا قوت ابن
ابيطالب فقد قعد به الضعف عن قتال الاقران
ومنازلة الشجعان الا وان الشجرة البرية اصلب
عودا والروائع الخضرة ارق جلودا والنابتات

العذية

هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکشد   وانکه دید از حیرتش کلک از بنان افکند

حرره ... ربیع الاول سنه ۱۳۴۱   ۸ ط

طریق محلول طلا که دیگر محلول طبیعی نماید بگیرد از ملح مدتیس سی جزو [۳۰] و از جوهر کبریت بیست و دو جزو [۲۲] ~~مخلوطا~~ نمک را با هم در قرع مطین نگار بریزند و با دوجاق مولد نمایند قیفی را در سر ~~قرع انبیق گذارده~~ قرع گذارده جوهر او روی نمک بریزند و با انبیق تقطیر نماید و متقطر را مجدداً روی ملح مدتیس جدیدی بریزند از متقطر یکی و از ملح مدتیس یک و نیم ثانیاً تقطیر نماید متقطر ثانی را گرفته از او یک و ملح مدتیس جدید یک و نیم مرتبه سیوم تقطیر نماید متقطر ثالث او را در ~~قرع~~ گرفته و بقدر نصف وزن او نوره قلمی ~~عیش بینه~~ در قرع بریزند و دیر اثاث بالش ریخته ایضاً تقطیر نماید متقطر رابع را گرفته و بقدر ثلث وی طلای پاک خالص تیزابی در ظرف چینی یا سنگی ریخته و متقطر رابع او روی‌اش بریزد پس آن ظرف را روی آتش ملایمی که حرارت او بقدر حرارت ~~...~~ آتش به مرغ باشد بنهد تا مدت سیزده [۱۳] یوم پس محلول صحیح پیش خواهد شد ولی باید در هوای بسیط سرد باشد و حرارت آتش در هر چهار تقطیر باید ملایم باشد بمقدار حرارت آفتاب گرم والسلام

جنتر مار و عقرب ...
... الله الصمد یا حی یا قیوم یا واحد ...
... بحکم خدا بحکم رسول خدا ... از این ...
با ذن ... و من کتاب له

و من کتاب له علیه السلام   برای ... کردن و گرفتن عقرب ... ۱۳۰۱ ...

الی عثمان بن حنیف الانصاری وکان عامله علی البصرة وقد بلغه انه دعی الی ولیمة قوم من اهلها فمضی الیها

اما بعد یا ابن حنیف فقد بلغنی ان رجلا من فتیة اهل البصرة دعاک الی مأدبة فاسرعت الیها تستطاب لک الالوان وتنقل الیک الجفان وما ظننت انک تجیب الی طعام قوم عائلهم مجفو وغنیهم مدعو فانظر الی ما تقضمه من هذا المقضم فما اشتبه علیک علمه فالفظه وما ایقنت بطیب وجوهه فنل منه الا وان لکل مأموم اماما یقتدی به ویستضیء بنور علمه الا وان امامکم قد اکتفی من دنیاه ~~بطمریه~~ بطمریه ومن طعمه بقرصیه الا وانکم لا تقدرون علی ذلک ولکن اعینونی بورع واجتهاد وعفة وسداد فوالله ما کنزت من دنیاکم تبرا ولا ادخرت من غنائمها وفرا ولا اعددت لبالی ثوبی طمرا بلی قد کانت فی ایدینا فدک من کل

من فوره وسأل عمن يعلم النحو فارشدوه الى معاذ فجاء وقرأ
عليه حتى نفد ما عنده ثم خرج الى البصرة الى الخليل بن أحمد ...

فان قلت ما الفرق بين المقام بفتح الميم والمقام بضم الميم قلت
الفرق بينهما مختلف فيه فعند بعضهم اذا أخذ من الثلاثي يقرأ بالفتح
نحو قام زيد مقام عمرو واذا اخذ من المزيد يقرأ بالضم نحو
اقيم فلان مقام عمرو وورده المولى ابو السعود حين سأل سائل
بقوله يا وحيد الدهر يا شيخ الانام افتنا فرق المقام والمقام
فقال الفرق بينهما انه اذا قيل اقيم فلان او قام فلان مقام
فلان نظر الى فلان الثاني ان كان المقام له يقال مقام بفتح
الميم سواء قرئ الفعل اقام او قام وان كان لغير فلان الثاني
في نفس الامر يقال مقام بضم الميم سواء قرئ الفعل اقيم او قام
كالباء من حروف القسم لانها اصل في القسم والواو بدل
منها والتاء بدل من الواو فاذا قيل التاء اقيم مقام الواو
يقال المقام بضم الميم لان المقام ليس للواو بل للباء
فاذا قيل الواو اقيم مقام الباء يقال المقام بفتح الميم لان المقام
للباء في نفس الامر لانها اصل في القسم اهـ من شرح القصيدة البردة

اروح من حج في النبي مقصرا ... وان بالغ المثني عليه واكثرا
اذا الله اثنى بالذي هو اهله ... عليه فما مقدار ما تمدح الورى
تذكرت اياما لنا ولياليا ... مضت فجرت من ذكرهن دموع
الا هل لنا يوما من الدهر اوبة ... وهل لي الى ارض الحبيب رجوع

سمعت عن بعض مدرسي تبريز انه قال في بعض كتب علماء السنة الذين الفقه
بعض من اعاظمهم هذه اللفظة وكان في سيدنا عمر رضي الله عنه مرض
الابنة ودوائه ماء الرجال فلما قرء بعض اخرين علمائهم هذه العبارة
وتفطن بما فيه من الشناعة كتب فيه بهذه العبارة لانه كان دواءه
ماء الرجال ثلث فلما بلغ بعض من علمائنا الى هذا الكلام كتب لان دواءه
ماء الرجال ثلث ولكن لا يخرج من بين الصلب والترائب ۲۵ رجب ۱۳۴۰

آستین بر رخ نقشی در میان افکنده‌ای ... خویشتن پنهان و شوری در جهان افکنده‌ای
خون بهای غنچه و آشوب استقلال عشق ... در نهاد بلبلان فریاد و افغان افکنده‌ای
هر کسی را دیده از روی تو نشانی میدهد ... پیچه بردار ای که خلقی در گمان افکنده‌ای

پراکنده گی بر سپاه اوفتاد | هزاران در ~~ایوان شه~~ این رزمگاه اوفتاد
گریزندگان را در آن رستخیز | نه روی رهائی نه راه گریز *
در آن سلخ آدمی زادگان | زمین گشته خیز از لب افتادگان
زدندش یکی تیغ پهلوگذار | که از خون زمین گشت چون لاله زار
همی رفت خون از تن شهریار | لگام اندر افتاد زار و نزار
درخت کیانی درآمد بخاک | بغلطید در خون تن زخمناک

الی آخره

فردوسی

درآمد بمیدان چو آغنده شیر | کمندی بدست و سمندی بزیر
برآمد ز هر سو دهٔ دار و گیر | درخشیدن تیغ و باران تیر
یلان را بسی سر جدا شد ز تن | پر از خاک چنگ و پر از خون دهن
ز هر سو خروش تگاپوی خاست | ز خون ریختن بر درش جوی خاست
بقلب اندر آمد بکردار گرگ | پراکنده کرد آن سپاه بزرگ
ز سم ستوران در آن پهن دشت | زمین شش شد و آسمان گشت هشت

قال صاحب

قال صاحب تذكرة الحكم ان العرب اقامت تسجد لهن
المعلقات نحو مئة وخمسين سنة الى ان ظهر الاسلام
وابطل القرآن بسطوة فصاحته اعتبار العرب لها فانز
لوها من الكعبة وكانت اخت امرء القيس مقيمة يومئذ بمكة
فامتنعت من تنزيل معلقة اخيها الى ان انزلت آية اعوذ
بالله من الشيطان الرجيم وقيل يا ارض ابلعي الخ فانزلت هي
بيدها واحرقتها بالنار

الفرق بين العيّ والاعياء

ان كل عجز حصل بعد حركة وسكون فهو اعياء وكل عجز حصل في
رأي وعقل فهو عيّ وههنا حكاية وهي ان الكسائي تعلم
النحو في كبر سنه وكان سبب تعلمه انه مشى يوما حتى اعيى
فجاء مجلس عند قوم ليستريح فقال عيّيت بالتشديد بغير همزة
فقالوا له لا تجالسنا وانت تلحن قال الكسائي فكيف اقول
قالوا ان اردت من التعب والمشقة فقل اعييت وان
اردت من التحير في الامر والرأي فقل عييت مخففا فقام

الكسائي

برای جنگ ابی الفضل ۲ تا بیت خمسه نظامی مصاف دارا با اسکندر ۰۸

سیاست درآمد بگردن زنی زچشم جهان دور شد روشنی

ز بس خون که گرد آمد اندر مغاک چو گوگرد سرخ آتشین گرد خاک

ز شمشیر یله برگشته جائی نبود که در غار راد از دهائی نبود

ز غریدن ژنده پیلان مست گره در گلوی هژبران شکست

چنان گرم گشت آتش کارزار که از نعل اسبان برآمد شرار

بهر جا که بازو برافراختی سر خصم در پایش انداختی

دو دست آوریده بکوشش بردن بهر دست شمشیر الماس گون

بپولاد شمشیر و چرخ کمان بسی روزبازی نمود آسمان

دو دستی چنان میگرانید تیغ کز او خصم با جان نماند دریغ

چو برق پیدا آمدی خنجرش فرو رفتی زیر بالش سرش

الصرفها و نیابه

ز غریدن کوس فالی دماغ زمین لرزه افتاد در کوه و راغ

ز بس تیرباران که آمد بجوش فکند ابر بارانی خود بدوش

خودپوشان

خورشید از گرد آیینه کاس نوشنده پولاد بر جان هراس

بجنبش درآمد چه دریای خون شد از موج آتش زمین لاله گون

ز بس زخم پولاد خارا ستیز زمین پولشد استخوان ریز ریز

ز نوک سنان چرخ دولاب رنگ ز پرگار گردون فرو ماند لنگ

سنان بر سنان رسته چون نوک خار سپه بر سپه بسته چون لاله زار

ز بس بر دهن ناچخ انداختن نفس بسته ره راه بردن تاختن

ز پولاد پیکان لشگر شکن تن کوه لرزنده بر خویشتن

~~گریزندگان از آوران ستیز ز دو روئی نیزه ناله گریز~~

سواران همه تیر پرداخته کمان تیره و که ترکش انداخته

بقلب اندرون دارا خویشتن چو پولاد کوهی شد آن پیلتن

بدشمن گزائی لخصم افکنی گشاده پر از بازوی بهمنی

برآمد هم از قلب لشکر خروش رسید آسمان را قیامت بگوش

ستیزنده از تیغ سیماب ریز چو سیماب کرده گریزا گریز

من يتقي عليه بلده في حصن الله ...

اصبحت اللهم معتصماً بذمامك المنيع الذي

لا يطاول ولا يحاول من شر كل غاشم وطارق من

سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق

في جنة من كل مخوف بلباس سابغة حصينة ولاء اهل بيت نبيك عليه وعليهم السلام

محتجباً من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم و

التمسك بحبلهم موقناً ان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا

فصل على محمد وآله واعذني اللهم بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني

ببديع السموات والارض انا جعلنا من بين ايديهم سداً ومن خلفهم سداً

فاغشيناهم فهم لا يبصرون

[illegible]

دعا لجهة درد سر ... ایندی ... علامة

خواجه ... وقت نوشتن ایند عا روز جمعه

آخر ماه مبارک ... از صبح تا ... و دعا این

بسم الله الرحمن الرحيم كم من نعمة على عبد شاكر وغير شاكر

في عرق ضارب وساكن اسكن ايها الوجع كما

سكن عرش الرحمن وسكن له ما في السموات و

الأرض وهو العزيز الحكيم

زاهدا حق زمین بار یکبرست
یا الله ات گفتنش ... ست

یا حرف ... او انهم از بهر بعید
حق ... کردن ... دیگر است

[illegible]

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز / باز آمدم که ساعد سلطانم آرزوست

یعقوب وار وا اسفاها همی زنم / دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست

والله که شهر بی تو مرا حبس میشود / آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

زین همرهان سست عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او / آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما / گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

گویاترم ز بلبل اما ز رشک جام / مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

یک دست جام باده و یک دست زلف یار / رقصی چنین میانه میدانم آرزوست

وقت آن شد که ز میخانه در آئیم سرمست / لب پر از غزل و طره ساقی در دست

کف زنان دست فشان بود و جهان از دو جهان / پرده بر دارم و بیرون

فکنم هر چه که هست / تا کی آید بمیان تیغ بر آرم ز نیام / تا کی افکند

بغلتان تیر گشایم از شست / جام کز دست نگارست چه شیرین و چه تلخ

جا که در مجلس یارست چه بالا و چه پست

ز همین از تو نصیب دل ما آزارست / جز جزا نکند هر که در این خانه

نشست / تا بدانی که بجز سوی تو پروازم نیست / بال بگشا و نگه کن

سر رشته بدست / عجبی نیست که جز سوی تو پروازم نیست

گر بیکسوی رود ماهی افتاده بشست / بدلی زخم مزن ور بزنی

زخم مبار / گرچه بشکست بهم رشته نشاید پیوست

ز رحمت خرقه و سجاده برم چندی شد لیکن / همه دانند که من از رندی دیوانه و مست

جری قلم القضاء بما یکون / فسیان التحرک والسکون / جنون منک ان

تسعی لرزق / و یرزق فی غشاوته الجنین

شاور سواک اذا نابتک نائبة / یوما وان کنت من اهل المشورات

فالعین تنظر منها ما دنی ونأی / ولا تری نفسها الا بمرآت

هر چند که از هجر توام خون رود از دل / از دیده چه دیدی

همه بیرون رود از دل / خال بکنج لب یکی طره مشک فام

دو / وای بحال مرغ دل دانه یکی و دام دو .....

ما انت مادحها امن تشبهها / بالشمس والبدر لا بل انت هاجیها

من این للشمس خال فوق وجنتها / ومضحک من نظام الدر یخفیها

من این للبدر اجفان مکحلة / بالسحر والغنج یجری فی حواشیها..

لادیب نصیب بوری

وَشادِنٍ مِن بَنی النَّصارى / بِسَهمِ أَلحاظِهِ رُمِيتُ

خالَفَ فِي المُعجِزاتِ يَحيى / ذٰلِكَ يُحيي وَذا يُمِيتُ

الحمد لعبد كافي الكفاة ... وان اعتد في وجوه القضاة

خدم المجلس الرفيع بكتب ... مفعمات من حسنها مترعات

توقيع الصاحب تحتها

قد قبلنا من الجميع كتاباً ... ورددنا لوقتنا الباقيات

لست استغنم الكثير فطبعي ... قول خذ ليس مذهبي قول هات

وقائلة اوص العداة فانني ... ارى الموت قد حطت ركائبه

فقلت وقد راع الفؤاد مقالها ... وضاقت به خوف الحمام مذاهبه

لك الثمن ان خانت وفاتي فريضة ... وسائر ما يبقى فصنو لصاحبه

جواب

تعلم فان العلم اكبر ملبس ... لمن شرفت اخلاقه ومذاهبه

حليلة هذا اعطها وجنابنه ... فذلك والا الغانه حسم عجائبه

فان ابنه صنو لزوجته ومن ... يقر بعرف العلم تعلو مراتبه

فمبراثها ثمن وللصنو ما بقي ... كذلك يقضي من تعالت مناقبه

قول ابن خفاجه

ومهفهف طاوي الحشا ... خنث المعاطف والنظر

ملأ العيون بصورة ... تليت محاسنها سور

فاذا رنا واذا مشى ... واذا انثنى واذا اسفر

فضح الغزالة والغمامة والحمامة والقمر

استرق

يا من يمر ولا تمر به القلوب من الفرق ... بعمامة من خده او خده منها

فكانه وكانها قمر تعمم بالشفق ... واذا بدا واذا انثنى واذا اتى واذا

نطق ... شغل الخواطر والجوارح والمسامع والحدق

ما صنف الناس في علم وما جمعوا ... مثل المطول في ضبط وايجاز لو ادعى فصاحته

السبق صاحبه ... كفى به آية دلت باعجاز ... سمعتك تبني

مسجداً من جنابة ... وانت بحمد الله غير موفق ... كمنفقة الاموال من كسب فرجها

لك الويل لا تزني ولا تتصدقي ... اى خداوندیکی یا رجفا کار شده

دلبری عشوه کری نرکس خونخوار شده ... چند روزی ز پی تجربه بیمار شده

با طبيبان جفا پيشه سروکار شده ... تا بدانند که تسها بجسان مبتلا شد

درد عشقش ده و عشقش ده و بیمار شده ... که گفت بروی خ زیبا نظر خطا

خطا بود که نه بینند روی زیبا را ... ما بدوستی که اگر زهر باشد از دستت

چنان بصدق ارادت خورم که حلوا را ... يطلب الانسان في الصيف الشتاء

فاذا جاء الشتاء انكره ... لا بذا يرضى ولا يرضى بذا ... قتل الانسان ما اكفره

من بديدم دلم ميان كوى او ... در درود ديوار لا روى او ... بوسه كر بود زنم ليلى بود

خال اكر بوسه كنم ليلى بود ... چون همه ليلى بود در كوى او ... كوى ليلى بنودم جز روى او

هر زمان صد بصر ميبايدت ... هر بصر را صد نظر ميبايدت ... تا بدان هر يك نگاه ميكنى

صد تماشاى الهى ميكنى ... ان حلتك مدحتكم طمعا فيما اؤمله ... فلم انل غير

حظ الاثم والتعب ... ان لم يكن صلة منكم لذى ادب ... فاجرة الخط او كفارة

الكذب

ابجوردی

نمت وابليس اتى عيلة منتدبة وقال ما قولك في حشيشة منتخبة
فقلت لا قال وفي ~~أخضر~~ خمرة كرم مذهبة فقلت لا قال وفي آلة لهو مطربة
فقلت لا قال وفي مليحة مطيبة فقلت لا قال وفي اغيد بالبدر مشبهة
فقلت لا قال ~~..~~ نعم ما انت الا خشبة

صفي الدين حلي

وليلة طال سهادي بها ، فجائني ابليس وقت الرقاد ، فقال لي هل لك في شمعة
كبيرة تطرد عنك السهاد ، قلت نعم قال وفي خمرة ، عتقها العامر من عهد عاد
قلت نعم قال وفي مطرب ، اذا شدا يرقص منها الجماد ، قلت نعم قال وفي طفلة
في وجنتيها للحياء اتقاد ، قلت نعم قال وفي شادن ، قد كحلت اجفانه بالسواد
قلت نعم قال فنم آمناً ، يا لعنة الفسوق وركن الفساد

لمذكر الخطوت غير مؤنث ، ومؤنث الخلوات غير مذكر ، بيت غرب وبيت تبر

عيني جرحت وخنسر بالنظر ، من رقتها فانظر لحسن الاثر
راحني وقد جنيت ورد الخفر ، الا ترى كيف انشقاق القمر

عوذت حبشي برب الطوفي ، من آفة ما يجري من المقدر
ما قلت حبشي من التحقير ، بل يعذب اسم الشي بالتصغير

اهواه مقهفاً ثقيل الردف ، كالبدر يجل حسنه عن وصفي
ما احسن واو صدغه حين بدت ، يا رب عسى تكون واو العطف

شربنا على ذكر الحبيب مدامة ، سكرنا بها من قبل ان يخلق الكرم

لملنا الي في تشبيه صدغيك بالمسك ، وقاعدة التشبيه نقصان ما يحكي

رضي علي حبه

تبنا ضجيعين في ثوبي هوى وتقى ، يلفنا الشوق من فرق الى قدم
وبات بارق ذاك الثغر يوضح لي ، مواقع اللثم في داج من الظلم

توهمه طرفي فآلم خده ، فصار مكان الوهم من نظري اثر
وصافحه كفي فآلم كفه ، فمن لمس كفي في اناملة عقر
ومر بفكري خاطراً فجرحته ، ولم ار خلقا قط يجرحه الفكر

يا انبى الله في الشعر ويا عيسى بن مريم ، انت من اشعر خلق الله
ما لم تتكلم ، يا سيدي والذي يعيذك من نظم قريض
يصدا به الفكر ، ما فيك من جدك النبي سوى
انك لا ينبغي لك الشعر ، لاعضولي الا وفيه صبابة
فكان اعضائي خلقن قلوبا ، امتحان ميكنم مرکب را
بر سر حوض میکشم شب را ، کنار آب ولب حوض وپای بید خوش است
شبی که آنکه بود در میان لب محبوب

نعل کمیت قلم سود بمیدان مدح) باز بکرد انمش درخوی یارانه او

بسقی ولیشرب لا تلهیه سکرته) عن الندیم ولا یلهو عن الکاس

الطاعه سکره حتی تمکن من) فعل الصحاة فهذا اعظم الناس

مکر که عرصه جای توراند ید حکیم که بر تناهی ابعاد اراده استدلال

غازی بره شهادت اندر تک و پوست) غافل که شهید عشق

فاضل تر از وست) در روز قیامت این بدان کی ماند)

کاین کشته دشمن است وان کشته دوست)

ناز ار دلی را که تو جانش باشی) معشوق کسی باش که نهانش

باشی) زان مترسم که از دل ازادی تو) دل خون

شود و تو در میانش باشی) یاراه لبوی وصل محبوم

ده) یا طاقت نوح وصبر ایوبم ده) یا این دل بیقرار از من

بستان) یا بیزاری ز صورت خوبم ده))

یک روز نفرح مطبخ تو قوت عمر ما) یکعمر فارغم کن ویک

روز روزه کیر)

تا همی بیشه هر امان وروان کشت طبیع

از زن حائض و بانک خروس و فرو تا

نذ العشق ماخوذ من العشق الذی) اذا التف بالقضبان حفف رطبها

غنت فلم تبق فی جارحة) الا تمنیت انها اذن ......

بی عروضی ملیح) موتتی فیه حبوة) غادلا تی فهواه) فاعلاتن فاعلاتن

اعلی اطلنا بو تعللون لبتبد) ولسیف نصبت لکم اعوادها) والله لولا

تیمها وعدیها) عرف الرشاد یزیدها وزیادها

شمس اکر واقعه کرب وبلا را میدید) ببقین هشت ازان پنج معین کم شد

ظلم بکه بر حسین ز ابن زیاد رفت) ابن زیاد رفت و نخواهد زیاد رفت

چونکه بحرنان جو نکرد تناول) شد ز حسد جان زیاد دل کندم

طواف خوانه کعبه از ان شد بر همه واجب) که انجا در وجود امد علی بن ابیطالب

اقول و روح القدس ینفث فی نفسی) بان وجود الحق فی العدد الخمس

مستی چنان خوش است که کوهی بروز حشر) از کسته بشه چه کسد این زمین کجاست

الاوصار ستلا استماعها اذن

یدعون علی ان کلمة بسم الله فاتحة للترقوق ومسهلة للوعور ومخبتة للشرور وشفاء لما فی الصدور وامان یوم النشور ، ما قیل ان الحدیثین تعارض البسملة والحمد لله

لان حدیث التسمیة یقتضی البدایة بها والحمدلة یقتضی البداية بالحمد والبداية بالشیئین

مستحیل مدفوع بان المراد بالبدایة بکل منهما اتصال المقصود وهو لیس بمستحیل

وانما المستحیل التلفظ بکل منهما ابتداء وفی غیر ان یتقدم کلام علیه علی ان

الامام النووی ذکر ان المراد بالحمد لله فی الحدیث ذکر الله بدلیل ما جاء فی روایة

اخری کل امر ذی بال لم یبدأ فیه بذکر الله الخ و ح لا تعارض ومن هنا ظهر

جواب ما قیل ایضا من ان کل واحد من التسمیة والحمد امر ذی بال لذلک

وجب ان یبدء التسمیة بتسمیة اخری والحمد بحمد اخر و هکذا فتسلسل وذلک

لان المراد بالامر فی الحدیث هو الامر المقصود بالشروع فیه من قول وفعل قطعا

~~فتسلسل~~ التسلسل

نقل الارادان ريقة ثغرها ، من فهوة مزجت بماء الكوثر ، قد صح
ما نقل الاراذ لانه ، يرويه نقلا عن صحاح الجوهري ...

ولا تعجب بهجر من حبيب ، غريب الدار يرجو الوصال فحكم الجملتين
الفصل قطعا ، وبينهما كمال الاتصال — نظام بنظام ار كافرم خوانند
چراغ كذب را نبود فروغي ، مسلمان خوانمش زيرا كه نبود ، سزاوار
دروغي جز دروغي — شخصي بد ما بخلق ميكفت ، ما نيستيم غم
نميخوريم ، ما نيكي او بخلق كفتيم ، تا هر دو دروغ كفته باشيم

انما هي كسرة وادم من قديرة وخمرة في زكيرة وصبح او قبيح
قد كفى جلد عمرة ، ودنيا بالدنيا بات في ضمن صرة من راى عيشي
هذا عاش لا يطلب غيره — لا جرم في النحو واصحابه ، لان من جملتها
نفطويه ، احرقه الله بنصف اسمه ، وصير الباقي صراخا عليه
من يجتهد ان لا يرى فاسقا ، فليجتهد ان لا يرى نفطويه

كم من اديب فطن عالم ، مستكمل العقل مقل عديم ......
وكم جهول مكثر ماله ، ذلك تقدير العزيز العليم ...

هل الدهر يوما بليلى تجود ، وايامنا باللوى هل تعود ، عهود
تقضت وعيش مضى ، بنفسي والله تلك العهود
الا قل لسكان وادي الحمى ، هنيئا لكم في الجنان الخلود

بليت بفقيه ذا جدال ، بكابر لي بالفتاوى والدلال
سئلت وصاله والوصل حل ، فقال نهى النبي عن الوصال

وقائلة ما بال جسمك ينحل ، سمينا وابدان المحبين تنحف
فقلت لها قلبي بحبك لم يزل ، بحسبي نحسبي بالهوى ليس يعلم
تقولون ابدان المحبين نضوة ، وانت سمين لست لا مرئنا
فقلت لهم لان الحب خالف طبعهم ، ووافق طبعي فصار غذائيا

العلا
بشلن فقلت مقصدنا معيشي ، فكان اسم الامير لهن فلا

بعد از اينم نبود شائبه در جوهر فرد ، كه دهان تو در اين نكته خوش
استدلاليست — مژده دادند كه بر ما گذري خواهي كرد ، نيت خير
مكردان كه مبارك فاليست — برهن اقليدس في فنه

وقال النقطة لا تنقسم ، ولي حبيب فمه نقطة ...
موهوم تنقسم اذ يبتسم ، ما بي تحصل با رويا بهت
در دل بوده بهت ، حاصل تحصيل ما تحصيل حاصل بوده

اي ثنائي نعوت ايمان ، مدح حيدر بكو بيا زعثمان ..
در مدحتش مدايح مطلق ، زهق الباطل بهت وجاء الحق

والی مصر ولایت ذو النون × آن باسرار حقیقت مشحون
گفت در کعبه مجاور بودم × در حرم حاضر و ناظر بودم
ناگه آشفته جوانی دیدم × نه جوان سوخته جانی دیدم
لاغر و زرد شده همچو هلال × کردم از وی ز سر مهر سؤال
که مگر عاشقی ای شیفته مرد × که بدین سان شده‌ای لاغر و زرد
گفت آری بسرم شوق کسی است × که چه من عاشق و شیدااش بسی است
گفتمش یار تو نزدیک است × یا چه شب روزت از او تاریک است
گفت در خانه اویم همه عمر × شمع کاشانه اویم همه عمر
گفتمش یکدل و یکروست × یا ستمکار و جفاجوست
تبو ر گفت هستیم بهم شام و سحر / در هم آمیخته
چون شهد و شکر / گفتمش یار تو ای فرزانه
با تو همواره بود هم خانه / ساز کار تو بود در همه کار
بمراد تو بود کارگذار / لاغر و زرد شده بهر چه ...
سربسر درد شده بهر چه / گفت رو رو که عجب بیخبری
بگذر از اینگونه سخن درگذری / بیت محنت قرب ز بعد افزون
جدا از محنت قربم خون است / نیست در بعد جز امید وصال
هست در قرب همه بیم زوال

بودم از روز ازل طائفه دردکشان / که نه از تار نشان
بود و نه از تار نشان / از خرابات نشینان چه نشان
مطلبی بی نشان ناشده گنج ز ایشان شود آن یافت نشان
هر یک از ماه و شان مظهر شان دیگرند / شان آن شاهد
جان جلوه گری در همه شان / جان فدایش که بدلجوئی ما
دلشدگان میرود کوی بکوی / دامن اجلال کشان ...
در ره میکده آن برگرفتم بدل خال / شاید آن مست
بدین سو گذرد دردفشان / جامی این خرقه پشمینه بنهد
کز بار همدم بی سر و پایان شود و رند و شان
یا صارفاً فی الصرف ایام درسهم هلا استفدت منی الفائدة
ما اسم علی فاعلة وزنه لکنما احرفه زائدة ......
یا جاهلا بالصرف والقاعدة و مستفیداً منی الفائدة ..
اسم علی فاعلة وزنه احرفه زائدة زائدة ......
مبادا گر از من ملول بوده باشی / حدیث حسودان قبول بوده باشی
نخواندی چه درس محبت چه سودی / فروع بیانی اصول بوده باشی

بر خرد خویش بر ستم نتوان کرد / دانش و آزادگی و دین و مردی
خویشتن خویش را درم نتوان کرد / اینهمه را بندهٔ درم نتوان کرد

۷۸

چند میاونی فلان بید بن و بهمان کافر هست
قاد بحی غفار باش و عاجزی ستار باش

یا ایها المولی الذی عمت ایادیه الجمیلة
اقبل هدیة من یری فی حقك الدنیا قلیلة

در مذهب عاشقان قرار دگر است ... وین باده ناب را خمار دگر است
هر علم که در مدرسه حاصل گردد ... کار دگر است و عشق کار دگر است

تا از سمن تو سنبل آمد بیرون ... صد ناله ز من چو بلبل آمد بیرون
پیوسته گل از سبزه برون می‌آید ... وین طرفه که سبزه از گل آمد بیرون

کو تیر که بود میل از گل عارضش ... جرمیست که میلهند سوکلد از رش
چون رخسار تو هملشید در چشم من است ... عکس مژه من است بر روی غبارش

یا رب ان لم یکن فی وصله طمع ... و لم یکن فرج من طول جفوته
فاشف السقام الذی فی لحظ مقلته ... واستر ملاحة خدیه بلحیته

شنید که لقمان سیه‌فام بصر ... پا بند فرمود کای بیل چهره
محمود طمع جز خسرواں خورش ... که جان یابلیت زان خوش پرورش
میاماس جز درد و اج برند ... محو کار جز ازبت نو شخند
بهر خطه خانه بنیاد کن ... وزان خاطر دوستان شاد کن
بگفتا بد ریند ممکن سرای ... بگفتا بسه هوی معنی گرای
بجود لقمه را این قدر پاکیزه شد ... که آید بکام من چه شکر شه نك
براحت محسب این قدر یا توان ... که خارت شود زیر تن پرنیان

قبلته عند الصباح فقال لی ... افطرت فی والحال انت صیام
فاجبته انت الهلال وعندنا ... الصوم فی رؤیة الهلال حرام

آنانکه بپارسی سخن میرانند ... در معرض دال ذال را بنشانند
ما قبل وی ار ساکن جز وای بود ... دال است وگرنه ذال معجم خوانند

ما کنت اسلو وکان الورد منفردا ... فکیف اسلو وفوق الورد ریحان

زان سبزه که بر عارض تو خوا سته شد ... خاطر نبری که حسن تو کاسته شد
در باغ رخت بهر تماشای دلم ... گل بود و بنفشه نیز آراسته شد

اقول لخالد یا عمرو لما علت ... نابی السیوف المرهفات
دع الاسف البلاد مبتغیا ... فضل ثراء متی تفرد نانا
فبید و النطع وهو احقرها ... فیه اذا سار صار فرزانا
وانا البیاذق فی الدسوت تفرزنت ... فالرای ان یتبیذق الفرزان

شاه و فرخ و رخ کو نابیل ... فرزین بی از او هر پیاده کش دو دو ... پای اسب پیل تن و وزیر شاهی
اسبان پیل تن یکمترت ... بکو کم رخ یکبار آ ... پیاده مانند وما ثم
لطلب قرب شهی و افقه قباحت باش ... بیس پیاده که از یك حرکت فرزین آ

قد تلفت نفسها الدنیا ما کان اوله بالمنیة ... ما اخطأ الموت حین افنی ... من کان میلاده خطیة

ابو الحسن باخرزی

ولکم عنیت الفراق مغالطا ... واحتلت فی استثمار غرس ودادی
وطمعت منها فی الوصال لأنها ... تبنی الامور علی خلاف مرادی

این حروف بیرون آید از این خانه ۱۲ خانه موافق تاریخ شمرده

حروف ساقط نمود هر عدد از اسقاط کل باقی مانده باشد مطلب آن عدد را

بهیئت مطالع حروف شمرده ترفع کند مقدار آن عدد باقی مانده حروف دیگر را

از حروف بهیئت این شود خ ق ش غ ف ع ف ظ

۵ ۸ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۸

ترکیبه مطلع فراغ طرب بغض جمع دالک ایقا صوط

اول سؤال را بحروف مقطعه بنویسد بعد از آن موافق جمل کبیر حروف

سؤال را عدد گرفته این عدد حروف داخل را ~~بنویسد~~ فارسی منطق نماید

و حروفی که از آن انطاق فارسی حاصل شود عدد دیگر دیسی

عدد حروف فارسی را با عدد حروف سؤال با هم جمع کند آنچه

شود از آن نیز فارسی منطق نماید و حروفی که از این حاصل شده

با جمعی که از سؤال مع حاصل شده تمامی را یکجا نماید و مکرر آن

وضع نموده غیر مکرر را اول گرفته نماید بعد از آن کل را نصف نماید

و نصف ابتدا را که غرض از نصفه سؤال باشد جدا نماید و حروف

آن را تمام نماید و آن حروف را عدد گیریم عدد شش آنچه شود از آن را

نیز منطق نماید و داخل حروف مذکوره نموده حروف اول یکی را

می‌نویسید بعد شش حرف طرح نمایید حرف اخیر اینویسید و همچنین

می‌نویسید تا آخر تکسیر که البته جواب مناقض آید و نقطه آخر سؤال

بهمین قاعده عمل کنید که از انها جواب حاصل خواهد شد شافی

مطابق تحقیق موارد سؤال ا ح ح د ب ن م ر ی ا م

د ر س ا ل ه ز ا ر ص ی د ت ش ص ق س ن ع ح ا ل

ش ب ج ن و ع خ ا ل د د ب د د س ی بود سؤال نمودم

۲۹۳۷ حروفش این شد ذل ط خ غ تنزل نمودم

این شد ۴ انطاق نمودم این شد ش تنزل نمودم این

انطاق نمودم این شد ل ا م انتزال نمودم ۳

منطق جمع شد شماره حروف نقطه دار فهم این شد ۴ بر

منطق نمودیم این شد ص بعد از ان مجموعه حروف حاصله

جمع نمودیم این شد ذ ل ط غ خ ش ل ج د س بعد از ان

مکرر را حذف نمودیم این شد ذ ل ط غ ش ح د س بعد از ان

نمودیم این شد سطر اول س ت د ل ح ظ ش غ (۹۲) ۶۴

صغیر ۲ حروفات سؤال را حساب کردیم ۲۵ برد استنطاق

کردیم ۵ لث شد و نقاط سؤال را حساب کردیم ۱۰ استنطاق

هی و حروفات خارج ۵ لث هی مراد از شمردن حروف و نقاط

دیگر حرف بردن آنست که بعد از اخراج مطالب حرفهای سؤال را

بان حرفها یکجا که از عدد حروف سؤال و نقاط اخراج شده است جمع کنیم

و هم چنین حرفهای جواب را دو از عدد حروف و نقاط حساب کرده

اگر حروف سؤال و حروفات خارجه ممتزجه در حروف با جواب مطابق

صحیح والا غلط واقع شده است پس حاصل اربعه را بحروف آوردیم

چنین شد دم رغ ح ا ی ق ا ی ب پس این حروفات را بطور

ظل عدد بطریق زبر و بینات چنین شد دال م هی م راغ هی

فی ح ال ات ق اف هی اب ا حروف [illegible] و [illegible] پس از

برای این حروفات ممتزجه [illegible] که از برای خود صفحه

و از برای سطر خانه هشتگر [illegible] مرده اند حرف اول

علامت حرف [illegible] حرف [illegible] حرف ثالث علامت

سطر است حرف رابع علامت خانه پس حروفات ممتزجه

از جفر جامع چنین است رضی صی ح ط خ د صی ف خ ر س

ظ ح ع اضی ا ت ت ا ر س صی ق ص ق س ی ا ح صی

پس [illegible]

که در بیان رساله مذکور است تا آنکه عددی حاصل گردد که با استنطاق
حرفی باشد بی لفظ و حرف و این عمل از مشکل باشد در طریقه جامعه
چنانکه سطر متحصله از مشکلات طریقه صغیر و این طریقه صحیح مجمع
اکثر این اهل عصر و اهل اقلیم رابع نگردیده و رابعا از عمل ثالث
من الاعداد بحروف عافیطوسیه استنطاق نموده سطر کنند علیحده
و خامسا گر حروف مستنطقه که حاصل شده از عمل رابع اشعار الطرقی بیلوکته
از مراتب خود خواه از احاد و خواه از عشرات و خواه از مات متعدد
الف را با با را جیم و جیم را دال و هکذا یا را کاف کاف را ل و
عجایی ق را ر و در شی هر چه عمل آمده از عمل خامس متحصله
و متحصله ثانی و رابع باشد بی ضابطه هیچ احتیاج رجوع بطفلی
بجفر ندارد و سادسا از متحصل سابق متحصله و متحصله اخذ نمایند
و ثانیا امزاج دهند با عمل سابق را به تحریر متحصله متحصله اولا
و متحصله متحصله ثانیا و متحصله متحصله ثالثا و متحصله متحصله
رابعا و تا سابعا هر چه بعمل آمده از امزاج و ترکیب نظره بگیر را جزیه
با حروف طبیعه و عاشرا بعوارات نظره مقلوب نمایند هر چه بعمل آمده
باشد جواب معلمات بخوانند و مطلوب را بیابد بر از جواب فارسی را
فارسی و عربی را عربی و دیگری را دیگری به لفظ گویا باشد و باید

لـ ثـ ی ی فـ اح و ال و ضـ ی ام ع ال م ام و ن حروف ۲۴
گرفته اول حرم بنقله من الجفر همین نهج زمام درست ساخته
صدر و مؤخر نمایند مطلب را دریابند اینجا از حضرت امام موسی
کاظم (ع) در کتاب اصول کافی و حقایق الامامت که از مصنفات
شیخ الاکبر بتفصیل مرقوم است بدین ترتیب که سؤال سایل مع المحاد
و ساعت و لیل و یوم در درج نحس و قمر و هیئت و حله و قیام و سکون
و حرکات بدین نوع نویسند پس حروف را افراد نمایند آنگاه در حروف
ملاحظه نمایند که حروف از اربع عنصر کدام غالب است هر چه از این طبایع
غالب باشد عدد زمام سؤال را با اعداد حروف طبع غالب ضرب کنند و اگر
در طبع غالب باشد با عدد طبع و اگر سه طبع غالب باشد با عدد سه طبع و اگر ۴
طبع غالب باشد با عدد هر چهار طبع ۱۸ ۲۴ حروف باشد ضرب کنند جدول
عناصر و ستاره حروف نار و ریح و خاک و ماء مقلوب و باد مکسور و تراب محروم
حاصل ضرب نگهدارد پس در حروف ستاره ملاحظه ستاره کنند که ستاره
هر غالب حروف بود عدد او را بگیرد آنچه حاصل از ضرب اول شده این عدد را
با عدد حرف ستاره ضرب کنند آنچه حاصل آید از آن ۸۴ ۱۲ ۱۸ اسقاط
طرح نموده هر چه باقی ماند هیئت حروف پیدا کند همچنین نوع حروف جا با گیج
هیئت را حروف ستاره در زمام نویسد هر جا که بیرون آید الف و ق با اعتبار

کند بعد از عطای مطلب صدر آنکه خواند متلاگر وجه اشت که اگر از طرح ۵ بیما بد

از الف تا ذ بنویسید باین قیاس

۹ ۶	۱ ۶	۱۲۱		

اینگاه عمل استخراج از تا آخر تمن
معمول است که اول حرف مطلب
بنویسید پس از آن حروف فزگ فزگ
نوشته بعد در کند بعضی تجهیا نمود
وطول مرتبه که احتیاج باشد اکتفا
کند روا باین جدول موافق
فراهم درآمده و ترقیع و اوتار
تنزل بنویسید عبارت درست و صحیح تر بعد از آنکه دو ز دیچی مکرر
القاط کرده بر عمل مجوابد و عمل دیگر آن اینکه طریق است که عدد
مطلب را با ز براوبینه گرفته در عدد صوامت و فواطق ضرب کند
حاصل ضرب را با عدد مطلب ضرب کرده جمع نمایید و از این جمع
عدد تاریخ که در آن تاریخ سؤال بود ۱۲ ۱۲ اطرح کند هر چه بعدد
طرح باقی ماند از انگاه دارد متلگا اعداد جمله ۸ ۱۰ ۴ ۲ ۴ ۳ ۲ اثبت
جمع از این اعداد با اسقاط منفی و با آخر این صورت حاصل آمد
ح ف ض ع در بعز ۸ در صفحه ۱۹ در سطر ۲۰۱ در خانه ۸ ۲ ۴

پس باقی حروف جواب را نقطه الجبر کرفتیم چنین شد ر ل د ن
م م ص د ص ی و ا م ت س ل س ح ح ق ا د ح د ه
ا ب د س چون این حروف فاتر اکنون بتکسیر صدر مؤخر کردیم
چنین شد د ر ب ل ا د ه د م ح م د ص ا د ق ص ح ی
ح و س ا ل م س ت پس حروف سؤال مع خارج ۲۰۸
بود پس جواب نیز ۲۰۸ است پس عمل صحیح است بدان وفقک الله
تعالی ایها الاخ فی الله تعالی توضیح طریقه جامعه را که در کتاب
بر موز نموده است علی الاجمال اولا آنکه حرف سؤال را مقطعات تحریر
برده و عدد انها را بحساب الجبر جمع نمایید و اسم یوم سؤال را هم
بعربی بنویسید که سؤال عربی باشد و عدد حروف او را هم حساب
نموده اضافه مجموع نمایید و نظر کنند که چندیوم از شهر سؤال
گذشته او را هم حساب نموده اضافه مجموع نمایید و ثانیا بعد از این
عمل مجموع اعداد محصله شده را ۱۰ یا یازده قسمت نمایید علی التسویه
و هر چه کسر باشد که قابل تجزیه نباشد او را علاحده حساب نموده زاید
نامیده در خواطر نگاه دارد و ثالثا عمل نمایید در هر یکی از این
حصص ملاویه عمل را که بتفصیل در کتاب رموز مذکور است با رفع
و رفع و تضعیف در تفصیل نقل کند بقاعده مناسب

بنویسید بعد تنی حرف طرح غابو حروف مقصر انبویسید و همچنین
بنویسید تا آخر بعد حکم که البته جواب منافی آید و نصف آخر سوال
بهمین قاعده عمل کنند که از انهم جواب حاصل خواهد شد شافی

مطابق تخلف موارد سئوال ا ح ح د ب ن م ر ی م
در ک ال ه ز ا ر ص ی د و ش ی ص ق ت ن ط ح ال
ش ق ب ح ن و ع ح ا ل د و د ی ی ب و د سئوال بوده
۲۹۳۷ ½ حروف تنی این شد ذ ل ط ع ع ش ت ن ل نمودیم
این شد [illegible] انتطاق نمودیم این شد شی تنزل نمودیم
انتطاق نمودیم این سئوال لا مرا تنزل نمودیم ۳
مستنطق جمع شد شماره حروف نقطه دار انهم این شد ۴ بعد
منطق نمودیم این شد د س بعد از ان مجموع حروف حاصله را
جمع نمودیم این شد ذ ل ط ع ع ش ل ح د س بعد از ان
مکرر را حذف نمودیم این شد ذ ل ط ع ش ح د س بعد از ان
نمودیم این شد سطر اول س ی ذ ل ح ط ش غ ۶۹۲ ع

ع ز ش ی ض ر ظ ط د ح ال سطر سیم ل غ ح س ی ر ش و ظ ط د

سطر چهارم این شد متخلقه غ ح ذ ع س و ص ی ن ظ ه این شد
ف ا ش ب ا ب ال ا بدانکه حروف متصله را انواع
استخراجات است و قواعد بسیار دارد در جاتر فرد فرد
مطلوب بر ساشند المطلوب بحصول اسم مطلوبی دارد که انرا
لسان الغیب هم مطلوبی دارد که انرا روح گویند اگر خواهی در
یابی این مطلوب را فضل کنی بقبال الصول ثلثه در اینها بدون بلد که
معلوم شد و گاهی در جاتر ا ۱۲ ۴ قسمت می شود [illegible] چهار را صفحات
برند انجا که خانه میانه حرف است تا آخره صفحه بر میدارند و گاه بموازین
و حروف از همان خانه جمع میکنند که متصله بر میدارند و گاه بموازین
الحروف منصوب و مطلوب تا ازل و خارج حروف بر میدارند و گاه خانه
متصله را در صفحات مرکز فرا رسید مند و بموازین ان مرکز عاشران
خانهان متعلق [illegible] مطابق و گاه چهار جزو متصله را
در نفس خود ضرب و حاصل [illegible] قابل طرح مثار گشت طرح و ا ۸

بهمان میزان حرف بسم الله الرحمن الرحیم طریق مداخل اربعه باسم
محمد صادق غایب مثالم م ح م د ص ا د ق در ص ن د ح ی
است د ا ل د ی ی ان کر مدخل کبر ابجد ۴۰ ۴ ۱۲ مدخل

صغیر ۲ حروف خارجه سؤال را حساب کردیم ۲۵ بود انطاق
کردیم ۵ باقی شد و نقاط سؤال را حساب حساب کردیم ۱۰ انطاق
هی و حروف خارجه خارج ۵ باقی هی مراد از شمردن حروف و نقاط
دیگر حروف بردن آنست که بعد از اخراج مطالب حرفهای سؤال را
بان حرفها یکه از عدد حروف سؤال و نقاط اخراج شده است جمع کنیم
و هم چنین حرفهای جواب را دون عدد حروف و نقاط حساب کرده
اگر حروف سؤال و حروف خارجه متخرجه در حروف با جواب مطابق
صحیح و الا غلط واقع شده است پس حاصل اربعه را بحروف آوردیم
چنین شد دم زغ ح ا ی ق ا ی ب پس این حروفات را طبق
ظل عدد طریق زبر و بینات چنین شد دال م هی م ر ا خ ی
ف ح ا ل ا ق ق ا ف ی ا ب ا حروف [illegible] و [illegible] پس از
برای این حروفات متحده [illegible] که از برای خود صفحه
و از برای سطر خانه [illegible] نموده اند حرف اول
عدد امت حرف [illegible] حرف ثالث عدد امهت
سطر است حرف رابع عدد امه خانه پس حروفات متحده متخرجه
از بعد جامع چنین شد رضی صی ع ط خ د صی ف ح ز ش
ظ ع ا صی ا ت ف ا س صی ف ح ق س ع صی

پس این

این حروف بعد انت از این خانه ۱۲ خانه موافق تاریخ کرده
حروف ستانند و [illegible] عدد از اسقاط کل باقی مانده باشد مطلق آن عدد را
هیئت مطالع حروف شمرده ترفع کند مقدار آن عدد باقی مانده حرف دیگر را
از حروف هیئت این شد خ ق ش ی غ ف ع ف ظ
۱۰۱ ۱ ۱ ۱۰ ۱ ۲ ۵
ترکیب مطلوب فراغ طرب بغضب مع ذالک ایضا صوط
اول سؤال را بحروف مقطعه بنویسند بعد از آن موافق جمل کبیر حروف
سؤال را عدد کرده پس عدد حروف را اول را با [illegible] فارسی منطق [illegible]
و حروفی که از آن انطاق فارسی حاصل شود عدد بگیرد پس
عدد حروف فارسی را با عدد حروف سؤال باهم جمع کند آنچه
شود از آن نیز فارسی منطق باید و حروفی که از آنها حاصل شده
با جمیع آنچه از سؤال حاصل شده تمامی را یک سطر باید و مکرر آن
وضع نموده مکرر را [illegible] باید بعد از آن سطر را نصف باید
و نصف ابتدا را که فرض از نصفه سؤال باشد جدا باید و حروف
آن را تمام باید و آن حروف را عدد گیرد پس عدد آنچه شود از آن
نیز منطق باید و داخل حروف [illegible] کرده نموده حروف اول یکی را